

## فصل چهاردهم

## از باب هفتم

در باره حالاتی که در سال سنهٔ تسع ۱ [و ثمانین] و ثمانه سمه  
سنوح یافت

حضرت اعلیٰ خلافت پناه روز یکشنبه پانزدهم ربیع الآخر سنهٔ مذکوره  
از راه شیمروود ، به صوب دیلمان نهضت سعادت مال فرمودند . شب در  
راه مکث فرموده ، روز دوشنبه به تخت دیلمان متمکن گشتند باریک الله له  
و لاجبائه . و میرزین العابدین ساری چون پدر مرحوم میر عبدالکریم ،  
میر عبدالله نام را در حمام به غدر به قتل آورده و میر عبدالکریم طفل  
بود ، به حکومت مازندران بنشست چون آن حکایت اینجا مطلوب نیست  
به گاه آن شروع نمی‌رود<sup>۱</sup> . اما بعضی حالاتی که حضرت خلافت پناه را  
آنجا که غایت ترحم است ، نسبت به امیر عبدالکریم به تقدیم می‌رسانید ،  
نوشتن آن ضرورت می‌شود .

غرض که در این سال پادشاه یعقوب عنایت فرموده ، مازندران را  
به میر عبدالکریم داده بود و میرزین العابدین به استرآباد رفته در آن  
سرحد به مخالفت قیام می‌نمود . تهور نموده از سرحد استرآباد ایلغار  
نموده ، به مازندران در آمد و چون نتوانست اقامت نمودن ، متوجه رستمدر  
شد . میر عبدالکریم بالشکر مازندران و چند نفر از عساکر ترکمان که همراه  
او بودند ، سر راه بگرفت و به لب سیاهرود محاربه کردند . و میرزین -  
العابدین از آنجا بگذشت اما از نوکران او جمعی به قتل آمدند و اسباب

۱- در اصل : تسعین . ۲- شاید : به گاه آن شروع می‌رود . در اصل : گاهی

و تعلقات که همراه بود ، تالان کردند . و او با چند نفری مجروح خود را به ساحل بحر [و] جیکه رود رسانید و از آنجا به سرحد رستمدار رسید و به نائل فرود آمد و میرعبدالکریم بالشکر مازندران به مقابله او به سرحد آمل و رستمدار بنشست .

بزرگان مازندران به تخصیص میراجراهیم که حاکم آمل بود ، صلاح چنان دیدند که میان ایشان صلح بکنند . از این سبب چند نفری را به پایه سریر سلطنت پناه ارسال داشتند . حضرت اعلی چون نیک خواه خلایق است ، فضایل مآبی مولانا حسن باریک الله که از جمله متعینان آستانه رفیعه است ، بنا بر خاطر ایشان نزد ملک جهانگیر که والی و حاکم نائل رستاق بود ، روان ساخت ، تا به هر نوعی که ممکن باشد ، بدان امر قیام نمایند . چون ملک جهانگیر فیما بین ایشان نمی خواست که صلح بشود در آن باب سعی نمود و میرزین العابدین را حسب المقدور یرق داده روانه آستانه عالم پناه پادشاه اسلام پناه گردانید . و آتش فتنه در کانون زمان (؟) در مازندران افروخته بود ، به باد افساد و اغوا مشتعل ساخت و فکر آن نکرد که عاقبت کار این خبث او چه نوع خواهد بود و در چنین حال شعرا فرموده اند که، بیت:

شه که یاد از مرگ نارد، زوست ویرانی ملک

خسرو بی عاقبت خسر بلاد و کشور است

و چون مولانا حسن مذکور به جانب رستمدار به سبب مهم مذکور روان شد ، اشارت رسید که مؤلف حقیر به خدمت شاهزاده سلطان هاشم به کلیشم رود که ایشان را ارادت بساط بوس است ، چون یرق بکنند روانه گردانند بر موجب فرمان عالی قیام رفت .

روزشنبه غره جمادی الاخر موافق دوم آبانماه قدیم حضرت شاهزاده

متوجه پایه سریر اعلی شد و چون حضرت اعلی خلافت پناه از دیلمان مبارک به لوسن تشریف فرموده بودند، در آن مقام به سعادت ملاقات مستعد گشتند و در رکاب همایون بوده ، به نفتچاک تشریف بردند. تا روز جمعه شانزدهم رجب در آن ییلاق به عیش و حضور مشغول بودند . روز مذکور خدام خلافت پناه از آن مقام کوچ کرده ، متوجه تخت دیلمان شدند و شهزاده را هبه و عطایای او فر عنایت فرموده ، رخصت انصراف به جانب تنکابن دادند <sup>۱</sup> . و حقیر کم بضاعت را امر شد که به شرف آستان بوس مشرف گردد هم چنان باید [به] آن سعادت فایز گردد . به صوب دیلمان مبارک عزم نمود . بعد از قطع منازل ، دولت تراب بوس میسر شد .

× روز یکشنبه سیم شعبان موافق بیست و هشتم آذرماه قدیم که آفتاب در سه درجه و صفر دقیقه سنبله بود از تقدیر حکیم علیم جلت قدرته قریب به غروب آفتاب زلزله ای عظیم واقع شد و اتفاق حسنه را حضرت اعلی خلافت پناه ، در باغ دیلمان نماز عصر گزارده به سر سجاده تقوی نشسته ، مترصد شام بود که این واقع شد و بسیار عمارات صورت انهدام پذیرفت. اما در بعضی ولایت بیشتر و بعضی جا کمتر بود . مثلاً در ناحیه شکور در بعضی قرا بیشتر بود و بسیار بنای قدیم منهدم گشت و هفتاد نفر از اناث و ذکور در زیر گل و چوب درجه شهادت یافتند . و بعضی را که حیات باقی بود ، بعد از يك روز و دو روز [از] آنجا بیرون می آوردند و در گرجیان و گلیجان صد و شش نفر به رحمت رفتند . و در رود بارات نیز بسیار فوت شدند . اما عدد به تحقیق معلوم نشد و در قلعه پالیسن طالقان هفتاد و هشت نفر از اصحاب قلعه فوت گشتند . و در تنکابن عمارات عالیه از قصر و مساجد و مشاهد و حمامات منهدم گشت و بعضی که تمام نیفتادش

شد . چنانکه قابل اصلاح نشد. و در رانکو و لاهجان و گو که و کیسم و پاشیجا و لشتنشا، زلزله ای محکم [شد] اما کسی فوت نگشت و آن چنان خرابی واقع نشد. و در دیلمان بسیار از عمارات کهنه بیفتاد اما اهالی را خیر بود. و هشتپر کهنه رانکو بعضی بیفتاد. و بسیار مواضع دیلمستان از قلل جبال سنگهای عظیم بغلطید و بسیار مواشی را به هلاک آورد. و در جنده رود بار گرجیان از قلّه کوه ، خو کی از هیبت آن زلزله بجهید و در رودخانه بیفتاد و بمرد. و قصر سردابه سر گرجیان که بنائی محکم بود، بازمین هموار شد. و دو نفری که در آن مقام به پاس پائی مشغول بودند ، فوت شدند. و بعد از آن از حکمت حکیم علیم ، هر روزه یک نوبت و دو نوبت زلزله واقع می شد ، چنانکه مردم از بناهایی که باقی بود ، بیرون آمده ، به صحرا بودند و تا آخر رمضان سنه مذکوره همه روزه و یک روز در میان زمین می جنبید . ذالک تقدیر العزیر العلیم . بیت:

ای کرده اعتماد به سیارگان چرخ

ایمن مشو که چرخ فلک در کمین تست

و چون در ولایت گرجیان خرابی بی حد واقع شده بود ، حقیر را امر شد که آنجا رفته از آن حال اعلام درگاه اعلی گرداند و به تعمیر آن خرابیها مشغول گردد .

روز شنبه بیست و هفتم ماه رمضان را رخصت فرمودند و اشارت شد که شخصی صوفی نام که بنیاد شیادی و مکاری کرده در ولایت لاهجان به قریه مالفجان می باشد از راه شیمرو به سر وقت او رفته و شید و دمای او را بدو ثابت کرده ، از آنجا نقل نموده به ولایت گرجیان برده وظیفه داده شود ، تا آنجا با عیال خود بسر برده . بر موجب امر همایون از دیلمان به قریه مالفجان آمده و قضاة و فقهای اسلام را طلب نموده صوفی

را ملزم ساخته و مکاری او را بدو اثبات نموده ، از آنجا به گرجیان فرستاده آمد . و بعد از آن دو سه روز حقیر نیز به گرجیان رفته ، به انجام مهام آن دیار مشغول گشته آمد .

از تقدیر ربانی و قضای سبحانی جلالت قدرته ، شب جمعه سیم ذی القعدة موافق بیست و هفتم اسفندیار ماه قدیم کیای معظم کیا رستم اسپهسالار رانکو شربت فنا نوش کرد و به مقعد صدق جا یافت **إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ** . حضرت خلافت پناه از آنجا که کمال عنایت و اشفاق خسروانه است ، وظایف تعازی را بفرمودند تا به تقدیم رسانند و فرزندان آن مرحوم را به انواع مستمال ساخته ، به عنایات اوفسر مفتخر ساختند و در رعایت آنها دقیقه ای از دقایق اشفاق را تقصیر نفرمودند . اما چون بجز آنکه انواع عنایت به بازماندگان مرعی دارند و روح مرحوم را به فاتحه فایحه بفرمایند شاد گردانند ، تدبیر دیگر نیست که هر که قاصر حیات است ، ممانت لازمه اوست . چنانکه شیخ نظامی می فرماید که ، بیت :

همه ممکن الوجودند، رقم هلاک دارند

تو که واجب الوجودی، ابد الابدمانی

به مقدرات عنایت را تقصیر نفرمودند . **أَلَدِهِمْ خَلَدٌ مُلْتَمَعٌ وَأَيَّدُ عَصْرَهُ صَاحِبًا لِّلْمُسْلِمِينَ** .

و به طالع سعد روز پنجشنبه نهم ذی القعدة موافق دوازدهم فروردین ماه قدیم را ازدیلمان متوجه رانکو شدند و شب جمعه به سرلیل نزول همایون فرموده ، روز مذکور به تخت رانکو به مراد دل احبا فرود آمدند . و مؤلف حقیر نیز از گرجیان به امر اعلی شرف زمین بوس بحاصل کرد ، و کیای مرحوم مغفور کیا رستم اسپهسالار رانکو و ناحیه سماس بود . و شرف

الاماجد والاعیان آقا یوسف خواجه سپهسالار دیلمان مبارک، سعادت سپهسالاری  
 سماس را به یوسف خواجه مذکور رجوع فرمودند و سپهسالاری دیلمان را  
 به امیر اعظم امیر سید عبد الملک که اسپهسالار رودبار لمسر بود، هم  
 رجوع کردند. و ناسحیه رانکو را به حقیر مؤلف سفارش نموده مهم آن  
 ملک را به سایر اشفاق خسروانه منضم ساخته، بدان مفتخر گردانیدند.

### فصل یازدهم

#### از باب هفتم

در ذکر حالاتی که در سنه احدى تسعین [و ثمانه] سمت وقوع یافت

روز چهارشنبه یازدهم محرم موافق پنجم خرداد ماه قدیم را خلافت  
 پناه به صوب لاهجان عنان عزیمت مصروف گردانیدند و اهالی آن ملک  
 استقبال نموده، وظایف بندگی به تقدیم رسانیدند. در این سال چون همت  
 خسروانه بر آن جاری بود که بسا حضرت امیره اسحق خلد سلطانه طریق  
 صداقت و محبت را به درجه اعلی و مرتبه قصوی به تقدیم رسانند و همشیره  
 عقیقه خود را در حباله زوجیه ایشان جا دهند، برادران سعادت ارقام را  
 طلب فرمودند. حضرت سلطنت پناهی کارگیا سلطان حسن خلد اقباله از  
 لشتن شاه تشریف فرمودند و کارگیا سلطان هاشم از تنکابن شرف آستان بوس  
 دریافتند و اصحاب و اعیان و ارکان دولت جمع شدند و بنیاد سور و سرور  
 کرده شهر را بفرمودند تا آذین ببندند و هر یک از صنایع و تجار به آلات و  
 اسباب صنعت خود آرایش شهر و بازار کردند و آنچه سلمان شاعر فرمود  
 که، بیت:

آسمان کرد در آفاق یکی سور، چه سور

که از آن سور شد اطراف ممالک مسرور

در چنین محل مناسب حال است. روز چهارشنبه بیست و دوم ربیع الاول  
 موافق پانزدهم مرداد ماه قدیم را طوی دادند و خوان اکرام بگسترانیدند  
 و بزرگان بیه پس که جهت بردن عروس آمده بودند، به انواع احترام  
 محترم ساخته، روانه ساختند و آن مهم سعادت فرجام را انجام نمودند.  
 و ساکنان ملاً اعلی آیه نَصَرَ مِنْ اَنْتَهِ وَ فَتَحَ قَرْدِبْ می خواندند. حضرت  
 اعلی خلافت شعار روز شنبه سیم ربیع الآخر موافق بیست و پنجم مرداد  
 ماه قدیم از لاهجان مبارک عازم رانکوشدند و شب یکشنبه به لنگرود اقامت  
 فرموده، روز مذکور تخت رانکو مسند قدم جلال گشت و روز شنبه پنجم  
 جمادی الاول موافق بیست و ششم شهریور ماه قدیم را به جانب دیلمان  
 نهضت اقبال فرمودند. شب چهارشنبه به سرلیل اقامت نموده، روز مذکور  
 به دیلمان حلول اجلال واقع شد و میر عبدالکریم به ساری بود. خبر رسید  
 که میرزین العابدین را پادشاه یعقوب عنایت کرده، مازندران بدو داد  
 و او چون متوجه گشت، میر عبدالکریم عیال و اطفال خود را به گیلان  
 روانه ساخت. و او همانجا اقامت نمود تا اگر تواند اقامت نمودن، همچنان  
 به تقدیم رساند و الا او نیز اینجا بیاید و همچنان عیال او آمدند و به ناحیه  
 سیاه کله رود به قریه کژین جای دادند. چون میرزین العابدین با لشکر  
 ترکمان به مازندران در آمد، نتوانست اقامت نمودن او نیز بیرون آمد و  
 به فرضه اسپچین فرود آمد. اشارت شد که مؤلف حقیر برود و او را  
 ببیند و خیر مقدم بگوید و اگر ارادت داشته باشد که به فرضه رود سر بیاید،  
 پیش گرفته بیاورد.

بنا بر امر اعلی روز شنبه نهم جمادی الاول موافق دهم مهرماه قدیم حقیر روانه اسپچین شد . روز یکشنبه بیست و چهارم جمادی الاول را به امیرمذکور ملاقات واقع شد . چون اراده داشتند که به رودسر بروند ، روز دوشنبه بیست و پنجم جمادی الاول را روانه شده ، شب سه شنبه به شیروزی - سر اقامت رفت و روز مذکور به قریه کژین که عیال او آنجا بودند ، فرود آمد و حقیر به رانکو رفت .

روز یکشنبه غره جمادی الاخر موافق بیست و دوم مهرماه قدیم میر عبدالکریم به رودسر تشریف داد و این ضعیف روز چهارشنبه چهارم جمادی الاخر را متوجه پایه سریر سلطنت مصیر گشت . روز پنجشنبه شرف بساط بوس به حصول پیوست . روز دوشنبه غره رجب را باز زلزله شد . اما آن چنانک اول شده بود نبود و الله خیر حافظاً و هو ارحم الراحمین . روز یکشنبه بیست و یکم رجب موافق ششم آذر ماه قدیم را حضرت اعلی خلافت پناه ، به عزم بیلاق نفتچاک عنان عزیمت مصروف فرمودند . شب دوشنبه به چاکرود نزول همایون واقع شد و روز مذکور به لسپو تشریف فرمودند . روز سه شنبه موضع نفتچاک مضرخ حیام جلال گشت . تا روز یکشنبه ششم شعبان آنجا تشریف فرمودند . روز دو شنبه هفتم شعبان را به جانب ناحیه جورسی نهضت سعادت مآل فرمودند و شب به قریه تمل فرود آمده ، به گشت و شکار مشغول گشتند . تا روز سه شنبه ششم رمضان مبارک را در آن نواحی شکار کردند . روز مذکور را از آنجا به سرمیج نقل نمودند ، روز دوشنبه دوازدهم رمضان موافق بیست و ششم دیماه قدیم را معاودت به خیر فرموده تخت لوسن را به آفتاب اقبال منور ساختند و عازم دیلمان مبارک شده ، به سه منزل بقعه مبارکه مذکوره را از فر دولت قاهره رونق

زین زلزله  
در  
کنند  
شکل



دولت پدید آمد .

روز جمعه بیست و پنجم ذی الحجه موافق هشتم اردیبهشت ماه قدیم از تقدیر سبحانی عز شانه، عم حضرت اعلیٰ کارگما بازی کیا به جو ار رحمت رب العالمین پیوست . **إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ** و حقیر کم بضاعت به رانکو آنچه وظایف عزا بود به اتفاق اصحاب عزا به تقدیم رسانیده آمد . و حضرت اعلیٰ خلافت پناه دردیلمان مبارک مراسم تعازی به تقدیم رسانیدند و به ختم قرآن و هبات و صدقات به نیت روح پاک مغفوری به فقرا و مساکین دادن امر کردند . و نزد فرزند او میر حسین به رسم عزا پرسش فرستادند و تسلی تمام دادند .

### فصل شانزدهم

#### از باب هفتم

در ذکر اتفاقات سنه اثنی و تسعین و ثمانمائه

چون حضرت اعلیٰ در این سال به دیلمان قشلاقی می کردند همت عالی اقتضای آن کرد که به رسم شکار و تفرج به صوب رحمت آباد عنان سعادت آثار را معطوف گردانند . فلهدا **روز جمعه هفتم صفر موافق بیستم خرداد ماه قدیم** رکاب همایون مصروف گشت و تا دوم ربیع الاول موافق چهاردهم تیرماه قدیم را در آن ولایت به گشت و تفرج و قوش پرانیدن و صید کردن مشغول شدند . و اهالی آن ملک را به انعامات او فر مفتخر ساختند و عنایت خسروانه نسبت با آن جماعت به تقدیم رسانیدند . روز سه شنبه تخت دیلمان از مسند اقبال مشرف شد و میر عبدالکریم رخصت طلبیده ، به جانب اسپچین تنگابن رفته بود . خبر رسید و به تحقیق

گام  
مهم

میرزین العابدین از این دنیای پرغرور رحلت نموده به جوار رحمت رب العالمین پیوست **إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ**، نکته :

بارید به باغ ما تگرگی

وز گلبن ما نماند برگی

آن بی دوات به امید کاذب که از این دنیای دون پرور داشت ، چندین خونهای ناحق بریخت و فکر آن نکرد که در این عالم فنا بجز نام نیک چیزی بقا ندارد و چون چند روز آنچه مراد او بود ، در این سرای پرغرور حاصل شد، به نام نیک اگر بکوشیدی ، بعد از او ، او را مردم به دعای نیک یاد می کردند که مقصود از عمر آن است که بعد از او کسی به دعا او را یاد آرد و به گردن او خون ناحق مسلمانان نماند که گفته اند، بیت:

جهان خواستی یافتی ، خون مریز

مکن با جهاندار یسزدان ستیز

چون این خبر به گوش میرعبدالکریم رسید، ارادت توجه به جانب مازندران نمود . حضرت اعلی فرمودند که بی امر و اشارت و اجازت پادشاه یعقوب خلد سلطانه تشریف بردن مناسب نمی نماید . با ملک جهانگیر که والی ولایت رستم داراست مشورت واجب است . چون مشورت فرمودند ، ملک مذکور هم اجازت نداد . در این مابین ایلچی پادشاه اسلام با خلعت فاخر به طلب میرعبدالکریم آمد. آن ایلچی را به رانکو فرود آورده ، به طلب میر مذکور فرستادند و ایشان نیز تشریف فرمودند . و ایلچی به صحبت ایشان مشرف شد و خلعت پوشانید و ادای رسالت کرد . میر مذکور فرمود که خصم من این است که فوت شده است و مازندران بی حاکم و والی است و هر کسی دست برد می کند و مال پادشاهی ضایع می شود . به هر حال به

مازندران می‌روم . و حضرت اعلیٰ خلافت دستگاه فرمودند که سادات مازندران که بدین ولایت آمده‌اند ما را بدیشان حکمی نبود ، اختیار خود دارند . غرض که ایلچی هم راضی شد که جهت پادشاه پیش کش بفرستند تا آنچه صلاح دولت باشد به تقدیم رسانیده آید و ایلچی به دیلمان رفت و میر مذکور ده هزار تنگه به نوکران خود داده ، به درگاه اعلیٰ پادشاهی را عذر چند بفرستاد و ایلچی را نیز خدمت لایق بکرد و خود روز شنبه شانزدهم جمادی الاخر موافق بیست و هفتم مهرماه قدیم ، به اسپچین معاودت نمود و توقع نمود که حضرت اعلیٰ مؤلف حقیر را با جمعی از عساکر همراه او گرداند تا او را به مازندران برساند . فلذا رای صایب بر آن قرار یافت که جمعی از عساکر نصرت مآثر را به همراه این حقیر روانه سازند . قریب یک هزار و پانصد سوار و پیاده را نسق نموده ، با ضعیف همراه گردانیده ، امر شد که میر مذکور را به ساری برساند و معاودت نماید .

روز دو شنبه بیست و پنجم جمادی الاخر موافق ششم آبانماه قدیم را از رانکو بیرون رفته ، بعد از قطع منازل به شیره رودسر گرجیان اتفاق افتاد . و جهت رسیدن لشکر روزی چند مکث واقع شد . روز چهارشنبه پنجم رجب المرجب موافق پانزدهم آبانماه قدیم را به اسپچین به امیر عبدالکریم ملاقات واقع شد . روز پنجشنبه و جمعه آنجا توقف رفت . سبب آنکه حضرت اعلیٰ خلافت پناه جناب سیادت مآب امیر سید عضدرا فرستاده بودند ، تا به امیر مذکور مشورت کلیه را انجام نموده ، روانه سازد روز شنبه هشتم رجب از اسپچین توکل به حضرت خیرالمتوکلین نموده سوار گشته آمد . و شب یکشنبه به کنار سرداب رود کلارستاق استاده شد . چنان معلوم گشت که ملک معظم قاجار دلوله به امر پادشاه اسلام چند نفری را با فرزند خود به سر راه فرستاده است تا میر مذکور را نگذارند به مازندران

کتابت شد

لا

رفتن . از این سبب خاطر متعلق گشت .  
 روز یکشنبه به نواحی سی سنگان با آن جماعت محاربه واقع شد و  
 از طرفین جمعی مجروح گشتند . اما مردم رستمدر مقاومت نتوانستند نمود  
 منهزم گشته ، در آن جنگل پنهان شدند . از آنجا به موضعی که مشهور  
 است به دژ که روی سرچلندر<sup>۱</sup> اقامت رفت روز دوشنبه دهم رجب به کچه -  
 روی سر اتفاق افتاد . بعد از فرود آمدن چند نفر سوار و پیاده رستمدری از  
 نوکران ملك مذکور به مقابله و معارضه در آمدند و بعون الله سه نفر از  
 ایشان مجروح و مقید گشتند و دیگران به انهزام تمام بیرون رفتند . بیت:

در این ره پناه خود از هیچ کس

نخواهم بجز لطف یزدان و بس

روز سه شنبه یازدهم رجب موافق بیست و یکم آبانماه قدیم را به  
 تمشان سر که قریب سرحد ولایت آمل است عساکر ملك جهانگیر بن ملك  
 کاوس مرحوم به مقابله قیام نمودند و بنیاد محاربه کردند و حرب عظیم واقع  
 شد و از طرفین بسیار مجروح شدند و از تقدیر سبحانی تیری برسید نصیرالدین  
 نام که از بنو اعمام و همشیره زاده حقیر بود رسید . اما رستمدریان طاقت  
 مقاومت نداشتند و منهزم شده ، بدر رفتند . و از آنجائی که سید و جمعی  
 مجروح شده بودند ، به کشتی که همراه بود نشانده ، شب چهار شنبه  
 دوازدهم رجب را به قریه اهلُم آمل اتفاق افتاد . روز چهار شنبه مذکور  
 سید نصیر مجروح به جوار رحمت رب العالمین پیوست و سید شهید مرحوم  
 را همانجا به مزار سادات اهلُم دفن کرده آمد . بیت :

۱- در اصل : دزگه روی سر . شاید : دزدک روس . دهکده دزدک امروز برجای

است و روس به معنی رودس است . دهکده چلندر ( به کس چ و لام ) امروز نیز بر  
 جای است .

## اگر تیغ عالم بجنبد ز جای

نبرد رگی تا نخواهد خدای

و همین روز خبر رسید که چون میرحسین آملی خبر عساکر نصرت  
مآثر بشنید ، آمل را گذاشته ، به ولایت چلاو ملتجی گشت . به تعجیل  
رانده به آمل کنار رودخانه هرهمز مخیم خیم عساکر نصرت آئین گشت و  
ارباب و اهالی آن دیار اکثر و اغلب وظایف خدمات به تقدیم رسانیدند و در  
رَبْقَة اطاعت در آمدند . بیت :

چو بخشایش پاك یزدان بود

دم آتش و آب یکسان بود

و از ولایت ساری به عنایت الهی هم خبر رسید که اهالی آن ملک به  
طوع و رغبت متوجه خدمت میرعبدالتکریم شدند و میرشمس الدین که برادر  
میرزین العابدین مرحوم است ، چون رسیدن عساکر ظفر پیک بشنیدارادت  
فرار دارد . و میر ابراهیم که حاکم آمل بود ، روز پنجشنبه باجمعی از  
آملیان و چند نفر از عساکر نصرت مآثر در عقب میرحسین به چلاو روانه  
شد . از آمل کوچ کرده بعد از قطع منازل و مراحل روز جمعه بیست یکم  
رجب را که موافق اول ختمه مسترقه بود به معموره با روشده فرود  
آمده شد و آن بقعه مبارکه مضرب خیام اقبال گشت . و ارباب اهالی ساری  
جوق جوق و فوج فوج به خدمت میر مذکور مشرف می شدند و میر -  
قوام الدین بن میرمحمد مرحوم ساری نورضریحه بافرزند خود میرمحمد  
به شرف ملاقات مشرف شد و وظایف احتیاط من جمیع الوجوه مرعی  
گشت و صورت حالات واقعی را مشروحاً کتابت کرده اعلام مقیمان عتبه  
علیاگردانیده آمد .

در این اثنا به تحقیق پیوست که میر شمس الدین از ساری بیرون رفت و متوجه ولایت هزاره جریب گشت . روز شنبه بیست و دوم رجب موافق دوم ختمه مسترقه که همین شب آفتاب به برج اسد تحویل کرده بود ، از باروشده کوچ کرده ، به کنار رودخانه تلار فرود آمدیم و آقا عبدالعلی نامی که سپهسالار میر زین العابدین مرحوم بود ، چون میر شمس الدین به جانب هزاره جریب رفت به موضع <sup>۱</sup> مذکور [ به ] شرف خدمت میر عبدالکریم مشرف شد . روز یکشنبه بیست و ششم رجب موافق سیم ختمه مسترقه میر عبدالکریم را بعون الله به تخت ساری نشانده آمد . و اهالی ملک و اعیان مملکت نثارها کردند و طبل نشاط راصدا به ملاء اعلی رسید .

روز چهارشنبه بیست و ششم رجب با امیر غضنفر هزار جریبی که والی ولایت آن دیار بود به کنار تیجنه رود ملاقات واقع شد . و همین روز سید غضنفر مذکور بانو کران خود و جمعی از مردم ولایت ساری ، در عقب میر شمس الدین به هزاره جریب رفتند . روز پنجشنبه از ساری کوچ کرده ، به کنار تیجنه رود به موضعی که دزادون می خوانند فرود آمده ، تا روز یکشنبه پانزدهم شعبان را گاهی به دزادون مذکور و گاهی به قریه شوراب بودیم ، روز مذکور به ولایت علی آباد نسزول واقع شد . و مشهد مبارک جنمورا زیارت کرده و آستانه رفیع را به لب ادب ملثوم گردانیده آمد . تا روز چهارشنبه هیجدهم شعبان را همانجا اتفاق افتاد . روز پنجشنبه نوزدهم شعبان موافق بیست و سیم آذرماه قدیم سنه مذکوره ، میر عبدالکریم را وداع کرده ، متوجه صوب گیلان گشته آمده و عصریه را به باروشده فرود آمده ، چون ماه بر آمد سوار شده صباح جمعه را به فرضه فری کنار فرود آمدیم

و لحظه‌ای توقف کرده از آنجا به فرضه تمنکا رسیده، زمانی آسوده، روز یکشنبه به کچه‌روی سررستمدار اقامت رفت و شب دیگر به کنار خره رود استاد. از آنجا به قریه گاوزه کلایه مکث رفت. و فرزند مؤلف حقیر سید نصیرالدین نام را حضرت اعلی خلافت پناهی عساگر گرجی و تنکابن و بعضی از عسکر بیه‌پس مبارک بدان سرحد داشته بودند و به کنار نمکاو رود که سرحد تنکابن و رستمدار است لشکرگاه کرده بودند و منتظر حقیر بودند. روز سه‌شنبه بیست و چهارم شعبان موافق بیست و ششم آذرماه قدیم را با فرزند مذکور ملاقات کرده، عساگر بیه‌پس را عذر خواسته، رخصت انصراف داده آمد، و لشکر تنکابن و گرجیان آنچه با حقیر همراه بودند و آنچه آنجا اقامت داشتند، مجموع را عذر خواسته اجازت داده شد تا هر یکی به جای خود روند. و مؤلف حقیر کم بضاعت با عساگر را نکو و لاهجان به شیه‌روی سر آمده، متجندة منصوره مذکوره را هم اجازت داده. روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه آنجا اقامت نموده، روز شنبه بیست و هشتم شعبان موافق دهم دیماه قدیم را از شیه روی سرسوار شده، شب دوشنبه به کنار گزین رود سیاهکله رود اتفاق افتاد و روز مذکور به رانکو آمده، صورت حال را معروض پایه‌سریر سلطنت مصیر گردانیده آمد. اشارت شد که روز چند استراحت نموده، به دیلمان شرف بساط بوس را مستعد گردد.

ر بر موجب فرمان همایون روز پنجشنبه سوم رمضان موافق هفتم دیماه قدیم را از رانکو بدر رفت. شب جمعه به موضعی که مشهور و ملقب است به برف چال اقامت نموده آمد و از عنایت سبحانی در آن یورش هیچ نوبت باران نشد که از آن سبب بر عساگر نصرت قرین زحمتی رسیده باشد مگر همین شب که به موضع مذکور فرود آمده شد، باران عظیم ببارید. روز جمعه تراب بوس سده سنیه به حاصل آمد، چنان رسانیدند که چون عساگر

ظفر پیکر از مازندران بیرون آمد میر شمس الدین نزد ابا جگر بیگ که داروغه و حاکم فیروز کوه بود، مدد طلبیده، میر عبدالکریم هجوم نمود. میر مذکور طاقت اقامت نداشت؛ روز یکشنبه بیست و نهم شعبان را از مازندران بیرون آمده، بعد از قطع منازل به ساحل بحر به ولایت تنکابن به قریه اسپچین آمد. از این جهت بر خاطر بحر مقاطر اسلام ملازی مالال بحاصل آمد و سلیمان بیگ را نیز سبب رفتن میر عبد الکریم به ساری، پادشاه یعقوب خلد سلطانه، به طریق بی عنایتی به سرحد رودبار و لمسر به ولایت قزوین فرستاد و لشکر رستم‌دار را خیر کردند. از ساحل بحر متوجه گیلان گردند و اشارت شد که میر عبدالکریم را روانه پایه سریر تبریز گردانند والا آنچه موجب بی عنایتی است به تقدیم رسانیده می آید. چون این معنی موجب تشویش و دغدغه خاطر بود، عساکر نصرت آئین کوه و گیلان را جمع کرده، جناب امارت مآبی امیر عبدالملک سپهسالار را با بعضی عساکر دیلمان به رودبار لمسر به مقابله لشکر ترکمان فرستادند. و اطراف و جوانب دیلمان را فرمودند که سرحد نشینان واقف باشند و خود به دیلمان مبارک اقامت فرموده، مؤلف این کلمات را با بعضی از عساکر رانکو و گرجیان [و] تنکابن امر شد که به سرحد نمکاو رود به مقابله لشکر رستم‌دار و مازندران برود. ۴

بنابر امر اعلی روز دوشنبه بیست و هشتم رمضان موافق دوم بهمن ماه قدیم را به فرضه اسپچین این ضعیف با عساکر فتح مآثر فرود آمده، به مقابله رستم‌داریان اقامت رفت. و شاهزاده جوان بخت کامگار سلطان هاشم خلد سلطانه را هم امر شد که به اسپچین تشریف فرمایند که فرزند ملک جهانگیر با لشکر رستم‌دار به کلارستاق آمده بودند، اما ملک زاده مکرم ملک شاه عازی که والی کلارستاق است، با ایشان بنیاد مخالفت کرده و



نزد این ضعیف بفرستاد که [ من ] از جمله دولتخواهان آستانه رفیع‌ام که هر چه امر باشد ، به تقدیم می‌رسانم . چون حسن اعتقاد ملک معظم معلوم شد اعلام غلامان آستانه رفیع گردانیده آمد . و حضرت اعلی از آنجا که کمال عقول سلیمه است ، میر عبدالکریم را ارسال فرمود که چون قصه بدینجا رسید ، اگر به آستانه پادشاهی رفتن صلاح دانسته باشند ، مختارند و الا به هر چه صلاح دولت آن حضرت در آن است متابعت و موافقت می‌رود که گفته اند ، بیت :

هر کو به صدق در ره یاری نهاد قدم

بختش به منتهای ارادت شود دلیل

وانکوزبهر یار کند جان خود فدا

حرزی خدا فرستد از پسر جبرئیل

میر مذکور ارادت نمود که برود و با سلیمان بیگ ملاقات نماید ، به شرطی که میر سلیمان مذکور جهت او عهد بکند که آسیبی بدو نرسانند . حضرت اعلی از این سبب ایلچیان عظام به تخصیص جناب سیادت مآبی کار میا سید احمد خلد سیادته و فضایل شعاری کمالات آثاری مولانا حسن بارک الله فی ذهنه و کیاسته را نزد میر سلیمان مذکور بفرستاد و جهت میر عبدالکریم عهد فرمود ، بعد از آن میر عبدالکریم روانه قزوین گشت و با سلیمان بیگ ملاقات فرمود . واقعاً میر سلیمان وفا به عهد خود نموده ، میر مذکور را به انواع احترام محترم ساخت و با ایشان روانه پایه سریر سلطنت مصیر پادشاهی گشت و حضرت اعلی همت خسروانه را مرعی فرموده ، جهت پادشاه و امرا و ارکان دولت به تخصیص جهت سلیمان بیگ ایلچیان را با پیش کش روانه گردانیدند .

چون ترکمان از آن سرحد برخاستند لشکر رستم‌دار که به سرحد تنکابن به کلارستاق در آمده بودند ، منهزم گشته معاودت نمودند و آتش این فتنه به میاه عقول کامله ملازمان آستانه رفیعه فرو نشست . و ملک شاه غازی خلد ملکه با عم خود ملک حسین از نمکاو رود گذشته ، با این حقیر ملاقات کرد و وظایف دولتخواهی را نسبت به ملازمان سده والا به تقدیم رسانیده ، معاودت نمود . و عساکری که در آن سرحد بودند ، رخصت انصراف شد و نزد ملک الملوکی ملک قاج الدوله بن ملک مرحوم ملک اسکندر کس فرستاده ، به فرزند ملک شاه غازی بنیاد مصالحه رفت .

و چون ملک جهانگیر نقض عهد کرده بود ، ولایت کلارستاق را چنان صلاح دیدند که تابع ملک قاج الدوله باشد و از آن معنی ترغیب فرمودند و ملک شاه غازی نیز بر موجب صلاح دولت قاهره سلوک نموده ، دست به دامن اجلال ملک قاج الدوله رسانیده ، با او بیعت فرمود و مهم آن سرحد به عنایت الله به احسن وجوه انجام یافت .

و شاهزاده سعادت آثار ، سلطان هاشم خلد سلطانه از اسپچین به گوراب تنکابن معاودت فرمودند و مؤلف حقیر روز چهارشنبه بیست و هفتم ذی القعدة را که بیست نهم اسفندیار ماه قدیم بود از اسپچین متوجه گرجیان شد و حضرت اعلی خلافت پناه ، چون عساکر نصرت مآثر که همراه سپهسالار معظم میر عبدالملک خلد اقباله به سرحد قزوین بودند و آنجسا میر عبدالملک مذکور آنچه وظایف سرداری و تیغ بود ، به اعلی مرتبه به تقدیم رسانیده با امرای ترکمان گفت و شنید عاقلانه و سرداران فرموده بود ، او را به انواع عنایت ملحوظ ساخته ، فرمودند که لشکر که همراه ایشان است ، اجازت بدهند و اسلام پناهی به سعادت از دیلمان به چاکرود نقل فرموده بودند و میر عبدالکریم را در آن مقام ملاقات کرده و به انواع

عنايات خسروانه مستمال گردانیده و یرق اردو رفتن ایشان را مهیا ساخته . روز شنبه هفدهم ذی الحججه موافق نوزدهم فروردین ماه قدیم را از چاکرود کوچ کرده ، متوجه رانکو گشتند و شب سه شنبه به ناحیه سجیران شکور نزول همایون واقع شد . روز مذکور که هیجدهم ذی الحججه بود به طالع سعد به رانکو فرود آمدند . اللهم بورك له و خلد اقباله و اید اجلاله الی یوم الملل .

و باز تجدید یرق پیشکش جهت پادشاه و تحف و هدایا جهت امرای عظام یرق فرموده عم زاده خود کنار گیاه میرحسین بن تارآیا بازی تیمای مرحوم را به اتفاق فضایل مآبی ، شریعت شعاری ، سیدحسن کیای قاضی دام شرایعه و جناب کمالات دستگاهی مولانا حسن باریک الله روانه اردوی پادشاهی گردانیدند . هرچند در این سال به سبب ناملایمی چند که از جانب پادشاه اسلام واقع شد اخراجات روی نمود اما شکر نعم الهی را که در جمیع اوقات ورد ایشان است ، به انواع طاعات و عبادات قیام می فرمودند و برسندن حسنه انبیاء و اولیاء علیهم السلام مداومت می فرمودند و به عمال دیوان امر شد که باخلاق و ادای خالق ارض و سما می باشند به طریق عدل و راستی سلوک نمایند و رسوم و قواعد بدعت را بالکل براندازند و نتیجه این اعتقاد صادق بر جمهور خلائق واضح و لایح گشت . بیت :

نام و ناموس ملک را در شکست

کوری آنکس که از حق در شکست ۲

و سعادت دارین قرین روزگار حضرت همایون را ملائکه مقربین به زبان حال به مقال در آمده به افهام صایبه رسانیدند که ، بیت :

سایه حضرت خدا خوانند  
 هر کرا رسم نیک سلطانی است  
 در زمین نایبست شیطان را  
 هر که بر سیرت ستمکاریست

فصل هفدهم

از باب هفتم

در ذکر وقایع چند که در سنه ثلث و تسعین [ و ثمانماه ] (۸۹۳)  
 سمت وقوع یافت

حضرت خلافت پناه تا روز چهارشنبه چهارم ربیع الاول موافق پنجم  
 تیرماه قدیم به رانکو تشریف داشتند . روز مذکور عازم تخت مبارک  
 لامجان گشتند و لاهجان را به آفتاب عدالت خود منور ساختند و اهالی  
 آن دیار به دعای دولت مداومت نموده به سایه هما آسای عدالت پناه آسوده  
 و مروح بودند در این اثنا به تحقیق پیوست که امیره رستم کوهدهمی که به  
 افساد و افسان مشغول بوده و در سلطانیه ساکن می بود ، دهم صفر موافق  
 دوازدهم خرداد ماه قدیم را وفات یافت و هم نشین اصحاب فسق و فجور در  
 مقامی که جهت آن جمهور موضوع است جایافت . بیت :

چو پرداخت زد نقش پرگار او<sup>۱</sup>

کشیدند خط نیز در کسار او

و آن بی دولت وقتی که در کوهدم حاکم بود ، عمر را به فسق و فجور  
 صرف می کرد و به ظلم و عدوان از جماعت مسلمانان هر چه ممکن بود  
 به عنف و ستم می ستاند و جمع می کرد و آن اموال ظلمی به باد فنا رفت و از

نتیجه آن بجز وزر و وبال<sup>۱</sup> آخرت چیزی بر نداشت و عزیزی در این باب چه نیکو می فرماید که. بیت :

هر که او وابسته زر شد به زنجیر است اسیر

این قدر باشد که او بسته به زنجیر زر است

خاک خور کو هر که مالش دارد و خوردنش نیست

همچو آن گنجی که مارش بر سر و خاکش خوراست

روز دو شبه بیست و نهم ربیع الاول موافق سلخ مرداد ماه قدیم را به رانکو تشریف فرمودند و به تفرج شکار چرخ و شاهین و به غور آرسیدن احوال فقرا و مساکین و به ترویج امور شرعیه قیام می نمودند و چون فرزند کیای مرحوم کیا سمعوم کیا به بلوغ رسیده بود ، همشیره عقیقه سپهسالاری عظمت مآبی کار کیا محمد خلد اقباله را جهت کیا فریدون مذکور خواسته بودند . و نیز فرزند کیای مغفور مبرور کیا رستم سپهسالار - کیا حمزه نام - به سن مراهق رسیده بود . بنا بر عنایت خسروانه که در شأن این ایتم مصروف بود فرمودند تا بنیاد عروسی کنند و عصمت پناهی مذکوره را جهت کیا فریدون در جباله زوجیه آرند و کیا حمزه را بر سنت حسنة انبیاء علیهم السلام ختنه بکنند. بر حسب اشارت و اجاب الاطاعت. بیت:

ز کبر دشمن آتش نهاد، او می خواست

که زود میرشود، زود میرشد چو شرار

و در نفطچاک چون در آن موسم بادهای عظیم می جهید و گرد و غبار بر می خیزید روز مذکور کوچ کرده ، به قریه جورکشایه فرود آمدند . روز شبه غره مبارک رمضان را که موافق بیست و چهارم آذر ماه قدیم بود به لوسن تشریف فرمودند و ماه صیام را در آن بقعه مبارک به طاعات و

عبادات به آخر رسانیدند و نماز عید بگزاردند و اهالی آن دیار را شیلان دادند و مهربان را به خلعت‌های فاخر ملبس ساختند و تساروز شنبه ششم شوال همانجا به عیش مشغول بودند. روز یکشنبه هفتم شوال موافق سلخ دیمه قدیم را رکاب همایون به عزم نخجیر کوه‌بزا معطوف گشت. و شب سه شنبه به قریهٔ تمل من قرای ناحیهٔ بالاسنگ که به اصطلاح دیلم جورسی می‌گویند فرود آمدند. و روز چهارشنبه قریهٔ یازن را مقر اقبال گردانیدند. و تا روز جمعه و شنبه همانجا اقامت فرموده. روز یکشنبه چهاردهم شوال موضع بایز رود را که از جملهٔ قرای نواحی رودبارلمسر است مخیم خیم جلال ساختند. بیت:

چو ابر بر همه عالم بیار و چون خورشید

بتاب بر در و بام توانگر و درویش

و دو شب همانجا توقف فرموده، روز شنبه نوزدهم ذی‌القعدة قریهٔ وبار را از نفحات نسیم اجلال مشکبار ساختند. روز یکشنبه بیستم ذی‌القعدة تخت لوسن مسکن جلال گشت و ده روز آنجا بوده، روز شنبه ذی‌الحجه موافق بیست پنجم اسفندیار ماه قدیم را عازم بقعهٔ مبارکهٔ رانکو شدند. شب به قریهٔ کیارمش اقامت فرمودند. روز یکشنبه به مسجد مبارک رود - بارک که از مستحدثات امام همام ناصرالحق علیه السلام نماز گزارده و وظایف دعوات و صلوات به تقدیم رسانیده. شب دوشنبه به ناحیهٔ سحیران به خانهٔ زین الدیالم و الاحرار پاشا فلک الدین ناظر تشریف فرمودند و بزرگان آن دیار از مقدم همایون مفتخر و سر بلند گشتند و وظایف عبودیت به تقدیم رسانیدند.

و چون به رودخانهٔ پلورود از ایام سابقه پلای از چوب بسته بودند و هر ساله به تجدید آن می‌بایست شروع نمود و گاهی بود که آب طغیان

می کرد و آن پل را می برد و بر هم می شکست و مترددان از این سبب در زحمت می بودند و آن پل را به اصطلاح قوم کیاپرد می خوانند همت عالی خسروانه مقتضی آن شد که بر آن مقام پلی از خشت و سنگ و آهک بفرمایند ساخت ، تا خلائق از آن مشقت خلاص یابند . فلهدا استناد یمعقوب بنسای رویانی را به سرکار فرستادند و کیا پاشا فلك الدین ناظر را مشرف آن مهم ساختند و به سعی تمام آن مهم پسندیده به هم رسیده بود و استاد مذکور طاق بزرگی<sup>۱</sup> بر آن رودخانه بسته ، خواستند که آن عمارت را به نظر کیمیا خاصیت منظور سازند از تقدیر سیحانی باران عظیم که از جمله رحمت رب العالمین است آن شب ببارید و آب رودخانه بسیار شد چنانکه عبور از قریه سجیران نمودن به سر راه آمدن متعذر می بود . مردم صاحب وقوف دلیل شده از راهی که از آب نباید گذشت ، به کنار آن طاق رایات نصرت آیات رسانیدند و تفرج آن پل کرده ، به قریه بالانگاه<sup>۲</sup> به خانه پره نشین حسام الدین طالش فرود آمدند . روز سه شنبه ششم ذی الحجه موافق بیست و هشتم اسفندیار ماه قدیم را به تخت رانکو به مبارکی و طالع سعد نزول همایون فرمودند . تاروز پنجشنبه در آن مقام تشریف فرموده ، تدروان خوش رفتار به چنگال قوشهای آهنین متقار صید می کردند . روز جمعه نوزدهم شوال موافق دوازدهم بهمن ماه قدیم را قریه یاره رود مسکن بندگان آستان رفیع مقدارگشت . روز دوشنبه به قریه حسن آباد نزول اجلال واقع شد و در آن مقام باز به پرائیدن بحری و شاهین زرین چنگک مشغول گشته تفرجها کردند . روز سه شنبه بیست و سوم<sup>۳</sup> شوال موافق شانزدهم<sup>۴</sup> بهمن ماه قدیم را به قریه زر آباد تشریف ارزانی فرمودند . و در آن مقام به رعایت رعایا و متجنده و ضبط آن مملکت طریق عدالت مرعی داشته ، روز سه شنبه غره ذی القعدة موافق بیست و

۱- دراصل ، طاقی بزرگی . ۲- امروز : بالنکا (به کسر لام) ۳- دراصل :

بیستم . ۴- در اصل : پانزدهم

سوم بهمن ماه قدیم را متوجه قریهٔ مُرَبُّوا شدند و دو شب آن دیار به آفتاب اقبال منور شد و شکارهای خوب واقع گشت و بسیاری از جانوران صید شدند. روز پنجشنبه دهم ذی القعدة به قریهٔ اسپهران که مسکن و موطن سپهسالاران و سرداران ولایت لمسر است و الحال هذَه جناب سیدمعظم سپهبد زمان سید عبدالملک سپهسالار خلد عظمه و امارته تشریف داشتند فرود آمدند و سپهسالار مذکور انواع پیشکشها کرده ضیافات بلیغ نمود و خدمات لایقه به تقدیم رسانید و دعای دولت می گفت و مضمون این بیت را حرز جان می ساخت. بیت:

ای در زبان من همه ساله ثنای تو

بی گاه و گه دعای توام فرض و نافله

و تا روز سه شنبه پانزدهم ذی القعدة آن مقام روشن، از ضیای آفتاب دولت روزافزون می بود. روز چهارشنبه شانزدهم را به عزم زیارت اعلیٰ تسل عنان همایون برتاییدند. شب پنجشنبه به قریهٔ اسپه‌مرد فرود آمدند. روز پنجشنبه زایر آن مقام معلی گشتند و علما و فضلا از سادات و مشایخ قزوین به شرف آستان بوس مشرف شده، معاودت نمودند. و خلافت پناهی بازگشته باز به قریهٔ اسپه‌مرد اقامت فرمود. و روز جمعه دیگر باز مقام اسپهران را به ظل ظلیل پادشاهی بپروریدند. روز پنجشنبه هفدهم ذی القعدة قلعهٔ لمسر را به قدم همایون مزین و مشرف ساختند و سردار قلعه را با اصحاب، نوازشهای خسروانه فرموده، به خلعتهای فاخر ملبس ساختند و احبای دولت زمین عبودیت را به لب ادب بوسیده می گفتند، بیت:

به کام تو بادا، همه کار تو

خدای جهان هم نگه دار تو<sup>۲</sup>



به تقدیم رسانیدند ، روز چهارشنبه نهم ربیع الاول موافق سلخ خرداد ماه قدیم از آب سفیدرود عبور فرموده به مقام خرمدشت ملاقات همایون واقع شد. و آن دو کوکب سعادت آئین در برج شرف مقارن گشتند و ارکان دولت و اعیان مملکت فومن و رشت که در رکاب همایون امیره بزرگ بودند ، به شرف زمین بوس مستسعد شدند و از طرفین ازدحام تمام سمت ظهور یافت و نثارها کردند و قریب ده هزار سوار و پیاده حاضر آن مقام با احترام گشتند . شعر :

سپهر از دم گرمشان نیلگون

هوا از سم اسبشان ییلگون<sup>۱</sup>

و چون ملاقات واقع شد فرود آمدند و حضرت اعلی شربت فرمودند کشید و قرصهای قند و شاخهای نبات در آن مجلس بخش کردند و هر که آب می خواست ، گلاب می دادند . شعر :

بزم و جشنی اتفاق افتاد ، از تقدیر حق

کین جهان در دور خود هرگز ندید است این چنین

اجتماع و التقای نیرین در برج اوج

شد به وجه احسن از توفیق رب العالمین

و جمعی از کشتی گیران را فرمودند تا در آن میدان کشتی بگرفتند و زمانی که چنین صحبت واقع شد صورت الوداع به خوبترین وجهی انجام یافت .

و حضرت امیره به صوب کوچسغان تشریف بردند که خدام شاهزاده علی الاطلاق و سلطان باستحقاق کارگیا سلطان حسن خلد سلطانه ضیافت را یرق کرده بود و مراسم احترام را مرعی داشته آنچه شرط اخلاص و یک

جهتی بود ، به تقدیم رسانیدند . و حضرت اعلی نه سر اسب خوب و دوازده دست قوش از باز سفید و چرخ و شاهین پیش کش کردند و خود به سعادت متوجه کیسم گشتند . و شب پنجشنبه آن مقام را به قدم اجلال مشرف فرموده صباح پنجشنبه را سوار دولت شده معاودت فرمودند . و به زیارت سید غفران شعار سید علی غزخوی علیه الرحمة والغفران زایر شدند و شب جمعه همانجا به تلاوت قرآن مشغول گشته ، به طاعت و عبادت ، به روز آوردند و روز جمعه به لاهجان نزول اقبال فرمودند و زمانه به زبان حال می - گفت : ... روز شنبه که عید قربان بود ، به مسجد جامع نماز بگزاردند و به طاعات و عبادات مفروضه و مسنونه قیام نموده ، اهالی آن ملک را شیلان دادند و مراسم عنایت به تقدیم رسانیدند . و روز سه شنبه بیست و هفتم ذی الحجه موافق نوزدهم فروردین ماه قدیم را نخجیر چاه موریدان فرمودند و بسیاری از گوزن و آهسو و خوک صید شدند و بعد از تفرج سعادت انگیز ، به رانکو تشریف فرمودند و حضرت سلطنت پناه خلافت دستگاه کارگیا سلطان حسن به قریه خرشتم نزول فرموده ، صباح چهارشنبه عازم صوب اشتهن شاه شدند . *اَللّٰهُمَّ خَلِّدْ اِقْبَالَہُمْ وَضَاعِفْ اِجْلَالَہُمْ بِالسَّعَادَةِ الْاَدْبِدِیَّةِ وَالْاَدْوَلَةِ السَّرْمَدِیَّةِ .*

### فصل هیجدهم

#### از باب هفتم

در ذکر سوانح حالات [سنه] اربع و تسعین و ثمانمائه (۸۹۴)

چون هلال ماه محرم از افق مغرب چهره نما گشت ، روز پنجشنبه هفتم محرم باران رحمت باریدن گرفت و شب جمعه برفی به قدر حاجت ببارید . همگی به تفرج نخجیر چاه موریدان مایل شد [ند] و عزم مصمم

گشت که به لاهجان تشریف فرمایند. روز دوشنبه پانزدهم محرم الحرام موافق دوم اردی بهشت ماه قدیم را نخجیر چاه مذکور فرمودند و بسیار گوزن و آهو و خوک صید کردند و شب سه شنبه به قریه خرشتم فرود آمده ، صباح را به صوب دارالسلطنه لاهجان عمرت بقاء سلطنة سلطانها توجه نمودند . و عصریه بدان مقام سعادت فرجام حلول اقبال فرمودند و اعیان و اصحاب آن ولایت به قدم عبیدانه استقبال نموده ، وظایف چاکری به تقدیم رسانیدند . همگی همت عالی بر آن مصروف شد که با حضرت امیره رفیع مقدار و خسرو کامگار امیره اسحق بن امیره علاء الدین قومنی خلد ملکه و سلطانه ملاقات فرمایند که امیره مذکور را همگی خاطر عاطر دریا مقاطر به شرف ملاقات به اقصی الغایه میلان داشت . فلهدا روز سه شنبه هشتم ربیع الاول عنان عزیمت به صوب کیسم معطوف فرمودند . و کار نجیا امیر کیا خلد ملکه که حاکم گوکه و کیسم بود ، به قدم مطیعانه مخلصانه استقبال فرمود به هشتم کیسم نزول همایون واقع شد . وظایف ضیافت و خدمت را حسب المقدور به تقدیم رسانیدند و به زبان حال می گفت ، بیت :

آمد به برج سلطنت ماه ثریا مرتبت

ای شاه و سلطان جهان بادا مبارک منزلت

خلوت سرای چشم و دل این شسته و وان رفته ام

فرما و بنشین ای صنم هر جا که می خواهد دلت

روز دوشنبه بیست و نهم ربیع الاول موافق نوزدهم تیر ماه قدیم را به صوب رانکو عنان عزیمت مصروف فرمودند و تا روز جمعه هفدهم ربیع الاخر موافق نهم خرداد ماه قدیم را به سعادت و کامرانی به جانب دیلمان تشریف ارزانی داشتند . و یک شب به لیل اقامت همایون واقع شد . روز شنبه عرصه دیلمان از آفتاب اقبال روشن شد . اهالی ملک دیلمان استقبال کرده ، استدعا

می نمودند و می گفتند که ، شعر :

گشتیم خساك راه تو، باشد که بر ما بگذری

بر ما گذر تا بگذریم از آسمان. در منزلت

و در آن مقام به مراددل و کامرانی فرود آمده مردم آن دیار را به انواع  
عنایات مفتخر ساختند .

تمام شد کتاب تواریخ گیلان از گفتهٔ میر ظهیر مرحوم علیه الرحمه  
فی غرةٔ ربیع الاول موافق دوم خرداد ماه قدیم سنهٔ ثلث و تسعین و تسعمائه  
(۹۹۳) محرر شد .

۱۵

## تعلیقات

### تصحیحات - استدراکات

صفحه-سطر

- ۱۸/۱۷/۴ - در و درّی باتشدید راء صحیح است .
- ۱۰/۶ - جنان در این مورد به معنی دل و قلب است. به جان و جنان بکشید ، یعنی به جان و دل کوید .
- ۹/۹ - «و همچنین خروج سید ایتد سید امیرکیای ملاطی نور قبره را تا تاریخ سنه احدی و ثمانین و ثمانمائه هم فرمودند نوشت» خروج سیدامیرکیامقدم بر این تاریخ بوده است و اگر تاریخ گیلان را تا سنه ۸۸۱ نوشته بوده اند، چرا سیدظهیرالدین را در غره ذی القعدة ۸۸۰ مأمور گردآوری تاریخ گیلان کرده اند . احتمال می رود تاریخ قبلی ۷۸۱ باشد.
- ۵/۱۵ - رستمدر بخشی از طبرستان است که از طرف شرق به دره هراز و از غرب به رودخانه نمکاوه رود ، از شمال به دریای خزر و از جنوب به آخرین رشته کوههای البرز یعنی رشته ئوچال منتهی می گردد.
- ۱۶/۱۷ - و دانی کوچانی که نام او جزء تائبان سیدعلی کیا آمده است مفهوم درستی ندارد. احتمال دارد این نام دایی کوچانی باشد . و او اول آن هم زائد به نظر می رسد .
- ۲۱/۱۷ - گرمه رود سختر (= رامسر امروز) که در صفحات بعد نیز از آن یاد شده است، در سال ۷۶۳ مرکز حاکم تنکابن بوده است .
- ۱۷/۱۹ - قریه چهارده از قرای رانکوه است و فعلا بر جای است . این قریه غیر از قریه چهارده شمال لاهجان است .
- ۱۴/۲۴ - نامهای بایجن و بتول که نامهای اعیان لاهجان است، شباهتی به نامهای امروزی ندارد . شاید این دو نام ، نامهای خاندانهای ایشان است. بایجن بی شباهت به بیژن

نیست و بتول شاید به فتح باء و تاء و واو باشد و نظیر کلمه «بطاول و بطول» است  
 ۱۸/۲۵ - چنل به فتح چ و فاء تلفظ می‌شود و امروز نزدیک لقمجان برقرار است. این آبادی  
 در سال ۷۶۶ مرکز ناحیه لاهجان بوده است .

۲۱/۲۵ - کیاشر پاشای کوشیج ، از خاندان کوشیج که از خاندانهای امیران گیلان است .  
 نام این مرد ظاهراً «شر» به کسر شین است که تلفظ صحیح «شیر» با یاء مجهول است.  
 ۲۱/۲۶ - پردسر به ضم پ و سکون راء و کسر دال به معنی «سرپل» است . امروز یکی از  
 محلات لاهجان به این نام خوانده می‌شود .

۲۶/سطر آخر - تومه‌شل همان تخمه‌شل امروزی است . توم و تیم در گیلکی به معنی تخم است.  
 ۱۴/۲۷ - کیا ابوالحسین المشهور به مؤید بالله ملقب به عضدالدوله پسر حسین پسر هارون  
 پسر حسین پسر محمد پسر هارون پسر محمد پسر قاسم پسر حسن پسر زید پسر امام السبط  
 حسن پسر علی امیر المؤمنین علیهم السلام . سید ابوالحسین به دیلمان خلق را دعوت  
 کرد ، جمله گیل و دیلم اجابت فرمودند. در بغداد تحصیل علم از سید ابوالعباس کرد  
 و بعد از آن به قاضی القضاة عبدالجبار همدانی پیوست و در مجلس او تخرج افتاد و  
 به نهایت رسید . از نوشته‌های او : کتاب التجرید ، و کتاب الشرح لکتاب البلغه و  
 کتاب النصرة و کتاب الافادة و دیوان اشعار او مجلدی ضخیم برمی‌آید . ( تاریخ  
 طبرستان ابن اسفندیار صفحات ۹۸ و ۹۹ ) .

۲۱/۲۹ - تائب شاهمک ، به کسر باء باید خوانده شود و اضافه مقلوب است یعنی شاهمک تائب.  
 ۲۲/۴۴ - اشپین که در یکی دومورد ، مؤلف آن را بدون الف آورده است و اغلب با دهکده  
 کماچال یکجا ذکر می‌کند ، از دهکده‌های معظم گوکه و بر ساحل چپ سفید رود  
 بوده است . کماچال امروز جزء بخش آستانه است ، ولی اشپین قابل تطبیق باهیچیک  
 از آبادیهای اطراف کماچال نیست .

۱۲/۴۷ - دهکده ننگ به فتح دو نون و سکون کاف تلفظ می‌شود . در صفحات بعد نیز زیاد نام  
 این دهکده آمده است . امروز ناناك خوانند .

- ۴/۵۰ — کوچسنان را مؤلف اشتباهاً به جای کوهدم آورده است .
- ۶/۵۶ — لوسن «Lowsan» که در صفحات بعد به نام «تخت لوسن» از آن یاد می‌شود ، تخت و مرکز اشکور بوده و جزء ناحیه جیرکشیه اشکور به شمار می‌آمده است . خرابه‌های این محل در يك كيلومترى در گاه امروزی برجای است .
- ۲۰/۶۰ — شهر تیمجان ، تمیجان امروزی است که جزء بخش املش به حساب است . نام دهکده‌ای در سام ، به این نام شباهت دارد و آن تماجان است که از رقبات موقوفه سرتزبت سام است که سلطان علی میرزا وقف کرده است .
- ۱۱/۶۶ — مرجکولی ، بفتح میم و سکون راء و کسر جیم ، دهکده‌ای در دیلمان که مسکن و موطن کیایان کوشیج بوده است . امروز «مرجه کوله» خوانند .
- ۲۱/۶۷ — امیر علی رذینى — نسبت این مرد به دیهه‌ای است که امروز به تلفظ محلی «ازین» بکسر الف و تشدید زاء خوانند . تلفظ از دین به کسر الف نیز در محل شنیده شد . احتمال می‌رود این کلمه اذین با ذال و زاء منقوط یا از دین با زاء منقوط و دال مهمله باشد .
- ۶/۷۶ — به موجب ازدیاد فتن است — ظاهراً «به» زائد است .
- ۱۳/۷۶ — ملک بن فرعون همان فرعون بن ایملک ص ۱۶/۸۷ است . نام پدر و پسر شناخته نشد .
- ۱۷/۸۷ — «وکیم را» به امیره مسعود ناصروود که ذکرش رفت بخشید . « اگر این شخص همان مسعود سالوک ص ۹/۸۲ است که او از طایفه سمیلود و ساکن کوچسنان بوده و پس از تسخیر کوچسنان به نوکری به فومن رفته است . چگونه دوباره صاحب منصب و مقام شده است .
- ۲/۸۸ — توملج — این نام که در صفحات بعد مکرر آمده است ، به شکل «تولمج» نیز خوانده می‌شد . نگارنده ابتدا حدس زد که این مرد منسوب به دهکده تومل = تمل (بضم تاء و میم) است و تلفظ صحیح این نام به ضم تا و میم و کسر لام است . با مقدم شدن لام بر میم نیز به معنی تولمی و اهل تولم است و در این مورد به ضم تا و کسر لام و میم و سکون جیم تلفظ می‌شود . شق سوم اینکه این کلمه می‌تواند از دو جزء تول + مج ترکیب شده باشد . تول در گیلکی به معنی گل ولای زیاد است و مج بفتح میم از مصدر مختن به معنی راه رفتن و قدم زدن است . یعنی کسی در گل ولای به آسانی راه رود . بازار

مج هنوز در گیلکی استعمال می‌شود.

۱۵/۹۴ - گزارود را امروز «گزافه رو» و به تلفظ محلی «گزاورود» به‌سکون واو گویند .

۱/۹۵ - قریهٔ لکامجان (بفتح لام) همان «لاکمه‌جان» امروز است. مرداو بیج از رانکو (=

رحیم‌آباد) به قریهٔ لکامجان و سپس از راه نرکه به بالنگاه رفته است. این دهکده امروز نیز جزء خاک رانکوه است .

۲/۹۵ - «راه قریهٔ نرکه که پائین کوه است» . نام این دهکده بفتح نون و راء تلفظ می‌شود

و امروز هم زیر دست قریهٔ املش برجای است .

۲/۹۵ - بالانتگاه را امروز بالنگاه به فتح نون تلفظ می‌کنند . دهکده ایست نزدیک رحیم‌آباد.

۹۶/سطور اول صفحه - بنای چهار پادشاه لاهجان که امروز بر سر میدان لاهجان است به امر

سید هادی کیا ساخته شده است . سید خورکیا مقدم بر شهدای رشت در اینجا به خاک

سپرده شده بود . پس از اینکه شهدای رشت را در اینجا دفن کردند ، عمارتی عالی

برای آن ساختند .

۱۶/۹۶ - لشتن‌شاه که امروز بر جای است ، در سال ۷۸۸ جزء خاک پاشیجا بوده است .

پاشیجا نام بخش و پارهٔ خاک است و با دهکدهٔ پاشاکی امروز که جزء خاک آستانه

است ، ارتباطی ندارد .

۲۲/۱۰۳ - «چون به کوتمک ملاط دولشکر به هم رسیدند» کوتمک ملاط همان قریهٔ «کوه دمک

ملاط» بضم دال و فتح میم ص ۲۰/۱۶۶ است.

۷/۱۰۵ - خلایر که بیشتر با الف و نون جمع به شکل خلایبران در صفحات بعد دیده می‌شود،

ظاهراً به معنی جاندار ، سربازان محافظ یا گارد سلطنتی است . در ص ۱۴۰ برای

ایشان مسکن و خانه ساخته و ایشان را جای داده‌اند . صاحب‌برهان قاطع می‌نویسد «خلایر

بروزن سراسر به زبان گیلان مردمی را گویند از عرب که در خانهٔ پادشاهان و سلاطین

مرسوم خوار باشند» . در ص ۹/۲۶۱ از خلایبران تنکابن یاد شده است . بعید نیست

خاندان خلعت‌بری نام‌خود را از این نام فراموش شده گرفته باشند . این کلمه بیشتر

با کلمه «رستر» همراه است . معنی و تلفظ صحیح این کلمه معلوم نشد .

۱۶/۱۰۷ - شاهان گوراب که ذکر آن در صفحات ۵/۱۰۸ و ۲/۲۴۳ رفته است. از رانکو (= رحیم



- آباد) به ساره سران تیمجان و پس از گذشتن از آب ولیسارود ، به شاهان گوراب می‌رفته‌اند . شاهان گوراب غیر از کهنه گوراب امروزی است .
- ۵/۱۱۷ - مردم آن دیار چهار قبیله‌اند : بزوبسام و سرتیز و کرام و اصل ایشان عرب است. هیچک از این تیره‌های عرب شناخته نشد.
- ۱۱/۱۱۷ - « سید حسین کیا از لیل بیرون رفت و به تنهجان رفته ، به مدرسه فقیه یحیی نامی منزوی گشت .» در ص ۱۸۸/۵ چنین آمده است «و طرف شرقی ولیسارود را تا سرحد تنهجان بدو مسلم داشت .» و در ص ۲۳۶/۲۱ ذکری از راه تنهجان به میان آمده است . و در ص ۳/۴۴۵ می‌نویسد « به ولایت تنهجان به قریه جورده که مقام و مسکن والی آن بوده است .» بنا بر اینها خاك تنهجان باید قابل تطبیق با قسمتی از خاك اشکور علیای امروزی باشد و در مشرق کوه سام قرار داشته است.
- ۴/۱۲۲ - مطلب دنباله سطر قبلی است
- ۸/۱۲۸ - «سرووان صفوف غیل» سر به معنی رئیس و بزرگ طایفه و قبیله امروز نیز استعمال می‌شود . کلمه بوان شاید با «باوان» کردی نزدیک و یک معنی داشته باشد . در کردی این کلمه به معنی پدر و بزرگ طایفه است.
- ۱۱/۱۳۱ - دهجه که دوبار در همین صفحه آمده ، با کلمه دیلم به کار رفته و ظاهراً نام طایفه و تیره‌ایست . صاحب برهان قاطع می‌نویسد «دهجه به کسر اول و سکون ثانی و فتح جیم فارسی به زبان دیلم رعیت و دهقان را گویند.»
- ۱۵/۱۳۱ - دهکده سراوان که امروز نیز به همین نام خوانده می‌شود، در اصل «سروان» بود و نگارنده به سراوان تبدیل کرد . اگر مانند ص ۴۱/۶ به سروان به فتح سین و راء تبدیل می‌شد بهتر بود. از قرار معلوم نام این دهکده در آن زمان چنین تلفظ می‌شده است .
- ۸/۱۳۲ - قریه پته جزء ناحیه جیر ولایت اشکور نام برده شده است . احتمال می‌رود این قریه همان پته محله امروزی است .
- ۱۵/۱۳۵ - وفقیه حامد که احوال او نوشته شد ، ظاهراً مقتدای آن جماعت بود . سابقاً شرحی داده است ولی ذکری از نام حامد نیست .
- ۱/۱۳۶ - کته موضعی از ولایت دیلمان است که مرکز اسماعیلیان آنجا بوده است و در ص ۱۳۷/ سطر آخر نیز از آن یاد شده است . این محل غیر از قریه «کشه» ص ۱۲/۳۷۲ است و در کنار سفیدرود است .
- ۲۱/۱۳۶ - چاک رود که یکی از شعب معظم پلورود است ، به معنی رودخانه‌ایست که آب آن از چمن‌زارها و مرغزارها و زمین‌های لش سرچشمه می‌گیرد. چاک در زبان دیلمی به معنی

چمن زار و زمین پر آب است و با سایر کلمات در این کتاب نیز ترکیب شده است .  
 فقط چاک ۲۴۹ / سطر آخر و صفحات دیگر . مرزبان چاک ۴ / ۲۶۰ و چاک وره بن  
 ۰۱۸ / ۳۸۴

۱۴۲ / سراسر صفحه: شرح ساختن بنا و بازار و باغ و خانقاه ملاط است که گورستان خاندان  
 امیر کیای ملاطی است و امروز اما مزاده شده و زیارتنامه دارد.

۱۷ / ۱۴۴ - کله دره به فتح کاف و کسر لام و فتح دال و کسر راء تلفظ می شود .

۱۳ / ۱۵۳ - شکل صحیح این مصراع چنین است : همه ملک ایران و تور آن تست .

۱ / ۱۶۴ - موخداوند جلال که همان کیاجلال مازندرانی است و از تخمه جلال ازرق است ،  
 لقبش مفهومی ندارد . احتمال می رود در اصل نوخداوند باشد که به معنی ناوخدا و  
 ناخداست . چه شغل اصلی او نیز کشتی رانی بوده است .

۳ / ۱۶۷ - سطل اکتبه به فتح سین و طاء مؤلف به معنی استخر است که در گیلکی و طبری به شکل های:  
 سل ( به فتح سین ) ، اسل ( به فتح الف و سین ) ، ستل ( به فتح سین و تاء منقوط ) ،  
 استل ( به کسر الف و سکون سین و فتح تاء منقوط ) ، سلخ ( به فتح سین و سکون لام و خاء )  
 و استلخ ( به کسر سین و فتح تاء منقوط ) دیده می شود . جزء دوم کلمه به فتح الف و کاف  
 به معنی افتاده است .

۳ / ۱۶۷ - کیش سنگ به کسر شین یعنی سنگی که بر آن درخت شمشاد جنگلی روئیده است .

۳ / ۱۶۹ - دو سپه سالار سیاهند بهادر را که نوبت اول به همراهی و مدد سید حسین کیا فرستاده بود .  
 در صورتیکه در نوبت اول ص ۱۸ / ۱۶۳ «سیامحمد بهادر نامی که از سپه سالاران فومن  
 بود و به مدد او آمده بود» نوشته است .

۹ / ۱۷۰ - سیامحمد حاجی محمد ، شکل صحیح آن سیامحمد [و] حاجی محمد است . این دو تن  
 دو برادرند که در دربار فومن سپه سالار بوده اند .

۸ / ۱۸۲ - سیامرد جلال به کسر دال یعنی جلال سیامرد و اضافه مقلوب است . زیرا در  
 ص ۲۰ / ۱۸۰ از این مرد به نام جلال بن سیامرد لیلی یاد شده است . پس جلال نام خود  
 او و سیامرد نام پدرش و لیلی منسوب به لیل به کسر لام و سکون یاء است که امروز یکی  
 از دهکده های لاهیجان به شمار است .

- ۳/۱۸۸ - «را» علامت مفعول صریح که در میان دو ابرو به عبارت اضافه شده است زائد است . عبارت باید چنین باشد : تا کار گیا سید احمد از بخش خود با نصیب ساخت .
- ۶/۱۸۸ - «از دیلمستان ناحیه تویلا و پادز و کوشیجان و شهوگ را بدو داد» تویلا که امروز توله Toole گویند ، بر ساحل راست پلورود ، نزدیک پرامکوه برجای است . شهوگ همان «شوگ» به فتح شین و واو امروزی است که با دهکده های اطراف آن ناحیه شهوگ را به وجود آورده است . پادز باید نزدیک این دو دهکده باشد . بنابراین منطقه زیر قلعه «اتاگوش» (به فتح الف) یا زیر قلعه گورج (به فتح راء) را باید پادز دانست . زیرا در این اطراف قلعه دیگری وجود ندارد .
- ۱۰/۱۹۰ - سید محمد کیا بن هادی کیا ، نام پدرش ظاهراً صحیح نیست چه در سطر پنجم همین صفحه نام پدرش سید یحیی کیا و در ص ۱۱/۱۹۱ باز سید یحیی کیاست .
- ۸/۱۹۳ - «به لشتناش به قریه پرجا» نام این دهکده به فتح پ و سکون راء تلفظ می شود . در سطر آخر همین صفحه نیز این نام یاد شده است .
- ۱۹۸/سطر آخر - «تا» در ابتدای مصراع دوم زائد است زیرا وزن شعر را مختل می کند .
- ۱/۲۰۳ - کار گیا میرسید [محمد] صحیح است .
- ۱/۲۰۶ - پره نشینان سمام به معنی سرحد نشینان و سرحد داران است که حد سمام را محافظت می کرده اند . پره در اصطلاح مردم کوهپایه دیلمان به معنی کومه است و همان لغتی است که در صفحات جلگه گیلان ، کوتام و در مازندران نپارو تغار گویند .
- ۶/۲۰۶ - جمله باید بدین شکل باشد: [و] توقع میرسید احمد را بدو رسانیده بودند .
- ۱۶/۲۱۰ - خلابر و رستر کار گیا سید احمد صحیح است و واو عطف پس از رستر زائد است . در همین صفحه سطر ۱۱ نیز واو عطف ندارد .
- ۳/۲۱۳ - اما چون موسم عجب بود (۹) معنی عبارت روشن نیست .
- ۱۷/۲۱۹ - «خوی گورسر که فیما بین لشتناش و کوچسغان واسطه وسامان است» این دهکده امروز برجای نیست و شناخته نشد .
- ۱۹/۲۱۹ - «قریه کورکه که لب آب سفید رود است» همان قریه ایست که امروز به نام «کورکا» خوانده می شود و جزء بخش آستانه است .
- ۲۲۵/سطر دوم از آخر - و [سید محمد بن] سید حسین کیا صحیح است . زیرا چهار سطر بالاتر نام او به ترتیب بالا ذکر شده است .
- ۱۱/۲۲۶ - کلاه پشته غلط و صحیح آن کلاپشته به ضم کاف و پ است که کلاپشت نیز گویند . صاحب

برهان قاطع گوید جامه‌ایست که آن را از پشم گوسفند بافند و بیشتر مردم گیلان و مازندران پوشند.

۱۶/۲۳۰ - امیره الدین زینک . نام ونام خانواده این مرد روشن نیست . ظاهراً ناهش با کلمهٔ دین ترکیب بوده ومضاف آن از قلم افتاده است .

۴/۲۳۲ - «ونظر به سابقهٔ نعمت خانوادهٔ عظمی کند» صحیح است .

۱۷/۲۳۲ - «آن چنان که شرط اعزاز بود بگردند» صحیح است .

۲/۲۳۹ - «چون کارگیا میراحمد از سمام به موضعی که سی خوانی می خوانند، قریب به دامن کوه فرود آمده.» تلفظ گالش این کلمه «سه خونی» است . این محل همان سیاخوانی اهل قلم است که بر سر راه هلودشت و شارسمام (= شهرسمام) است .

۵/۲۴۱ - به جای «سیا حاجی محمد» شاید «سیامحمد حاجی محمد» صحیح باشد . چه در ص ۹/۱۷۰ و ص ۱۶/۱۷۵ ، این نام بدین ترتیب آمده است .

۱۴/۲۴۱ - «و کلید قلعهٔ پالیسن را بدوسپرد» صحیح است . واو عطف میان پالیسن و طالقان زائد است .

۱۱/۲۴۲ - ساره سران تیمجان باید همان سانه سران امروزی باشد. محلی به نام «ساره سر» نیز در همین حوالی هست .

۱۹/۲۴۳ - ظاهراً «از خاطر محو خواهم کرد» صحیح است .

۱۳/۲۴۷ - ازسمام به ولایت اشکور به ناحیهٔ جیر ولایت به قریهٔ لیاما آمده اند . لیاما همان قریهٔ «لیماگور» به کسر لام و یاء مجهول ساکن و گور بهضم کاف وفتح واو است. یا «لیما» با یاء مجهول امروزی است که بر ساحل راست رودخانهٔ پلورود بر بالای بلندی است وقلعه‌ای مستحکم و قدیمی نیز داشته است که خرابه‌های آن باقی است .

۵/۲۵۱ - «و در کوچه وخیابان مدفون شدند» صحیح است .

۱/۲۵۶ - برادر هادی کیا - کارگیا حسن کیا - را خلاص دادند. صحیح است .

۲۵۷/سطر آخر - سلطان علی میرزا پسر کارگیا سلطان محمد است که در سال ۸۴۷ از مادری که دختر کارگیا میراحمد بود بزاد . در ص ۷/۳۷۲ مؤلف نام او را میرزا علی ذکر کرده است ودر ص ۳/۴۰۰ نیز در اصل میرزاعلی بود که در متن چاپی آن را تغییر

- دادیم. چون نام پدر و سایر برادران سلطان علی میرزا بالقب سلطان ترکیب است، از این رو میرزا علی و سلطان میرزا علی صحیح به نظر نمی‌رسد.
- ۲/۲۶ - «از راه سفیدگوران عازم طارم گشتند» ابتدا به «اشته» (بهضم الف و سکون شین و کسر تاء منقوط). اشته و لشکر گاه دو نقطه ییلاقی متصل به الولک در راه گردنه «کمسار» (بهضم کاف) تا امروز برجای هستند. پس از آن به مرزبان چاک و گوران دشت وتوین و ماهین که آخری ییلاق طارم است و بعداً به اندچین و باغ شمس و لوشان رفته‌اند.
- ۱۲/۲۶ - قریه حرزویل با حاء حطی و خرزویل با خاء منقوط هر دو صحیح است.
- ۱۹/۲۶ - «باغی که موسوم است به بهرام آباد» امروز بهرام آباد دهکده کوچکی است.
- ۶/۲۶ - خرزویل با حاء حطی و خرزویل با خاء منقوط هر دو صحیح است.
- ۶/۲۶ - «از جانب عرفا در صحرای شم دشت گردی پیدا شد... تحقیق کردیم کیا محمد سپه سالار و جمعی اندکه به طرف ماهین رفته بودند که بازگشته می‌آیند.» لشکریان در این وقت در خرزویل بوده‌اند. دهکده خرزویل تا امروز برقرار است و ماهین دهکده‌ای جزء دهستان طارم پائین بخش سیروان شهرستان زنجان است. امام‌محل عرفا و شم دشت روشن نشد.
- ۲۶/سطر آخر - «از راه رزکوه متوجه... سما شدند» رزکوه (به کسر زاء) کوهی است بالای دهکده خرزویل و بزبره (بهضم باء و سکون زاء و فتح باء و کسر راء) که به معنی گذرگاه و معبر بز است، کوهی است بالای سنگه رود جیرین ده عمارلوی امروزی.
- ۱۰/۲۶ - «از قریه شیاکه سرحد سما است» شیاهمان قریه «شیه» امروزی است که نزدیک دیارحان و سرحد سما و دیلمان است.
- ۲۷/حاشیه شماره ۲ در گیلکی «زن پدر» به معنی «پدر زن» است.
- ۱۲/۲۷ - حالتی که به جای حالات که صحیح است.
- ۱۱/۲۷ - والدۀ کارغیا سلطان محمد روز چهارشنبه بیست و یکم شعبان موافق دهم آذرماه قدیم سنه ۸۵۹ فوت شد و در لوسن به خاک سپرده شد.
- ۲۱/۲۷ - امرغالب به جای امرعالی صحیح است. اگر نشنود به امرغالب به جواب اومشغول گردند. دو سطر بالاتر «حکم غالب» را به کار برده است.

۴/۲۸۱ - قریهٔ آب اندامک که امروز آباندانک تلفظ می‌شود برقرار است در راه نوشهر به

محمود آباد نرسیده به امیررود، راه‌شمع جاران جدامی‌شود و به آباندانک می‌رود.

۵/۲۸۱ - میسر (به کسر میم و سکون یا وفتح سین و سکون راء) امروز نام جنگل‌های شمال بندپی

و خیررودکنار است. سیدظهیرالدین پس از آباندانک که امروز بر جای است از این

جنگل‌ها عبور کرده است.

۶/۲۸۱ - لاشه نرور. قسمت اول این نام یادآور کلمهٔ لاشک است که از دهکده‌های کجور است

و تا امروز بر جای است.

۱۷/۲۸۴ - ملک کاوس برادر ملک اسکندر است. در این تاریخ از پیش لشکریان سیدظهیر-

الدین گریخته و در فیروزکوه بوده است. نام ملک کاوس در اینجا اشتباه است و

باید ملک اسکندر باشد. چه سید ظهیرالدین با او در ترتیه‌رستاق خداحافظی کرد.

۱۴/۲۸۹ - «از کوه طوالش به‌مقامی که مشهور است به‌بنصر» ضبط صحیح و محل اصلی این

مکان معلوم نشد.

۱۳/۲۹۱ - «بنه بر بس بنه» بلسن بنه (به‌فتح باء و لام و سکون سین و فتح باء دوم و کسر نون)

نام دهکده‌ایست که تا امروز بر سر راه رشت به‌لاهیجان بر جای است. بنه بر (به‌فتح

باء و کسر نون و فتح باء دوم و سکون راء) در گیلکی به معنی تپهٔ کوتاه یا خاکریز

خندقی کم عمق است. احتمال دارد که اطراف این دهکده استحکاماتی خاکریز

مانند داشته‌است.

۱۵/۲۹۶ - در راه خبر رسانیدند که برادری که موافق ملک اسکندر بود. به‌جای برادر موافق

ملک اسکندر بود صحیح است.

۱۹/۲۹۶ - روز جمعهٔ بیست و هفتم شوال را ملک مآبی به‌اتفاق عساکر منصوره به قریهٔ هزار

خال که مزار مبارک حضرات سادات فرام سیدظاهر و مطهر آنجاست [رفتند]. کلمهٔ

«رفتند» باید در دو ابرو آخر جمله اضافه‌شود.

۱۰/۳۰۱ - موافق او [بود] از جانب ساری. بود میان دوا برو باید اضافه‌شود.

۱۵/۳۰۲ - نگشته به جای گشته صحیح است و عبارت بدین شکل در می‌آید: که باز موافق

ملک کاوس نگشته به مخالفت من ساعی نباشد.

۲۲/۳۰۳ - قلعهٔ اسپی روز که نامش در صفحات ۳/۳۰۴ و ۲۱/۳۲۱ و ۸/۳۲۵ آمده است

نزدیک نیتل کجور است و قریهٔ چناربن صفحات ۱۶/۳۲۱ و ۱۷/۳۲۴

در تنگه کجور ، در حوالی این قلعه بوده است .

۱۴/۳۰۴ - برفور به طلب [حقیق] فرستادند. کلمه حقیق میان دو ابرو به جمله باید اضافه شود.

۵/۳۰۵ - ساسه نژور ، قسمت اول این نام یادآور کلمه ساس است که یکی از دهکده های کجور

است و تا امروز برقرار است . صحرای ساسه لزور در زانوس رستاق بوده است .

۱۰/۳۰۷ - «به انواع ثمار آن را آراسته» چنانکه در اصل بوده صحیح است .

۱۴/۳۱۲ - دیزه گران از دهکده های چالوس و پائین کوه بوده است . نام این دهکده را کسی

درمحل نشناخت .

۱۳/۳۱۳ - ره نشسته روکه تا برچشمه اصلی رسی . معنی این مصراع روشن نیست .

۱/۳۱۴ - قلعه براز ، قلعه ای در کوهستان رستم دار در حوالی سیاه بیشه امروزی بوده است .

۴/۳۲۰ - «بیلاق اشتل» این بیلاق امروز به نام «اشتل دشت» (بهضم الف و سکون، شین و ضم

تاء و کسر لام) با مصاف الیه دشت معروف است . پهلوی ناکاخوانی و بالای اینی است

و در مرکز سم و اشکور پائین قرار دارد.

۶/۳۲۰ - بیلاق ازنا (به کسر الف و سکون زاء) امروز معروف به ازناچاک است و پشت لسبو

(به فتح لام). قرار می گیرد . ازناچاک دیگری نیز در سم است .

۷/۳۲۲ - «کمان داران رواروارو کلارستاق» منطقه و حدود رواروار معلوم نشد.

۱۶/۳۲۲ - «در موضعی که مشهور است به لاوندان سفلی» و در ص ۳۵۹/۶- می نویسد «از النک

لاوندان سفلی به قریه جوزستان نزول واقع شد» محلی به این نام امروز نداریم. ظاهراً

چمن زار یا بیلاقی در دامنه کوه های شمالی جوزستان طالقان بوده است.

۱۴/۳۲۳ «به زیارت سلطان العارفين و یس القرنی (= اویس القرنی) به اعلی تل تشریف بردند»

و در ص ۴۷۴/۱۲ نیز از این محل یاد شده است در ص ۴۰۸ اول صفحه می نویسد

مدفن سید علی کیا الحسنی و مدفن پدرش امیر موسی الحسنی در اعلی تل است . این

محل نزدیک اسپه مورد امروزی در رودبار است .

۱۸/۳۳۲ - «کیا محمد بن تاج حال» ترکیب و وضع صحیح این نام معلوم نشد. این مرد باید

همان کیا محمد بن تاج الدین دیلمی سپه سالار ناحیه اشکور ص ۲۱۶/۱۳ باشد.

۵/۳۳۴ - «صحرای مال امال سوغ بلاغ» نام این صحرا روشن نیست و سوغ بلاغ باید ساوجبلاع

- امروزی باشد که بردو طرف جاده قزوین میان حومه کرج و حومه قزوین قرار دارد .
- ۱۷/۳۳۷ - کرنک زدن و در ص ۱۴/۳۳۶ از کرنک سلطان ابوسعید یاد شده است. صاحب برهان قاطع می نویسد : « کرنک بر وزن تفنگک اسب آل را گویند و به معنی میدان و جایی صاف کشیدن سپاه باشد و گرد حلقه زدن مردم و سپاه را هم می گویند » .
- ۱۱/۳۴۲ - سید عضد حسنی صحیح است در صفحات ۷/۲۸۶ و ۲۹۵/سطر آخر و ۱۷/۳۳۳ نام او آمده است .
- ۱۹/۳۴۲ - خلاص به جای اخلاص صحیح است .
- ۱۱/۳۴۶ - « خوش است » را بیلاق طارم می داند ، ترکیب صحیح این کلمه و محل آن روشن نشد .
- ۱۸/۳۴۷ - نامزد حکومت رشت [ کردند و اهالی رشت ] و کوچگان براو بیعت کردند . قسمت میان دو ابرو باید اضافه شود .
- ۸/۳۵۴ - از آنجا کوچ کرده [به] ساحل بحر قریب به کنار آب انزلی فرود آمدند . کلمه میان دو ابرو باید به عبارت افزوده شود .
- ۲۰/۳۵۵ - « جنگ لاون و کوه هماون » در سراسر جنگ های ایرانیان با خاقان چین ذکر می شود از جنگ لاون نیافتم .
- ۱۴/۳۵۷ - راه خرزویل = راه خرزویل هردو صحیح است .
- ۴/۳۵۹ - سید ظهیرالدین سلخ ربیع الاول سنه ۸۸۰ به دستمدار حرکت کرد . شنبه سلخ جمادی الاول ص ۱۴/۳۶۰ ملک اسکندر را ملاقات کرد . یکشنبه چهاردهم ربیع - الاخر ص ۲۲/۳۶۰ با او وداع کرد و سه شنبه سلخ جمادی الاول در سما به خدمت سلطان رسید . اشتباهی در ترتیب نام ماهها است و تواریخ باهم سازش ندارند .
- ۷/۳۵۹ - از قریه جوزستان طالقان به « پاته » و سپس بردیزان رفته اند . از دهکده ای به نام پاته امروز اثری نیست .
- ۷/۳۶۰ - المیر ، ضبط صحیح این کلمه روشن نیست . ظاهراً به فتح الف است . و موضعی است نزدیک حسن کیف مرکز کلاردشت امروز . چه از المیر به حسن کیف و سعید آباد و سپس به قریه کیاکلاته در ناحیه لکتر و بعداً به صحرای لاشه لزور زانوس رستاق رفته اند .
- ۸/۳۷۵ - « به بیلاق به موضع کران سرا تشریف دادند . » بیلاق کران سرا امروز هم نزدیک سما برجای است .



۹/۳۷۹ - به صحبت جمال‌الدین مشرف گردند - کلمه مشرف در نسخه اصل بوده و در چاپ افتاده است .

۲۲/۳۷۹ - تخریب گیلان کوهدم صحیح است نه تخریب گیلان و کوهدم .

۱۰/۳۸۰ - غرغره و کرفی - ضبط صحیح این دو نام و محل اصلی آنها روشن نشد .

۲۰ و ۱۹/۳۸۱ - شعر آخر صفحه قافیه ندارد .

۸/۳۸۴ - از چاگ رود به رودبار لمسر از قریه مورسه که امروز هم نزدیک چاگ رود است گذشته‌اند و سپس به النگک ناوک رسیده‌اند . این محل امروز معروف به « نیاوک » (به فتح واو) است که میان کمنی (بهضم کاف و میم) و انبو (به فتح الف و سکون نون) قرار می‌گیرد .

۱۱/۳۸۴ - قصر هشتم لمسر ، احتمال دارد قصری در شهرستان کنونی بوده است . چه از حسن آباد ص ۱۶/۳۸۶ بدینجا آمده و از اینجا به انبو ص ۱۵/۳۸۷ رفته‌اند .

۱۸/۳۸۴ - «چاگ وره بن» دهکده وره بن که امروز «وربن» (به فتح واو و سکون راء و ضم باء) تلفظ می‌شود برجای است و نزدیک دریاچه اوان (بهضم الف) است و یکی از دهکده‌های گرمارود رودبار است آب این رودخانه پائین تر از دو آب شیر کوه به آب شاهرود می‌ریزد . چاگ به معنی چمن‌زار و مرغزار است . از هشتم لمسر متوجه رودبار علیا شده و به این چاگ رسیده‌اند .

۱۱/۳۸۵ - ازد دهکده اسپول بن امروز نشانی نیست . شاید شمس کلابه امروز که زیر قلعه غارمانندی است ، روزی به نام اسپول بن معروف بوده است ، چه اسپول در لغت محلی به معنی غار است .

۱۳/۳۸۵ - اناده - یکی از چهار دهکده چهار ناحیه الموت است . سه دهکده دیگر شدس - کلابه و معلم کلابه و اسلب (به فتح الف و سین و باء) است .

۱۲/۳۸۶ - بادشت هنوز کنار آب چهار ناحیه نزدیک به سمت راست شاهرود الموت برجای است .

۱۶/۳۸۶ - حسن آباد باهمین نام ، از دهکده های معتبر رودبار ، زیر دست دهکده سیادشت و کنار شاهرود هنوز برقرار است .

۸/۳۹۰ - و امرا و ارکان دولت صحیح است .

۵/۴۰۴ - تجاسب موضوع یعنی تجاسب ساختگی و وضع شده .

۱۲/۴۱۰ - ولایت جشیجان ، در تعریف جشیج که مردمی بوده‌اند که در این ولایت سکونت داشته‌اند سید ظهیرالدین می‌نویسد «و مردم ولایت کوهدم آن طرف آب عبارت از گیل و طالش و بیه‌پس دستو و جشیج و پریج است». درص ۱۰/۴۰۵ می‌نویسد «کوه جشیجان که از ناحیه کوهستان طوالش کوهدم است». در ص ۸/۴۱۱ قریه موسی آباد را جزء ناحیه جشیجان می‌داند. در ص ۲/۴۳۴ نامی از کیا جلال می‌برد که سپهسالار رحمت آباد و جشیجان بوده است. از عبارت ۱۸/۴۱۰ مستفاد می‌شود که دهکده‌های منجیل و خرزویل جزء ناحیه جشیجان بوده‌اند. بنابر اینها ناحیه رودبار زیتون امروز با حدود امروزی آن تقریباً قابل تطبیق با جشیجان دوران سید ظهیرالدین است.

۱۲/۴۱۲ - چهارشنبه سلخ ربیع الاول سنه ۸۸۳ سلطان محمد فوت شد و در کشینه‌چاک ص ۸/۴۱۳ به خاک سپرده شد. بعدها سلطان علی میرزا نیز در آنجا به خاک سپرده شد. سلطان پری خانم و یکی دیگر از زنان این خاندان در اینجا روی در نقاب خاک کشیده‌اند. سلطان علی میرزا برای گور پدر خود و مخارج حفاظ و تعمیر و مرمت آن رقبائی را وقف کرده است که تا امروز بر سنگی بر دیوار اطاق حفاظ برقرار است.

۱۳/۴۲۵ - قریه کیاوا از قرای رحمت آباد بوده است. از قریه کیاوا به موسی آباد و بعد به گیلان کوهدم می‌رفته‌اند. راه دیلمان به رحمت آباد و راه لوسن به رحمت آباد نیز به قریه کیاوا ختم می‌شده است ص ۸/۴۳۵. از دیلمان يك روزه راه تافرسیک و از آنجا يك روزه راه تا قریه واتل و از آنجا يك روزه راه کمتر به قریه کیاوا می‌رسیده‌اند.

۲۲/۴۲۵ - رودخانه ژلکی (به فتح زاء و کسر لام) از رحمت آباد که به گوراب گو که می‌رفته‌اند بر سر راه بوده است.

۱۹/۱۸/۴۳۲ - امیره سعید شفتی هم نام پدر مقتول و هم نام فرزند اوست. اشتباهی در متن روی داده است، شاید بتوان عبارت را بدین ترتیب اصلاح کرد: امیره سعید میرزا ایلغار نمود و بر حاکم شفت امیره صلوك که [پدر] امیره سعید را کشته بود ...

۱۰/۴۳۲ - کلینادان بر سر راه لاهیجان به دیلمان بوده و جزء خاک گو که به شمار می‌رفته است. این کلمه به کسر کاف و لام تلفظ می‌شود. در ص ۱۴/۴۳۶ از قریه کلینادان گو که به قریه سرداسر و از آنجا به دیلمان رفته‌اند.

- ۵/۴۳۵ - اگر سید ظهیرالدین روز شنبه هفدهم جمادی الآخر به طرف دیلمان رفت چگونه دوشنبه به دیلمان رسید . این راه بیش از یک روز طی آن طول نمی کشد . اگر دوشنبه به دیلمان رسید چگونه شب دوشنبه یعنی روز قبل به قریه فرسیک اقامت کرد ؟
- ۶/۴۳۶ - زدل پرده سر ( به فتح زاء و دال و ضم پ و کسر دال و فتح سین ) بر سر راه موسله ( = ماسوله ) است . در ص ۴/۴۴۰ نیز این نام دیده می شود .
- ۷/۴۳۶ - حاکم خلخال حاجی پیاده ، همان امیر حاجی بیک پیاده است که در صفحات ۲۱۶/۳۵۶ و ۲۱۳/۳۵۷ و ۲ از او یاد شده است .
- ۱۴/۴۳۶ - «خرزویل و خیاو و مداوا و پیش دستو و کوه کونه یاغی شدند» صحیح است . و او عطف میان خیاو و مداوا افتاده است .
- ۱۹/۴۳۷ - قریه سرش<sup>۷</sup> SOLOS از دهکده های رحمت آباد است که نزدیک کیاوا قرار دارد .
- ۱۱/۴۳۹ - سیدلین ( به کسر سین و سکون یاء و دال و کسر لام ) تلفظ می شود و یکی از مواضع دیورود است .
- ۱۳/۴۳۹ - بازگردید به جای بازگردند صحیح است .
- ۱۴/۴/۴۴۸ - واکوه در سطر چهارم و داره کوه در سطر چهاردهم همان وراکوه امروزی است که به فتح و او تلفظ می شود و بر سامان رودبار و تنکابن است .
- ۱۳/۴۴۸ - چون سید [میر] حسین صورت احوال را اعلام حقیر گردانید صحیح است .
- ۷/۴۵۰ - رمضان المعظم ، معمولاً رمضان المبارک و شعبان المعظم باید گفت . در اینجا رمضان المبارک صحیح است نه رمضان المعظم .
- ۴۵۰/سطر دوم از آخر - شاید : همای لشکر ما بر سر کسی نشست صحیح باشد .
- ۱۹/۴۵۴ - شید و دما به معنی مکر و حیل و افسون به کار رفته است .
- ۱۷/۴۵۸ - نمل ( به ضم تاء و میم ) دهکده ایست جزء بخش جورسی قدیم و بالا اشکور امروز . این دهکده باهمین نام امروز برجای است .
- ۵/۴۶۲ - دزکه روی سرچلندر . این محل بر سر راه سید ظهیرالدین میان سی سنگان و کچه - روی سر بوده است . این محل درست قابل تطبیق با قریه دزدک ( به ضم دال اول و فتح دال دوم ) است که هم سامان چلندر ( به کسر چ و لام ) و روی سر به معنی رودسراست . جزء اول این نام به کسر دال و فتح زاء و کسر کاف باید تلفظ شود . در جنوب دزدک

در فاصله کمتر از يك كيلومتر قلعه‌ای عظیم و قدیمی است که به نام قلعه دیو سفید مشهور است آجرهایی که در بنای این قلعه به کار رفته است به ابعاد نیم‌متر و قطر دهسانتیمتر است .

۱۲/۴۶۲ - تمشان سرکه قریب به سرحد ولایت آمل است باید با همین تمیشان که مرکز کارخانه چوب بری بوده است یکی باشد .

۱۸/۴۶۴ مشهد چمنو در علی‌آباد (= شاهی) امروز برجای است و اهالی مشهد چمنون (به فتح جیم و میم) خوانند .

۲/۱/۴۶۶ - شکل صحیح این جملات بدین قرار است : میرشمس‌الدین نزد ابابکر بیک که داروغه و حاکم فیروزکوه بود [ رفته و از او ] مدد طلبیده [ ویر ] میرعبدالکریم هجوم نمود .

۸/۴۶۹ - کلمه یرق در این سطر زائد است و عبارت باید چنین باشد : و باز تجدید یرق پیشکش جهت پادشاه و تحف و هدایا جهت امرای عظام فرموده ...

۶/۴۷۲ - قریه یازن (به کسر زاء معجمه) از قرای جورسی است . از تمل (به ضم تاء و میم) به یازن و از آنجا به بایزه رود از نواحی رودبار لمس رفته اند .

۱۶/۴۷۲ - از تخت نوسن به رانکو (= رحیم‌آباد) از کیارمش (به کسر میم) و رودبارک و سجیران و بالانگاه (= بالنگاه امروزی) رفته و به رانکو رسیده اند .

۱۰/۴۷۳ - عبور از قریه سجیران نمودن [و] بر سر راه آمدن متعذر می‌بود . واو میسان دو ابرو به جمله اضافه شود .

۱۲/۴۷۳ - به کنار آن طاق رایات نصرت آیات [ را ] رسانیدند . را علامت مفعول صریح میان دو ابرو به جمله اضافه شود .

۱۷/۴۷۳ - یاره رود شامل دهکده‌های : گرمک ، سفیدآب ، اباسک (به فتح الف و سین) ، کلمین (به ضم کاف و فتح لام) ، شترک ، یار ، جوینک (به فتح نون) ، سفرین (به فتح سین و سکون راء) و محمدآباد است . آب این دره نزدیک حسن‌آباد به شاهرود می‌پیوندد . قریه‌ای به نام « یاره رود » نداریم . قریه معروف این رودخانه که به نام آن مجموع این دهکده‌ها را می‌خوانند « یاره » است .

۲۰/۴۷۳ - نزدیک به حسن‌آباد و آبادی‌های یاره‌رود ، رزآباد (بامقدم بودن راء بر زاء)

نیست . احتمال می‌رود این همان دهکدهٔ زرآباد (بامقدم بودن زاء معجمه برءاء مهمله) باشد که یکی از دیه‌های گرمارود رودخانه است و سمت راست این رودخانه نزدیک اویرك (بهفتح الف) و زواردشت (به کسر زاء معجمه) است. از اینجا نیز راهی به کوهستان گیلان هست .

۱/۴۷۵ - ابتدای سطر افتادگی دارد .

www.tabarestan.info  
تبرستان

[www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info)  
تبرستان

## فهرست کتاب

شامل : نامهای کسان - نامهای طوایف و تیره‌ها -  
نامهای جای‌ها و آبادی‌ها - نامهای شغل‌ها و حرفه‌ها

آل‌هاشم - ۳۷ - ۴۳ - ۴۵ - ۴۶ - ۵۰ -  
آمل - ۲۸ - ۱۵۵ - ۳۰۹ - ۳۱۰ -  
۳۱۷ - ۴۶۳ - ارباب زاده‌های . . .  
۲۹ . اهل . . . ۴۶۲ . حاکم . . .  
۴۵۲ - ۴۶۳ . حکومت . . . ۲۲۷ -  
سرحد . . . ۳۰۲ - ۳۰۸ - ۴۵۲ -  
ولایت . . . ۱۷ - ۳۹ - ۲۸۴ - ۳۰۳ -  
۴۶۲ -  
آملی [سید تاج‌الدین . . .] از سادات  
حسنی هارونی - ۶۰ - ۶۱ - ۶۲ -  
آملیان - ۴۶۳ -  
آوه‌بره - ۳۵۷ -  
ابابکر بیگ ( داروغه و حاکم فیروزکوه )  
۴۶۶ -  
ابراهیم بن کجی شیخ‌حسن - ۳۳۹ - ۳۴۰ -  
۳۴۱ - ۳۴۲ -

## آ - الف

آب اندانک ( از قرای خیر رودکنار ) -  
۲۸۱ -  
آب اندان کوه - ۳۰۲ .  
آبسگون [بحیره . . .] - ۴۱۷ -  
آجی ایشه ( آجی بیشه امروز ، موضعی  
نزدیک رشت ) - ۲۹۹ .  
آذربایجان - ۵۹ - ۷۷ - ۳۳۱ - ۳۳۲ -  
آردوی سامان - ۴۴۸ - ۴۴۹ . بیلاق -  
۴۴۷ .  
آستارا = استاره - ۳۴۷ - ۳۵۳ . طولش . . .  
۳۳۷ - ۳۵۴ .  
آفتاب رودلوسن - ۵۹ .

۱۸۸-۲۰۱-۲۰۲-۲۰۳-۲۰۴-  
 ۲۰۵-۲۰۶-۲۰۷-۲۰۸-۲۰۹-  
 ۲۱۰-۲۱۱-۲۱۲-۲۱۳-۲۱۴-  
 ۲۱۸-۲۱۹-۲۲۰-۲۲۱-۲۲۲-  
 ۲۲۳-۲۲۴-۲۲۵-۲۲۶-۲۲۷-  
 ۲۲۸-۲۲۹-۲۳۰-۲۳۱-۲۳۲-  
 ۲۳۳-۲۳۴-۲۳۵-۲۳۶-۲۳۷-  
 ۲۳۸-۲۳۹-۲۴۰-۲۴۱-۲۴۲-  
 ۲۴۳-۲۴۴-۲۴۵-۲۴۶-۲۴۷-۲۴۸-  
 ۲۴۹-۲۵۰-۲۵۱-۲۵۲-۲۵۳-  
 ۲۵۴-۲۵۵-۲۵۶- دختر ۲۴۶-  
 ۲۵۷- عاملان ۲۳۴- فوت ۲۵۸-  
 احمد کیا [سید ...] [از سادات بجارپس]  
 . ۱۹۸-۲۱۰-۴۶۷-  
 احمد کیا [سید ...] [برادر سیدرضای کیا]  
 . ۱۹۳-  
 احمد کیا [سید ...] [حاکم لشتنشاہ] بن  
 امیر کیا بن هادی کیا ی گرجانی معروف  
 به سید احمد لشتنشاہ - ۲۰۱-۲۰۶-  
 . ۲۰۷-۲۰۹-۲۱۲-  
 احمد [گیشیر ...] [نوکر سلطان حسین]  
 . ۱۹۷-  
 ارباب زاده های آمل - ۲۹-  
 ارباب زاده های ساری - ۲۹-  
 اردبیل - ۳۳۵-۳۵۳- ولایت ۳۴۷-

ابراهیم شاه بیگ [امیر ...] - ۴۳۳-  
 . ۴۴۲-۴۴۴-  
 ابراهیم [کار گیا ...] بن کار گیا امیر  
 سید محمد (در سال ۸۳۵ فوت شد)  
 . ۱۷۸-۱۸۸-۱۸۹-  
 ابراهیم کیا [سید ...] بن سید علی کیا  
 - ۸۵-  
 ابراهیم کیا [سید ...] بن سیدهادی کیا -  
 . ۹۶-۱۰۴-  
 ابراهیم [میر ...] [حاکم آمل] - ۴۵۲-  
 . ۴۶۳-  
 ابقرط - ۲۶۴-۴۱۲-  
 ابوالتاسم [امامزاده ...] بن مؤید بالله -  
 . ۴۴۸-  
 احمد [خواجه ...] [سپهسالار اشکور و  
 رودبار] - ۶۳-۶۹-۸۶-۸۷-  
 احمد [سید ...] بن سیدرکابزن کیا بن  
 امیره سید محمد - ۱۸۹-  
 احمد [سید ...] بن ظهیرالدین مرعی  
 . ۳۱۲-۳۱۳-۳۷۵-  
 احمد [سید ...] بن سید مرتضی حاکم ساری  
 . ۱۵۴-  
 احمد [کار گیا امیر سید ...] بن امیر سید  
 محمد - ۱۰-۱۵۴-۱۷۰-۱۷۳-۱۷۴-  
 ۱۷۵-۱۷۸-۱۷۹-۱۸۰-۱۸۲-۱۸۴-



اسحق [امیره . . .] بن امیره علاءالدین  
 قومنی - ۳۰۰ - ۳۶۴ - ۳۶۵ - ۳۶۸ -  
 - ۳۷۰ - ۳۷۱ - ۳۷۳ - ۳۷۸ - ۳۸۰ -  
 - ۳۹۰ - ۳۹۹ - ۴۰۰ - ۴۰۱ - ۴۰۲ -  
 - ۴۰۴ - ۴۰۶ - ۴۱۰ - ۴۳۱ - ۴۳۶ -  
 . ۴۴۰ - ۴۵۶ - ۴۷۷ .  
 اسدالله آمل [امیرسید . . .] - ۳۰۱ - ۳۰۲ -  
 - ۳۰۳ - ۳۰۸ - ۳۰۹ - ۳۱۰ - ۳۱۱ -  
 . ۳۱۳ - ۳۱۷ .  
 اسکندروس (پسر اسکندر رومی) - ۳۶۲ .  
 اسکندر رومی ۳۶۳ .  
 اسکندر [کیا . . .] (کوئوال قلعه شمران  
 ری) - ۱۵۷ - ۱۵۸ .  
 اسکندر [ملک . . .] بن ملک بیستون برادر  
 ملک کیومرث - ۲۸۱ .  
 اسکندر [ملک . . .] = جلال‌الدین  
 اسکندر .  
 اسکندر میرزا (برادر جهان شاه میرزا)  
 . ۱۷۰ .  
 اسمعیل (از مخصوصان شیخ حاجی طارمی)  
 . ۱۳۵ .  
 اسمعیل بن جعفر (یکی از پسران امام جعفر  
 الصادق) ۶۷ .  
 اسمعیل داخلی (از تأیبات سید علی کیا) -  
 . ۱۷ .

اردشیر تنکابنی [کاکو . . .] (از کاکوان  
 تنکابن) - ۳۰ - ۴۷ .  
 اردو بازاریان - ۳۳۵ .  
 ارس (به فتح الف و راء) - ۳۳۵ . پل -  
 . ۳۳۵ .  
 ارکان (به فتح الف) (از دهکده‌های طارم  
 علیا) - ۳۳۹ .  
 ارنکی [ولایت . . .] (شاید ارنکه امروز)  
 . ۱۳۲ .  
 اره (به فتح الف و کسر راء) - ۲۸۳ .  
 ازبک - ۶۹ .  
 ازنا (به کسر الف) - ۳۲۰ .  
 اسپچین (به فتح الف و کسر پ، از دهکده‌های  
 تنکابن) - ۴۵۸ - ۴۵۹ - ۴۶۱ -  
 ۴۶۶ - ۴۶۸ - ۴۶۹ - ۴۵۷ - ۴۶۶ - قریه  
 - ۴۶۶ .  
 اسپول بن (به کسر الف - از دهکده‌های  
 رودبار علیا) - ۳۸۵ .  
 اسپه‌دان (موطن سپه سالاران لمسر) ۴۷۴ .  
 اسپه مرد (به فتح الف و ضم میم) - ۴۷۴ .  
 اسپه روز [قریه . . .] [۳۲۱ . قلعه - ۳۰۳  
 - ۳۰۴ - ۳۲۱ - ۳۲۵ .  
 استاره = آستارا - ۲۷۲ .  
 استراباد - ۲۷۲ - ۲۷۹ - ۴۵۱ . سرحد  
 . ۴۵۱ .

۳۲۷-۴۲۰- حکومت- ۴۲۰. قلعه  
 ۶۳-۶۴-۱۲۳-۱۲۴-۱۷۶-۱۸۳-  
 ۲۰۰-۲۳۳-۲۵۶. گوراب-۳۸۱-  
 لشکر-۱۷۰-۳۳۳-۳۴۳-۳۷۲-  
 ۳۷۹. منجنده - ۳۳۸. محمد آباد  
 ۳۲۸. مردم-۱۲۳-۴۲۱-۴۲۲.  
 ملاحظه-۵۸-۶۱-۱۲۳. نوکران-  
 ۴۲۱. ولایت-۱۲۳-۱۴۷-۲۵۶.

الموتیان-۴۲۰.

المیر-۳۶۰.

النکک ناوک = ناوک.

الیاس خواجه [امیر...]. حاکم قم(۱۴۸)  
 ۱۴۹-۱۵۱.

امامه [قلعه...]. ( به فتح الف وتشدید میم  
 اول ، از دهکده های پشتکوه رستم دار)  
 ۱۵۷-

امرای اسحقی = امیران اسحقی = حکام  
 اسحقی ۴۱-۴۰۳.

امرای انوزوند (امیران کوهدم) ۲۹۲.  
 امرای اوجی (لوشان مرکز حکومت ایشان  
 بوده است) -۲۶۱.

امرای بیپس-۱۰-۳۵-۱۰۱-۱۰۳-  
 ۲۷۱-۲۸۷.

امرای ترک-۶۰-۲۴۸-۲۴۹.

امرای چغتای-۳۳۸.

اسمیلود = اسمیلود ( خاندان امیران  
 کوچسغان ) -۳۳-۴۵-۴۹-۷۱.  
 اسمعیل هزاراسپی [کیا ...] -۳۱-۳۷.  
 اسوار (سپهسالار خرگام) -۳۴۱-۳۷۲-  
 ۴۲۸.  
 اشپین (دهکده ای برسمت چپ سفیدرود ،  
 از قرای معظمه گوکه ) -۴۴-۱۲۰-  
 ۱۹۴-۱۹۵.

اشتل (بهضم الف وتاء) ۳۲۰.

اشته (بهضم الف وسکون شین) ۲۶۰.

اشکور = شکور.

اسفاهان-۴۷.

اعلی تل (مدفن سلطان العارفين وپس القرنی)  
 ۳۲۳-۴۷۴. مزار-۴۰۸.

اغرلو محمد بن محمد چاکرلو -۳۵۳-  
 ۳۵۶.

افراسیاب-۷۱.

اکته کنار ( به فتح الف وكاف ، دهکده ای  
 نزدیک به سرحد رانکو) -۱۶۳.

النش (از نوکرزاده های گسکر) -۴۰۱-  
 ۴۰۲.

الموت-۵۶-۵۸-۶۲-۶۳-۱۲۳-۱۳۰-  
 ۱۴۷-۱۸۴-۱۸۹-۲۰۰-۲۴۵-

۲۵۵-۳۲۸-۳۳۰-۳۸۵-۴۲۱-

۴۲۲-۴۲۳. اهالی-۴۲۰. حاکم

امیر کیا [سید ...] بن کارگیا محمد کیا  
تنکابی ۴۴۶-۴۴۷ .

امیر کیا [کارگیا ...] بن هادی کیا  
گرجیانی و برادر داود کیا تنکابی  
- ۱۸۹ - ۱۳۹ - ۱۶۳ - ۱۷۰ - ۱۸۹ -  
- ۲۰۸ - ۲۰۹ - ۲۱۰ - ۲۱۲ - ۲۲۲ -  
۲۴۷ . دختر - ۱۸۸ . فرزندان - ۲۱۲  
۲۱۷ .

امیر کیا ملاطی - ۹ - ۱۴ - ۱۵ - ۱۹۶ .  
امیر اله‌الدین زینک (۶) - ۲۳۰ .  
امیر دیلمانی = امیر کوشیج = امیر  
کوشیجی ۸۹ - ۱۲۰ - ۱۲۸ - ۱۲۹ .  
امیر رشت = امیر محمد تجاسبی - ۴۱ .  
امیر سید محمد = امیر سید محمد = کارگیا  
میر سید محمد = محمد کیا بن سید  
مهدی کیا والی کیسم .

امیر شفتی = امیر محمد شفتی - ۳۵ .  
امیر فومن = امیر فومنی = امیر دجاج  
بن علاء‌الدین اسحقی - ۴۱ - ۴۶ -  
۴۳۲ .

امیر کوشیج = امیر کوشیجی = امیر  
دیلمانی - ۱۲۵ - ۱۲۶ .  
امیر کوشیجی = امیر کوشیج = امیر  
دیلمانی - ۱۲۰ .

امیر کوه‌دمی = امیر نوز کوه‌دمی - ۴۶ .

امیر کوشیج - ۸۹ - ۱۳۵ .  
امیر ناصرود = امیر ناصرود - ۱۰ .

- ۳۳ - ۴۲ - ۵۲ - ۵۹ - ۸۸ .  
امیر هزار اسپی - ۱۱۹ - ۱۲۵ - ۱۲۶ .  
املش (به فتح الف و لام) - ۳۷ .  
امیران تجاسبی = حکام تجاسبی - ۴۱ -  
۴۶ .

امیران گرجیان - ۱۳۷ .  
امیران ناصرود [عمارات ...] - ۱۴۰ .

امیر سید [کارگیا ...] برادر کارگیا سلطان  
محمد - ۳۲۴ - فوت - ۴۲۵ .

امیر سید محمد = سید محمد کیا بن سید  
مهدی کیا والی کیسم - ۹۹ - ۱۰۲ .

امیر طبیب [مولانا ...] از علمای قزوین -  
۳۲۹ .

امیر کیا [سید ...] بن سید حیدر کیا  
گوک - ۱۶۹ - ۱۷۰ - ۱۷۱ - ۱۷۲ -

۱۷۳ - ۱۷۶ - ۱۷۷ - ۱۹۲ - ۲۰۴ -  
۲۰۶ - ۲۰۷ - ۲۰۸ - ۲۰۹ - ۲۱۱ -

۲۱۲ - ۲۱۳ - ۲۲۰ - ۲۲۱ - ۲۲۲ -  
۲۲۵ - ۲۴۶ - ۲۶۱ - ۲۶۳ - ۳۵۴ .

امیر کیا [کارگیا سید ...] بن سید رکاب‌زن  
کیا بن امیر سید محمد - ۱۸۹ - ۴۲۳ -

۴۲۶ - ۴۷۷ .  
امیر کیا [سید ...] بن سید علی کیا - ۷۸ .

- شرقی شهر لاهجان و مشرف برملاط )  
 ۱۰۵- ۲۱۲ پشته -۱۶۷ . توصیف -  
 ۲۱۳ . جنگل و بیشه -۱۶۷ . دامن -  
 ۲۷ . کوه پایه‌های - ۲۴۳ . بیلاق -  
 . ۲۲۰  
 . ۴۶۲- اهل‌آمل  
 ایثا (مرتع و چمن‌زار خوبی است) -۲۸۵  
 ایران ملك كوشیج [کیا ...] -۱۶۶ .  
 ایرج [ ملك . . . ] از نبیره زاده‌های  
 ملك جلال‌الدین اسکندر و برادر ملك  
 حسین - ۱۵۵ .  
 ایلووند [خانقاه ...] - ۳۵۶ .
- ب
- باب‌الجنة = قزوین - ۳۳۵ .  
 بادشت - ۳۸۶ .  
 بادکوبه - ۲۹۲ .  
 بارجین (از دهکده‌های ولایت لمسر) - ۳۳۱ .  
 باروشه ده (= بار فروش ده = بار فروش  
 = بابل) - ۲۷۹-۴۶۳-۴۶۴ .  
 بارین ( از دهکده‌های لمسر ) - ۲۵۹ -  
 ۳۲۳-۳۳۲-۳۳۳-۳۳۴-۳۴۲ .  
 بازار تیمجان ( بیستم‌ذی‌حجه سنه ۱۸۲۰ احداث  
 شده است ) - ۱۴۱-۲۲۸ .  
 بازار رودسر - ۲۲۸ .

- امیره گرجیانی -۱۳۸ .  
 امیره گسگری = امیره جهانگیر گسگری .  
 امیره منکاس ( از دهکده‌های کجور )  
 . ۲۸۵  
 اناذه [قریه ...] (از دهکده‌های رودبار  
 علیا) - ۳۸۵ .  
 انبوه (از دهکده‌های رودبار) - ۳۸۷ .  
 اندجین = اندیچین [قلعه ...] [۲۵۰ .  
 وصف قلعه - ۲۶۰-۳۳۸-۳۳۹ .  
 انزلی (= بندرپهلوی) - ۲۹۷-۳۵۴ .  
 انوز کوه‌دمی [امیره . . . ] از امیران  
 کوه‌دم، فرزند کهنتر امیره رستم کوه‌دمی  
 -۲۶-۲۷-۲۵-۴۰-۴۱-۴۲-۴۳-  
 ۴۴-۴۹-۵۰-۵۱-۵۲-۱۰۰-۱۰۱-  
 ۱۶۹-۱۷۰-۱۷۱-۱۷۲-۱۷۳-۱۷۴-  
 -۳۵۱-۳۴۸-۳۴۷-۱۹۲-۱۷۷-  
 -۳۶۷-۳۶۸-۳۷۱-۳۷۲-۳۷۳-  
 -۳۷۸-۳۷۹-۳۸۰-۴۰۲-۴۰۳-  
 . ۴۰۴-۴۰۵ .  
 انوزود (خاندان امیران کوه‌دم) - ۷۹ .  
 اویس [سلطان ...] - ۶۰-۶۱-۵۹ .  
 اویس [ملك ...] بن ملك كیومرس بن ملك  
 بیستون - ۱۲۳ .  
 اهتکو = اهتکوه ( بهفتح الف و هاء ، عطا  
 کوه‌امروزی ، قله‌ایست منفرد در جنوب

- بامنصوری [رودبار ...] - ۶۷-۲۵۱ .  
 بایز رود ( به کسر زاء ، از دهکده‌های  
 رودبارلمسر) - ۴۷۲ .  
 بایندریگ [امیره ...] - ۴۴۱ .  
 بتول (۴) - ۲۴ .  
 بجارپس (به کسر باء وراء وفتح‌پ) - ۱۰۴ -  
 ۱۸۰-۱۸۲ . سادات ۱۹۸-۲۳۸ .  
 ناحیه - ۱۰۶ .  
 بدرالدین منجم [مولانا ...] - ۱۴۸ .  
 براز [قلعه ...] - ۳۱۴ .  
 برف‌چال - ۴۶۵ .  
 برهان‌الدین قاضی [مولانا ...] - ۳۹۹ .  
 بز ( از قبایل ساکن لیل که به قول سید  
 ظهیرالدین اصل ایشان عرب است ) -  
 ۱۱۷ .  
 بزه‌بره (بهضم باء اول وکسر زاء وفتح باء  
 دوم وکسر راء) - ۲۶۳ .  
 بژم کندلوس - ۳۰۵ .  
 بژم موشا ( گردنۀ امامزاده هاشم فعلی )  
 ۲۸۴ .  
 بژم‌نور - ۳۰۶ .  
 بسام ( از قبایل ساکن لیل که به قول سید  
 ظهیرالدین اصل ایشان عرب است ) -  
 ۱۱۷ .  
 بلدة الموحدين = قزوین - ۳۳۰ .
- بازار لاهجان - ۲۶-۹۶ .  
 بازی کیا بن کار گیاسلطان محمد کیا - ۳۵۳  
 - ۳۵۷ - قوت . ۴۵۹ .  
 بازی کیا بن کار گیا ناصر کیا بن امیر سید  
 محمد - ۱۸۸ .  
 بازی کیا [کار گیا ...] برادر فرخ‌زاد -  
 ۴۲۹ .  
 بازی کیا پدر محمد کیا - ۸۰-۹۱-۹۶ .  
 بازی کیا گوراب (دهکده‌ای نزدیک لاهجان)  
 ۷۶ .  
 باغ خاصه (در راه بالای رودسر) - ۲۴۳ .  
 باغ دیلمان = باغ نو در دیلمان .  
 باغ شمس ( از دهکده‌های ولایت طارم ) -  
 ۱۷۰-۲۶۰ . پل - ۳۴۱ .  
 باغ لوندر ( در حوالی دهکده پلور ) -  
 ۲۸۴ .  
 باغ ملک کاوس = باغ نو - ۳۰۷ .  
 باغ ملک مظفر (بیرون شهر کجور) - ۳۶۰ .  
 باغ نو (باغی که ملک کاوس در نور ساخته  
 بود) [بود] - ۲۸۲ .  
 باغ نو (در دیلمان) - ۴۲۸-۴۵۳ .  
 باغ نو (در سمرقند) - ۴۲۸ .  
 بالاسنگ [ ناحیه ... ] = جورسی -  
 ۴۷۲ .  
 بالانکاه (= بالنکاه) - ۹۵-۴۷۳ .

بهدارک - ۲۳۶-۲۳۷ .  
 بهادر میر آخور - ۳۷۹ .  
 بهادین سالار کوهدمی [ امیره... ] بن امیره  
 انوز کوهدمی - ۱۷۶-۱۷۷-۱۹۲ -  
 ۲۰۶-۲۰۷-۲۰۸-۲۱۲ .  
 بهرام آباد - ۲۶۱ .  
 بهمن [ ملک... ] بن ملک کیومر بن بیستون  
 ۲۷۶-۲۷۷-۳۲۵-۳۲۷ .  
 بیت الحرام = کعبه - ۹۹ .  
 بیستون [ ملک... ] بن ملک اویس - ۳۱۰ -  
 ۳۱۱-۳۱۲-۳۱۳-۳۱۴-۳۲۱-۳۶۰ -  
 فرزند - ۳۱۴ .  
 بیستون [ ملک... ] پدر ملک کیومر  
 ۱۲۳ .  
 بیورزن (بهفتح واو وزاء) - ۲۶۱ .  
 بهپس گیلان = روپس گیلان - ۸۱-۸۲ -  
 ۹۵-۱۰۳-۱۲۷-۱۷۰-۱۹۴-۱۹۸ -  
 ۲۰۹-۲۶۹-۲۹۹-۳۶۶-۳۶۷ -  
 ۳۶۹-۳۹۹-۴۰۰-امرا وارکان دولت  
 ۱۰۳-۱۰۱-۳۵-۱۰-امرای - ۳۹۰ -  
 ۲۷۱-۲۸۷-۳۶۵-اهالی - ۳۷۹ .  
 ایالت ۳۶۹ . بزرگان - ۲۹۴-۳۲۸ -  
 ۴۵۷ . پهلوانان - ۲۱۶ . حکام - ۳۶  
 ۱۷۶-۲۱۴-سردار - ۱۵۶ . سرداران  
 ۱۷۴ . سلطنت - ۳۶۵ . عسکر - عساکر

بلس بنه (بهفتح باء ولام وباءدوم) - ۲۹۱ .  
 بنصر (مقامی است در کوه طوالش) - ۲۸۹ .  
 بوره کی (نام اسب ملک کیومر بن بیستون)  
 ۱۵۱ .  
 بوسعید (سپهسالار کوچسغان) - ۷۱ .  
 بوسعید [ سلطان... ] بن کارگیا امیر سید  
 احمد بن کارگیا امیر سید محمد - ۱۸۹ -  
 فوت ومدفن ۲۲۳-۲۵۳ .  
 بوسعید میرم بن الیاس خواجه ( داروغه )  
 سلطانیه) - ۲۴۶-۲۴۷ .  
 بوه رود - ۳۰۴ .  
 بهادر [ امیره... ] از بنی اعمام امیره  
 فلک الدین تجاسبی - ۳۴۷-۳۴۸ .  
 بهادر بن حاجی محمد سپهسالار فومن (= )  
 بهادر سپهسالار فومنی) - ۴۰۵ .  
 بهادر سپه سالار = حاجی محمد برادر سیا  
 هند بهادر سپهسالار فومن - ۱۷۰ .  
 بهادر [ کیا... ] (= کیا بهادر دیلمی) سپهسالار  
 خرگام - ۴۰۶-۴۳۴ .  
 بهادر علی (از مزجبان سید مهدی کیا) - ۱۰۵ -  
 ۱۰۶-۱۰۷ .  
 بهادر علی ( از نوکران گیل که سپه سالار  
 اشکور بود) - ۱۳۴-۱۹۴ .  
 بهادر علی ( کوتوال قلعه لمر ) - ۸۹ -  
 ۱۷۶ .

پاراو [ ناحیه ... ] فاراب‌عمارلوی‌امروزی

. ۳۵۷-۳۴۱

پاس کیا [ مسجد . . . ] در شهر رشت -

. ۸۱

پاشا جمشیدکاکو - ۴۴۸ .

پاشا فلك‌الدین ناظر - ۴۷۳-۴۷۲ .

پاشاکیای بچارپسی (به کسرراء) - ۸۷ .

پاشاکیای تجنی (از تائبان سیدعلی کیا)

- ۱۷ .

پاشیجا (پاره‌ای از خاک بر ساحل چپ‌سفید

رود هم‌سامان بالشتنشاه) ۳۳-۳۴-۸۷

۱۰۱-۱۱۴-۱۱۸-۱۱۹-۱۲۰ -

۱۹۶-۱۹۹-۲۰۰-۲۰۹-۲۱۰ -

۲۱۲-۲۱۷-۲۱۸-۲۱۹-۲۲۰ -

۲۲۲-۲۳۰-۲۳۱-۲۳۲-۲۳۳ -

حاکم - ۱۹۷ . حکومت - ۹۶-۱۹۶ .

گوراب - ۹۶ . لشکر - ۱۹۵-۲۶۱ -

۳۷۹-۴۳۵ . مردم - ۱۱۳-۱۹۳ -

۱۹۶-۲۱۴ . والی - ۱۰۳ . ولایت -

۴۴-۴۱۹-۴۲۴ .

پاکده (از دهکده‌های پاراو) - ۳۴۱-۳۴۲

. ۳۵۷

پته (به فتح‌پ، از دهکده‌های ناحیه جیر ولایت)

- ۱۳۲ .

پرچا (از دهکده‌های لشتنشاه) - ۱۹۳ .

۴۴ - ۲۳۷ - ۲۳۹ - ۴۳۶ - ۴۶۵ .

کوچسغان - ۳۲ . لشکر - ۷۹-۸۷ -

۱۰۳-۱۶۳-۱۶۹-۱۷۳-۲۱۳ -

۲۳۹-۲۴۱-۲۴۴-۳۵۴-۳۵۵ -

۳۵۶-۳۵۷-۴۳۲ . مال - ۳۷۶ .

مردم - ۱۰۳-۱۰۴-۱۶۷-۱۷۲ -

۱۷۳-۲۰۴-۲۹۹-۳۹۹ . مقیدان -

۱۷۵ . ملك - ۲۲۲ . ممالك - ۳۹۱ -

۳۹۸-۳۹۹-۴۰۰ . ممالك اسلام -

۳۸۲ . مملکت - ۳۷۷-۳۸۴ . نسق

- ۳۷۴ . ولایت - ۱۷۰-۳۶۴-۳۷۰ -

۳۷۶-۴۳۶ . همسایگان - ۲۷۱

بیه پس دستو (از مردم ولایت کوهدم آن

طرف آب) - ۴۳۶ .

بیه‌پسیان = مردم بیه‌پس - ۱۶۸-۱۷۳ .

بیه‌پیش کیلان - روپیش کیلان - ۹۵-۹۶

- ۹۷-۱۰۱-۲۶۹ . اصحاب - ۹۹ .

عساکر - لشکر - ۹۸-۲۹۸-۳۵۴ -

۳۷۰-۳۷۱-۴۴۰ . مردم - ۷۱ -

۲۱۳-۳۵۷-۳۷۴-۳۹۹ . ولایت - ۹۶

- ۳۷۶ .

### پ

پاته (از دهکده‌های طالقان) - ۳۵۹ .

پادز (جایی در دیلمستان) - ۱۸۸ . مردم

- ۵۴ .

- کنار - ۴۴۴ . وادی - ۴۴۵ .  
 پلورودبار [ ناحیه ... ] ۱۸۷ . ولایت  
 ۱۰۵-۱۰۶ .  
 پولاد (غلام امیره نوپاشا) - ۲۴ .  
 پهلوان [ امیره ... ] فرزند امیره جهان -  
 ۲۵ .  
 پیازچال [ بیلاق ... ] (به کسر زاء) - ۳۵۹  
 پیرعلی بنا [ استاد ... ] - ۱۴۵ .  
 پیس سالوک (به کسر سین از پهلوانان رشت)  
 ۴۸ .  
 پیش دستو [ مردم ... ] - ۴۳۶ .
- ت
- تائیان - ۱۶-۱۷-۱۸-۲۰-۲۸-۳۱-  
 ۴۲ .  
 تاج الدوله [ ملک ... ] بن ملک جلال الدین  
 اسکندر - ۳۱۶-۴۶۱-۴۶۸ .  
 تاج الدین دیلمی [ کیا ... ] (مهتر خنا-  
 دهان و سردار لشکر اشکور] - ۳۳۰-  
 ۳۷۳-۳۷۹-۴۰۳-۴۰۴-۴۰۵-  
 ۴۰۶-۴۱۰-۴۱۱-۴۳۱-۴۳۹-  
 ۴۴۰ .  
 تاج الدین آملی [ سید ... ] (از سادات  
 حسنی هارونی) ۶۰-۶۱-۶۲-۱۹۰  
 تاج الدین حسن بارک الله [ مولانا ... ]  
 ۴۳۹ .

- پرده سر (به ضم پ ، یکی از محلات لاهجان)  
 ۲۶ .  
 پرده نشینان سهام - ۲۰۶ .  
 پریج ( از مردم ولایت کوهدم آن طرف  
 آب ) ۴۳۶ .  
 پریشکوه ( امروز : پرشکوه به فتح پ و  
 کسر راء و سکون شین ، از دهکده های  
 لنگرود ) - ۲۳ .  
 پساگیلان - ۹۵ . اصحاب - ۲۴۰ -  
 امرای - ۱۴۸ . لشکر - ۲۱۵ . ولایت  
 ۱۲۳ .  
 پیسخان ( سرحد ولایت رشت و فومن )  
 ۸۳-۲۹۲-۳۶۸-۳۷۰-۳۷۱ .  
 پشتکوه رستمدر - ۱۵۷ . راه - ۳۲۱-  
 ۳۲۵ .  
 پشتکوه (گیلان) - ۱۴۷ .  
 پشتۀ کیاوا - ۴۳۷-۴۳۸ .  
 پل ارس - ۳۳۵ .  
 پل پاغ شمس - ۳۴۱ .  
 پل کر ( کر به ضم کاف ) - ۳۳۵ .  
 پلام رود [ رودخانه ... ] (به ضم پ) ۱۴۳-  
 ۱۴۴ .  
 پلته استان - ۱۹۶ . محاربه - ۲۰۰ .  
 پلور [ خانقاه ... ] ۲۸۴ .  
 پلورود - ۸۸-۲۲۹ . رودخانه ۴۷۲



- ۲۵۲ .  
 ترکان-۲۴۷-۲۴۹-۲۵۰-۲۵۱-۲۴۴ .  
 لشکر - ۴۳۵-۴۳۸-۴۵۷ .  
 ترکمان = تراکمه-۳۳۲-۳۳۳-۴۶۸  
 امرای - ۴۳۵-۴۳۹-۴۶۸ . عساکر  
 ۴۴۱-۴۵۱ . لشکر - ۳۳۱-۳۴۱  
 ۴۳۵-۴۳۹-۴۴۰-۴۴۱-۴۶۶ .  
 تری دری سر ( از مواضع گسکر) - ۳۵۴  
 تلار [رودخانه] - ۴۶۴ .  
 تمشان سر ( قریب به سرحد ولایت آمل )  
 . ۴۶۲  
 تمل (بهضم تاء ومیم ، از دهکده‌های ناحیه  
 جورسی) - ۴۵۸-۴۷۲ .  
 تمنکا (قرضه ...) - ۴۶۵ .  
 تنکا [دز ...] ( دزی در ولایت تنکابن ) -  
 ۸۸  
 تنکابن - ۱۹-۲۱-۲۷-۲۸-۳۲-۳۴-  
 ۳۵-۳۷-۴۰-۶۶-۷۶-۸۷-۸۸  
 ۸۹-۹۱-۹۲-۹۶-۱۰۵-۱۰۶-  
 ۱۰۸-۱۱۷-۱۴۷-۱۵۵-۱۶۰-  
 ۱۹۱-۲۰۰-۲۱۴-۲۱۵-۲۴۵-  
 ۳۰۴-۳۱۶-۳۳۲-۴۳۲-۴۴۶-۴۴۷-  
 ۴۴۸-۴۵۰-۴۵۳-۴۵۶-۴۶۸ .  
 اسپچین - ۴۵۹ . اهالی - ۱۹۱ .  
 تخت - ۴۴۹ . تیرافکنان - ۲۸۲ .

- تاج الدین محمد برفجانی = محمد تاج  
 الدین (از تائبان سیدعلی کیا و کوتوال  
 قلعه طارم) - ۱۸-۵۲-۷۸ .  
 تاریخ مازندران = تاریخ طبرستان  
 و رویان و مازندران سید ظهیرالدین  
 مرعشی مؤلف همین کتاب که در سال  
 ۸۸۱ قمری نوشته شده است - ۱۶ .  
 تاکر ( بهضم کاف ، از دهکده‌های رودبار  
 سفلی نور) - ۲۸۲-۳۰۷ .  
 تبریز-۱۹-۶۰-۸۲-۱۱۵-۳۳۱-۳۳۵  
 ۳۵۳-۳۶۶-۳۶۷-۴۰۹-۴۶۶ .  
 دارالسلطنه ۵۰-۵۹-۳۲۵ . دیوان -  
 ۶۱-۴۰۰ .  
 تجاسپ [امیره ...] بن امیره محمد رشتی  
 ۲۹۲-۲۹۳-۲۹۴-۴۰۳-۴۰۴ .  
 تجاسپی (خاندان امیران رشت) - ۴۰۳ .  
 تجن گوکه - ۲۱۳-۲۹۵-۳۲۶ .  
 تجنی [پاشاکیا ...] ( از تائبان سید علی  
 کیا) - ۱۷ .  
 تجینه رود - ۴۶۴ .  
 تخت دوهزارتنکابن - ۴۴۹ .  
 تراکمه = ترکمان - ۳۳۹ .  
 تریه رستاق [مردم ...] - ۲۸۴ . ولایت  
 ۳۰۸ . ناحیه - ۲۸۳ .  
 ترک - ۲۴۸-۲۴۹ . لشکر - ۲۴۷ -

- ۴۰۱ .  
 توملیج ( از خویشان سالوک مرداویج ) -  
 ۸۸-۹۲-۹۳-۹۴-۹۶-۱۰۶ .  
 توملیجک ( تصغیر توملیج است ) - ۹۳ .  
 تومشل ( بهفتح شین ، تخمه سل امروزی )  
 ۲۶ .  
 توپلا [ ناحیه ... ] ( از نواحی دیلمستان )  
 ۱۸۸ . راه - ۳۶۱ .  
 توین [ قریه ... ] - ۲۶۰ .  
 قی تی طاوس ( خواهر امیره جهان و همسر  
 امیره نوپوشا ) = طاوس - ۲۲ - ۲۵ .  
 تیمجان رانکو - ۱۸۹ . بازار - ۱۴۱ -  
 ۲۲۸ . شهر - ۶۰ . مردم - ۱۴۱ -  
 ۲۲۶-۲۲۸-۲۳۴ .  
 تیمجان لاهجان - ۶۲ .  
 تیسورگران [ امیر ... ] ۶۲-۶۹-۷۶ -  
 ۱۱۹-۱۲۰ .
- ج  
 جالینوس - ۲۶۴ .  
 جزما ( از دهکده های دوهزارمردفن اما مزاده  
 ابوالقاسم بن المؤید بالله ) ۴۴۸ .  
 جشیج ( از مردم ولایت کوهدم آن طرف  
 آب ) ۴۳۶ .  
 جشیجان [ اسپه سالار ... ] - ۴۳۴ . کوه  
 ۴۰۵ . موسی آباد - ۴۱۱ . ولایت
- حاکم - ۱۷ - ۴۳۱ . حکام - ۲۷ .  
 حکومت - ۱۱۷ . خلایران - ۲۶۱ .  
 دشت - ۴۵۰ . دوهزار - ۴۴۹ .  
 سادات - ۲۷-۳۰-۳۲ . سرحد - ۲۹ -  
 ۱۴۷-۴۶۵ . عساکر - ۴۳۵-۴۶۵ -  
 ۴۶۶ . علمای - ۳۴ . فقهای - ۳۴ -  
 ۳۵ . کاکوان - ۳۰ . گوراب - ۳۸۱ -  
 ۴۶۸ . لشکر - ۲۵-۳۵-۸۱-۸۳ -  
 ۹۳-۱۰۳-۲۸۰-۲۸۶-۳۰۱-۴۶۵ .  
 مردم - ۳۰-۱۴۸-۱۹۱-۴۴۶-۴۴۷ .  
 ملک - مملکت - ۲۸ - ۳۶ - ۴۴۷ -  
 ۴۴۹ . والی - ۲۹۸ . ولایت - ۱۷ -  
 ۱۸-۳۱-۷۳-۲۸۱-۲۹۷-۴۴۶ -  
 ۴۶۶ . هشتپر - ۴۵۰ .  
 تنکابنی ( اهل تنکابن ) - ۲۸۳ .  
 تنهجان - ۱۱۷-۱۸۸ . راه - ۲۳۶ .  
 ولایت - ۴۴۵ .  
 توتکه بن ( سرحد رانکو ) - ۱۶۳ .  
 تورک علی دیلمی [ کیا ... ] - ۳۱۳ .  
 توک بن ( کنار آب سفیدرود ) - ۳۴۴ -  
 ۳۴۵ .  
 تول [ ناحیه ... ] - ۳۵۵ .  
 تولم ( بخشی از خاک گیلان در جنوب  
 مرداب انزلی ) - ۹۸-۲۱۶-۳۶۴ -  
 ۳۶۷-۳۷۲-۳۷۶-۳۸۵-۴۰۰ -

= محمد بن تاج‌الدین = محمد بن

جلال‌الدین [امیرہ ...] - ۲۵ - ۲۶ -

. ۲۷

جلال‌الدین ناصرود [امیرہ ...] (والی

پاشیجا) . ۸۷

جلال‌الدین ہزاراسپی [کیا ...] - ۱۲۱ -

- ۱۲۲ - ۱۲۳ - ۱۲۹ - ۱۳۰ - ۱۳۱ -

. ۲۳۳

جلال بن سیامرد لیلی = سیامرد جلال

(سپہسالار ناحیہ خام) - ۱۸۰ .

جلال [سید ...] (از محبان سادات) -

. ۸۷

جلال [کیا ...] (سپہسالار رحمت آباد و

جشیجان) - ۴۳۴ - ۴۳۵ - ۴۳۸ .

جلال مازندرانہ [کیا ...] (۱ تخمہ

جلال ازرق) - ۱۶۳ .

جمال‌الدین احمد بن فقیہ حسن (سپہسالار

رانکو) - ۳۴۸ .

جمال‌الدین احمد بن نظام‌الدین یحیی

سپہسالار - ۲۹۹ - ۳۱۶ - ۳۱۹ - ۳۲۱ -

- ۳۴۸ - ۳۶۵ - ۳۶۷ - ۳۶۸ - ۳۶۹ -

- ۳۷۰ - ۳۷۱ - ۳۷۲ - ۳۷۳ - ۳۷۴ -

. ۳۷۹ - ۳۸۱ - ۴۰۰ - ۴۰۴ - ۴۰۶ .

جمشید دہ مہتر - ۸۸ .

جمنو [مشہد ...] - ۴۶۴ .

جندہ رودبار (جنت رودبار امروزی) -

. ۴۱۰

جعفر علیہ السلام [اسمعیل بن ...] یعنی

امام جعفر الصادق - ۶۷ .

جلال الدولہ اسکندر (ازملوک قدیم رستم‌دار)

. ۳۱۰

جلال‌الدین اسکندر [ملک ...] بن ملک

کیومرس بیستون - ۱۵۵ - ۲۷۶ -

- ۲۷۷ - ۲۷۸ - ۲۷۹ - ۲۸۰ - ۲۸۱ -

- ۲۸۲ - ۲۹۶ - ۲۹۷ - ۳۰۱ - ۳۰۲ -

- ۳۰۳ - ۳۰۴ - ۳۰۷ - ۳۰۹ - ۳۱۰ -

- ۳۱۱ - ۳۱۳ - ۳۱۴ - ۳۱۵ - ۳۱۶ -

- ۳۱۷ - ۳۱۹ - ۳۲۱ - ۳۲۴ - ۳۲۵ -

- ۳۲۶ - ۳۲۹ - ۳۵۷ - ۳۵۸ - ۳۶۰ -

. ۴۶۸

جلال‌الدین بن توملیج (سپہ سالار کارگیا

میرسید احمد کیا) - ۲۱۲ - ۲۱۳ .

جلال‌الدین [پاشا ...] (مہتر خلابران

تنکابن) - ۲۶۱ .

جلال‌الدین (خلابروستر سید محمد کیا)

. ۱۰۵

جلال‌الدین دیلمی [کیا ...] - ۳۰۳ - ۳۰۴

جلال‌الدین کوشیج [کیا ...] (سپہسالار

دیلمان) - ۳۷۲ .

جلال‌الدین محمد پدر فرخ‌زاد - ۴۷ .

جلال‌الدین محمد (سپہسالار امیرہ جہان)

- جهانگیر [ملك ...] (دختر ملك كيومرس  
را به زنی داشت) - ۱۵۵ .  
جهانگیر گسگری [امیره ...] - ۳۶۵ -  
۴۰۱-۴۰۲-۴۳۰ .  
جیحون - ۴۱۷ .  
جیر کشایه [ناحیه ...] - ۱۴۵ .  
جیر ولایت [ناحیه ...] - ۱۳۲ .  
جیکه بزم ( بزم میان لوسنو الموت ) -  
۵۶ .

## چ

- چاخوانی سر (محل اقامت سیدظهیرالدین  
مرعشی مؤلف کتاب) - ۲۹۸ .  
چاکان ( از دهکده های ناحیه جیر کشایه  
اشکورکه یهودی نشین بوده است ) -  
۲۴۵ .  
چاکان [قریه ...] ( تخت کیا ملك هزار  
اسپی ) - ۵۶ .  
چاکرلو [قوم ...] - ۳۵۳ .  
چاک رود - ۱۳۶-۱۳۷-۳۵۸-۳۶۱ -  
۳۷۵-۳۸۳-۳۹۱-۳۹۸-۴۰۰ -  
۴۰۶-۴۰۹-۴۱۱-۴۱۲-۴۳۳ -  
۴۴۱-۴۴۵-۴۵۸-۴۶۸-۴۶۹ .  
چاک وره بن (موضعی در رود بارعلیا) - ۳۸۴  
چالک سر (دهکده ای حوالی کوچسفان) -  
۲۹۱ .

- ۴۴۷-۴۵۴ .  
چنگل ورناباد - ۳۰۴ .  
چنید بن شعیب - ۲۴۲ .  
چورده (در ناحیه وسکو) - ۴۴۵ .  
چورده (مرکز و تخت تنهجان) - ۴۴۵ .  
چورسی = بالاسنگ - ۳۰۳ - ۳۲۱ .  
ناحیه - ۳۲۸-۴۵۸ .  
چورکشایه - ۴۷۱ .  
چوزستان (از دهکده های طالقان) - ۳۵۹ .  
جهان [امیره ...] بن امیره شرف الدوله  
(امیر لاهجان) - ۱۹-۲۰-۲۱-۲۲ -  
۲۳-۲۴ . فرزندان - ۲۶-۲۷-۳۳ -  
۴۰-۴۱-۴۲ - ۴۳ . قتل - ۲۸ .  
مادر ۳۳ . همشیره - ۲۵-۳۴ .  
جهان شاه دیلمی تویلائی [کیا ...] (سپه  
سالار لمرس) - ۳۳۰ .  
جهان شاه کوشیج ( حاکم ناحیه خرگام )  
۶۹ .  
جهان شاه میرزا برادر اسکندر میرزا  
۱۷۰-۲۷۶-۲۷۸-۲۷۹-۳۱۵ -  
۳۲۹-۳۳۱ .  
جهانگیر [ملك ...] بن ملك كاوس بن ملك  
كيومرس ( والی و حاکم ناتل رستاق )  
۲۸۱-۳۲۵-۳۵۸-۴۵۲-۴۶۰ -  
۴۶۲-۴۶۶-۴۶۸ .

## ح

حاجی بیگ پیاده [امیر... ] (والی خلخال)  
 ۳۵۴ - ۳۵۶ - ۳۵۷ - ۴۳۶  
 حاجی طارمی [ شیخ ... ] (پدر میرحسین  
 طارمی) ۱۳۴ - ۱۳۵ - ۲۳۱ .  
 حامد [ ققیه ... ] - ۱۳۵ .  
 حبش مبارک‌شاه - ۱۶۶ .  
 حسام‌الدین بن جلال‌الدین ( سپه سالار  
 رانکو) - ۳۷۳ - ۴۰۳ - ۴۰۴ - ۴۰۵ -  
 ۴۰۶ .  
 حسام‌الدین بن مولانا حسن ( سپه سالار  
 رودسر و گیلان ) - ۲۳۴ - ۲۳۵ -  
 ۲۳۶ - ۲۵۱ - ۲۵۲ - ۲۵۳ - ۲۵۶ .  
 حسام‌الدین طالش [ پره نشین ... ] -  
 ۴۷۳ .  
 حسام‌الدین فومنی [امیره ... ] - ۲۷۵ -  
 ۲۸۸ - ۳۶۸ . فرزند - ۳۷۲ -  
 ۴۳۶ .  
 حسام‌الدین [ کارگیا ... ] بن کارگیا امیر  
 سید محمد - ۱۷۸ - ۱۸۸ - ۱۸۹ .  
 فوت - ۲۶۹ - ۲۷۳ .  
 حسام‌الدین [ کارگیا ... ] بن کارگیا  
 محمد (خانده و رستر لاهیجان) - ۴۳۶  
 حسن آباد ( از دهکده های رودبار ) -

چالوس - ۱۵۵ - ۳۱۱ - ۳۱۲ . رودخانه  
 ۳۱۲ - ۳۱۳ . قرای - ۲۸۱ .  
 چاله پستان (دهکده‌ای نزدیک لاهیجان) -  
 ۱۰۵ .  
 چاه‌سر - ۳۲۱ .  
 چپکه‌رود [فرضه... ] (ازنواحی مازندران)  
 ۱۹۸ .  
 چغتای [داروغه ... ] - ۳۳۴ . لشکر -  
 ۳۳۲ - ۳۳۷ .  
 چغل (به‌فتح اول و دوم ، در سال ۷۶۶  
 تخت لاهیجان بوده است) - ۲۵ - ۲۶ -  
 ۴۲ . رودخانه - ۴۳ . گوراب - ۴۲ .  
 وادی رودخانه - ۴۲ .  
 چل (به کسر چ از دهکده‌های رودبار سفلی  
 نور) - ۲۸۲ .  
 چلاو [ولایت ... ] - ۴۶۳ .  
 چلک‌شار (از دهکده‌های ناحیه خیره رود) -  
 ۱۴۹ .  
 چلمان (دهکده‌ای در دیلمان) - ۶۷ .  
 چلندر [دزکه روی سر ... ] - ۴۶۲ .  
 چناربن [قریه ... ] - ۳۲۱ - ۳۲۴ .  
 چهارده (از دهکده‌های رانکو) - ۱۹ -  
 ۲۰ .  
 چینجان [راه ... ] - ۲۴۰ .

و سپس حاکم خرگام) - ۴۴ - ۴۸ -  
 ۵۰ - ۵۱ - ۷۹ - ۸۴ - ۸۵ - ۸۷ - ۹۱ -  
 ۱۰۲ - ۱۱۹ - ۱۱۱ - ۲۱۱ - ۲۱۲ - ۲۱۳ -  
 ۲۱۴ - ۲۲۲ - ۲۴۶ . عیال - ۸۷ .  
 حسن کیا مالنجانی [سید ...] ۶۸ .  
 حسن کیای قاضی [سید ...] - ۴۶۹ .  
 حسن کیای گوکه [کارگیا ...] ( برادر  
 کارگیا امیرسید احمد) - ۲۵۴ - ۲۵۵ -  
 ۲۵۶ .  
 حسن کیف ( از دعهده‌های کلارستاق ) -  
 ۳۶۰ .  
 حسن [مولانا ...] ( پدر حسام‌الدین سپه  
 سالار گیلان) - ۲۳۴ .  
 حسن نو مسلمان - ۵۵ .  
 حسین آملی [میر ...] - ۴۶۳ .  
 حسین بن علی علیه‌السلام - ۸۵ .  
 حسین [سیدمیر ...] - ۴۴۸ .  
 حسین طارمی [میر ...] بن شیخ حاجی  
 طارمی - ۱۷۰ - ۱۷۱ - ۱۷۳ - ۱۷۶ -  
 ۲۳۱ - ۲۳۵ - ۲۳۷ - ۲۳۸ - ۲۴۰ -  
 ۲۴۵ - ۲۴۶ - ۲۴۷ - ۲۵۱ - ۲۵۲ -  
 ۲۵۹ - ۲۶۲ - ۳۳۹ .  
 حسین [طاس ...] ( از سرداران لشکر  
 بیه‌س) - ۱۶۳ - ۱۶۸ .  
 حسین کیا [سید ...] بن سیدعلی کیا ( در  
 جنگ قلعه‌گرم‌زمان سرکشته‌شد) - ۴۵ -

۳۸۶ - ۴۷۳ .  
 حسن بارک‌الله [مولانا ...] ( از متعینان  
 در گاه سلطات علی میرزا ) - ۴۵۲ -  
 ۴۶۷ - ۴۶۹ .  
 حسن بیگ ترکمان - ۳۲۹ - ۳۳۵ - ۳۳۶ -  
 ۳۳۹ - ۳۴۱ - ۳۴۲ - ۳۴۷ - ۳۵۰ -  
 ۳۵۳ . فوت - ۴۰۹ .  
 حسن چلبی ( داروغه حسن بیگ ترکمان  
 در قزوین) - ۳۴۲ - ۳۴۳ .  
 حسن [حاجی ...] ( نوکر کارگیا میرسید  
 احمد) - ۲۵۱ .  
 حسن شاه دگمه‌بند ( از اهالی پاشیجا ) -  
 ۲۳۰ - ۲۳۱ .  
 حسن علی میرزا بن جهان شاه - ۲۳۱ -  
 ۳۳۲ .  
 حسن کرد [مولانا ...] - ۱۱۳ .  
 حسن کیا [سید ...] بن سید علی کیا و برادر  
 سید رضا کیا - ۱۴۶ . برادر - ۳۰ .  
 حسن کیا [سید ...] بن سید ناصر کیا (والی  
 کیسم) - ۹۹ .  
 حسن کیا [سید ...] بن کارگیا امیر کیای  
 گوکه و برادر شهرخ میرزا - ۲۸۶ .  
 حسن کیا [کارگیا ...] بن سید حیدر کیا  
 و برادر امیر کیا و داماد میرسید احمد  
 والی گوکه و کیسم و اشپین و کماچال

حمزه رودباری [خواجه ...] - ۳۳۸ - ۴۰۰

حمزه کیا بن کیارستم سپهسالار - ۴۷۱  
 حیدر کیا [سید ...] [بن سید حسن کیا  
 ( پدرش والی گوکه و کیسم و اشین و  
 کماچال بود) - ۷۹ - ۸۰ - ۹۱ - ۹۶ -  
 ۱۰۲ - ۱۰۳ - ۱۰۴ - ۱۱۹ - ۱۲۰ -  
 ۱۳۰ - ۱۶۹

## خ

خاجان [قریه ...] (= خواجهان) - ۹۲  
 خانان رشت - ۲۷۱  
 خانقاه ایلوند - ۳۵۶

خانه امیره نوپاشا در رانکو - ۳۱  
 خانه سید یحیی کیا در کنار پلورود - ۴۴۴  
 خدا دادویه (از تائبان سید علی کیا) - ۱۷  
 خداوند علاءالدین محمد = علاءالدین  
 محمد [خداوند ...]

خداوند محمد = محمد [خداوند ...]  
 خارورد (از دهکده‌های دیلمستان) - ۲۵  
 ۴۰ - ۴۳ - ۱۲۰

خراسان - ۲۷۶ - ۲۷۸  
 خرزویل [تعلق به حاکم کوهدم داشت]  
 ۴۹ - ۲۶۱ - ۲۶۲ - ۴۱۰ - ۴۱۱ - ۴۳۵  
 راه - ۳۵۷ - مردم - ۴۳۶

خرشتم (به فتح خاء و کسر راء و ضم تاء) -

۹۶ - ۱۰۴ - ۱۱۹ - ۱۹۷

حسین کیا تنهجانی [سید ...] - ۱۷۰  
 حسین کیا [کار گیا سید ...] [بن کار گیا  
 سید علی کیا (حاکم لاهجان) - ۱۰۱ -  
 ۱۰۳ - ۱۰۴ - ۱۰۵ - ۱۰۷ - ۱۰۸ -  
 ۱۱۰ - ۱۱۱ - ۱۱۳ - ۱۱۴ - ۱۱۵ -  
 ۱۱۶ - ۱۱۷ - ۱۱۸ - ۱۶۰ - ۱۶۱ -  
 ۱۶۲ - ۱۶۳ - ۱۶۴ - ۱۶۵ - ۱۶۶ -  
 ۱۶۷ - ۱۶۸ - ۱۶۹ - ۱۷۰ - ۱۷۱ -  
 ۱۷۲ - ۱۷۳ - ۱۷۴ - ۱۷۵ - ۱۷۶ -  
 ۱۸۳ - ۱۸۴ - ۱۹۳ - ۲۰۱ - ۲۴۱ -  
 ۲۴۵ - ۲۵۱

حسین کیا [سید ...] [بن کار گیا امیر سید  
 محمد - ۱۵۶ - ۱۶۰  
 حسین گاورودی [حاجی ...] - ۲۴۶ -  
 ۲۴۷

حسین [ملک ...] [از نبیره‌های ملک  
 جلال الدین اسکندر] - ۱۵۵  
 حسین [ملک ...] [عم ملک‌شاه غازی بن  
 ملک بیستون] - ۴۶۸

حسین [میر ...] [بن کار گیا بازی کیا بن  
 کار گیا سلطان محمد - ۴۵۹ - ۴۶۹  
 حسین ناصر = ناصر کبیر = ناصر الحق  
 ۲۲۳ - ۴۲۹

حمام سید حسین کیا در لاهجان - ۵۰

- ۳۵۴-۴۸-۴۷- خمام (جزء خاک رشت) - ۴۷۶-۴۷۷ .
- سردار و سپه سالار - ۴۷ . فرضه -  
 ۲۹۲-۲۹۷ . ناحیه-۴۶-۳۰۰-۴۰۰  
 خادمان - ۳۳۰ .  
 خواجهگان - ۳۲۸ .  
 خواجهگان لاهجان (= خواجههای  
 لاهجان)-۶۲-۹۵ .  
 خواجه احمد = احمد [خواجه ...]  
 خواجه علی = علی [خواجه ...] .  
 خواجه گری (از نواحی طالش نشین) -  
 ۳۵۴ .  
 خواجههای رشت - ۲۸۷ .  
 خوار (از توابع ری) - ۱۲۳ .  
 خورکیا [سید ...] - ۹۶ .  
 خورکیای ولمی (کیا ...) (از دیالمه  
 و لم ، سپهسالار سمام) - ۱۸۳-۲۵۶ .  
 خوره تاوه رودبار (خورتاب رودبار امروز)  
 ۳۰۲ .  
 خوش است (بیلاق طارم) - ۳۴۶ .  
 خوی گورسر (دهکده ای برسامان لشتن شاه  
 و کوجسغان) - ۲۱۹ .  
 خیابو (از دهکده های رحمت آباد) - ۴۳۴  
 مردم - ۴۳۶ .  
 خیررودکنار [ناحیه ...] = خیره رود -  
 ۲۸۱ .
- خرگام (بعض خا) - ۶۹-۱۷۱ . سپه  
 سالار - ۴۲۸-۴۳۴ . عساکر - ۴۳۴  
 لشکر - ۳۷۲ . مردم - ۱۳۰ . ناحیه -  
 ۶۹-۲۲۲-۲۴۶-۳۴۴ . ولایت -  
 ۴۰۶-۴۲۸ .  
 خرمه دشت (موازی گوراب کوهدم در  
 ناحیه کوه کونه) - ۲۹۵-۳۴۵ -  
 ۴۷۵ .  
 خره رود (شاید : خیره رود) - ۴۶۵ .  
 خسرود (از دهکده های رودبار بامنصوری)  
 ۲۵۱ .  
 خشم نادان (از دهکده های طالش نشین) -  
 ۳۵۴ .  
 خلابران - ۱۴۰-۱۴۱ .  
 خلابران تنکابن - ۲۶۱ .  
 خلابران رانکو - ۱۰۵-۲۲۷ . مسکن -  
 ۱۴۰ .  
 خلابران لاهجان - ۲۰۰-۲۱۰ .  
 خلابرو رستر - ۱۰۵-۲۱۰ .  
 خلابرو رستر رانکو - ۲۱۳ .  
 خلابرو رستر لاهجان - ۲۱۰ .  
 خلخال - ۳۳۵-۳۴۱-۳۵۴ . تخت -  
 ۳۵۶ . حاکم - ۴۳۶ . ولایت - ۳۵۵  
 خلوگا (بلندترین قلّه اهتکو) - ۲۱۲ .



۸۴-۸۶-۸۷-۹۰-۹۱-۹۲-۹۵-۹۷  
 ۹۸-۱۰۳-۲۲۲-۳۰۰-۳۶۴-۳۶۵  
 ۳۶۷-۳۶۸-۳۷۱-۳۷۲-۳۷۶  
 ۳۷۷-۳۷۸-۳۸۰-۳۸۵-۳۸۷  
 ۳۸۹-۳۹۰-۳۹۱-۳۹۹-فرزندان-  
 . ۴۰۰

دباج [امیره ...] بن حسام‌الدین ( از بنو  
 اعمام دباج بن امیره علاء‌الدین فومنی)  
 . ۳۶۸-۳۷۲-۴۳۶

دباج بهادر (از مهتران کوشیجان) -- ۶۸ .  
 دخمه کیا اسمعیل -- ۳۶۱ .  
 دران ( دهکده ای در کنار سفیدرود ) --  
 . ۳۵۷

دروازه پنبه رسه (از دروازه‌های قزوین)  
 . ۳۴۳

دروازه پنجه‌علی (از دروازه‌های قزوین)  
 . ۳۳۱-۳۴۳

دروازه عراق ( از دروازه های قزوین )  
 . ۳۳۳

درویش محمد شیرج- ۳۰۳ .

دریاوک (بهفتح واو) - ۲۵۹ .

دریسن پشته - ۱۳۴ .

دزادون (کنار تجینه‌رود) - ۴۶۴ .

دزین = دزدین .

خیره رود [ناحیه ...] = خیر رودکنار  
 . ۱۴۹-

## ۵

دادک (از دیالمه‌سردار و کوتوال قلعه‌لورا)  
 . ۱۵۷

دارا - ۳۶۳ .

دارالمرز - ۲۷۲-۳۶۴-۳۷۴-۳۷۶ .  
 جوانب- ۵۷ . حکام- ۲۷۲ . سلطنت- ۴۴۴  
 ولایت - ۴۴۰ .

داود کیا بن سیدعلی کیا بن امیر کیا گرجیانی  
 همشیره زاده کارگیا ناصر کیا- ۲۲۲-  
 . ۲۷۳-۲۷۴

داود کیا [کارگیا ...] بن هادی کیا  
 تنکابنی (برادر امیر کیا گرجیانی)-

۱۴۷-۱۶۳-۱۷۰-۱۸۹-۱۹۰-  
 ۱۹۱-۱۹۳-۱۹۴-۲۱۵ . عیال و  
 اطفال - ۱۹۱ .

دائی کوچانی. (در اصل : دانی کوچانی از  
 تائبان سیدعلی کیا) - ۱۷ .

دباج (از دیالمه و لامجان ، سپه سالار شاه  
 یحیی بن سلطان محمد)- ۲۹۷ .

دباج [امیره ...] بن امیره علاء‌الدین  
 اسحق فومنی (از امیران فومن) - ۲۶-

۳۵-۴۱-۷۱-۷۸-۷۹-۸۰-۸۲-۸۳

دیالمه و لم = دیالمه و لامجان (به فتح واو  
و لام) - ۱۸۳ - ۲۰۳ - ۲۲۵ - ۲۳۷ .  
دیزه گران (دهکده ای نزدیک چالوس) -  
۳۱۲ .

دیلم = دیالمه - ۸ - ۱۰ - ۱۲ - ۶۵ - ۷۳ -  
۱۲۱ - ۱۲۷ - ۱۲۸ - ۱۲۹ - ۱۳۰ -  
۱۳۱ - ۱۳۳ - ۱۴۵ - ۱۵۳ - ۱۵۴ -  
۲۴۸ - ۲۴۹ - ۲۵۰ - ۲۵۷ - ۲۶۶ -  
۲۶۷ - ۲۷۰ - ۲۷۶ - ۲۷۷ - ۲۸۳ -  
۲۹۲ - ۳۰۳ - ۳۱۸ - ۳۵۸ - ۴۰۴ .  
بزرگان - ۳۹۸ . پیاده - ۱۵۸ . حکام  
وسلاطین - ۹ . دیار - ۶۴ . سپه سالاران -  
۲۴۸ . سوار - ۱۵۸ . عساکر - ۱۲۷ -  
۱۵۶ - ۲۲۱ - ۲۴۰ - ۲۴۵ - ۲۸۶ -  
۳۳۲ - ۳۴۴ - ۴۳۱ - ۴۳۸ . کبرای  
۲۱۶ . کماندار - ۳۱۱ . گوان - ۳۰۹ -  
لشکر - ۸۱ - ۱۲۷ - ۱۴۸ - ۲۳۶ -  
۲۳۸ - ۲۳۹ - ۲۵۸ - ۲۶۰ - ۲۷۵ -  
۲۸۹ - ۲۹۶ - ۲۹۸ - ۳۱۱ - ۳۳۹ -  
۳۴۸ - ۳۵۲ - ۳۵۳ - ۳۷۰ - ۳۷۲ -  
۴۰۳ - ۴۰۵ . مردم - ۱۳۲ - ۱۴۰ -  
۲۲۳ - ۳۰۶ . ممالک - ۵۶ - ۶۳ -  
۶۴ - ۸۶ - ۱۲۹ . والی و حاکم - ۱۳ .  
ولایت - ۴۱۸ .

دزتنکا (به ضم تاء و کسر نون) - ۸۸ .  
دزدبن [قریه ...] - ۱۰۴ - ۲۱۰ . گوراب  
- ۱۶۷ . گور سالوک مرداویدج در -  
۱۰۴ .

دزکهروی سرچلندر (به کسر دال و فتح زاء)  
- ۴۶۲ .  
دلارستاق - ۳۲۶ . کمانداران - ۳۲۲ .  
دماوند - ۲۸۳ .  
دو هزار [کوه ...] - ۴۴۷ . ولایت  
- ۴۴۸ .

دیوشل (دیوشل امروزی) - ۱۶۷ .  
دهجه (طایفه ای در اشکور) - ۱۳۱ .  
ده دوشاب (از دهکده های رودبارلمسر) -  
۳۸۴ .

دیالمه = دیلم - ۸۹ - ۱۲۰ - ۱۲۱ - ۱۲۲ -  
۱۲۷ - ۱۲۹ - ۱۳۰ - ۱۳۱ - ۱۳۲ -  
۱۸۲ - ۱۸۳ - ۱۸۴ - ۲۰۴ - ۲۱۳ -  
۲۳۲ - ۲۴۶ - ۲۴۷ - ۲۴۹ - ۴۴۵ -  
اراذل - ۱۸۰ . کبار - ۱۳۰ . کوهستان  
- ۲۱۳ .

دیالمه جیرولایت (به کسر راء) - ۱۸۳ .  
دیالمه گرجیان - ۱۳۰ .  
دیالمه گلیجان - ۱۳۰ .  
دیالمه و لامجان = دیالمه و لم - ۲۹۷ .

۱۷۰-۲۰۶.

دیلمستان = دیلمان - ۲۸ - ۵۴ - ۵۹ -

۶۵ - ۶۶ - ۱۲۰ - ۱۲۱ - ۱۲۲ - ۱۲۹ -

۱۳۱ - ۱۳۲ - ۱۳۷ - ۱۳۸ - ۱۴۰ -

۱۸۸ - ۲۰۳ - ۲۴۸ - ۳۵۸ . پیاده‌های

۳۸۰ . حدود و رسوم - ۱۰ - ۱۳ .

حکام و سلاطین - ۱۰ - ۱۳ . حکومت

۱۶۹ . سنجیران - ۴۰۳ . سام - ۳۲۳

عساکر - ۳۵۷ - ۴۰۳ - ۴۰۵ . عمارات

۱۴۴ . لشکر - ۵۶ - ۷۰ - ۸۳ - ۱۴۷

۱۶۳ - ۲۱۳ - متجندة - ۲۷۸ - ۳۵۷ .

ممالک - مملکت - ۵۷ - ۶۴ - ۱۳۵ - ۱۳۷

ولایت - ۱۲۳ .

دیمرن گلیجان - ۴۴۸ .

دیورود - ۴۳۹ .

ر

رؤسای التون کشی - ۳۴۰ .

رؤسای چگنی - ۳۴۰ .

رانکو ( بخشی از گیلان که لنگرود و

رودسر شهرهای بزرگ آن است ) - ۱۰

- ۱۹ - ۲۰ - ۲۳ - ۲۴ - ۲۵ - ۲۷ - ۲۸ -

- ۳۱ - ۳۲ - ۳۵ - ۳۷ - ۳۹ - ۴۰ - ۶۰ -

۶۲ - ۸۲ - ۸۷ - ۸۸ - ۸۹ - ۹۲ - ۹۴ - ۹۵ -

- ۱۰۲ - ۱۰۳ - ۱۰۵ - ۱۰۶ - ۱۰۷ -

دیلمان = دیلمستان - ۵۳ - ۶۶ - ۶۷ -

۶۸ - ۶۹ - ۱۱۹ - ۱۲۰ - ۱۲۵ - ۱۳۰ -

۱۳۱ - ۱۷۰ - ۱۷۱ - ۲۰۴ - ۲۰۵ -

۲۰۷ - ۲۱۱ - ۲۲۱ - ۲۲۲ - ۲۲۵ -

۲۳۲ - ۲۳۶ - ۲۴۷ - ۳۵۰ - ۳۵۷ -

۳۶۱ - ۳۷۲ - ۳۷۵ - ۳۸۰ - ۳۸۲ -

۳۸۷ - ۳۹۰ - ۴۰۰ - ۴۰۶ - ۴۱۱ -

۴۲۵ - ۴۲۷ - ۴۲۸ - ۴۲۹ - ۴۳۲ -

۴۳۵ - ۴۳۶ - ۴۳۸ - ۴۴۶ - ۴۴۹ -

۴۵۱ - ۴۵۳ - ۴۵۴ - ۴۵۵ - ۴۵۷ -

۴۵۸ - ۴۵۹ - ۴۶۱ - ۴۶۵ - ۴۶۶ -

۴۶۸ - ۴۷۷ . اهالی، مردم - ۵۴ -

۶۶ - ۳۴۴ . ایالت - ۶۷ - ۶۸ . تخت -

۴۴۵ - ۴۴۶ - ۴۵۱ - ۴۵۳ . چاکرود

۳۶۱ . حاکم - ۳۰۰ . حدود - ۲۰۶

. خلافت - ۲۸۶ . دارالسلطنة - ۴۰۵ .

راه - ۴۳۹ . سپهسالار - ۳۷۲ - ۴۵۶ .

سپهسالاری - ۴۵۶ . سلطنت - ۲۰۵ .

عرصه - ۴۲۷ - ۴۷۷ . عساکر - ۴۳۴ -

۴۶۶ . قشلاق - ۴۲۶ . لشکر، لشکریان -

۶۷ - ۱۹۲ - ۲۰۶ - ۳۴۰ - ۳۴۱ -

۳۴۵ - ۳۷۲ - ۳۷۹ - ۴۳۴ . مردم -

۶۹ - ۱۲۹ - ۳۴۵ . ملاحظه - ۱۳۷ .

ملك (بهضم میم) - ۴۷۷ . ولایت - ۱۳۵ -

- ۱۸۰-۲۰۱-۲۲۶-۳۸۱ . گوراب  
 سفلی-۱۴۰-۲۳۹-۲۸۹-گوراب نو  
 ۱۴۱-گیلان-۳۰۴ . لشکر-۱۰۳-  
 -۱۱۶-۱۲۲-۱۵۵-۱۶۳-۱۸۱-  
 ۱۹۵-۱۹۶-۲۱۳-۲۳۶-۲۳۸-۳۴۸  
 -۳۷۲-۳۷۹-۴۳۵ . متجنده-۴۰۳ .  
 مردم-۱۰۵-۱۱۳-۲۲۶-۲۴۰ .  
 مسجد گوراب بالای-۱۴۰ . مملکت-  
 ۳۹-۴۰-۱۰۲-۱۴۳-نوکران-۱۷۴  
 -۲۹۴ . ولایت-۲۲-۳۷-۵۷ . هشتپر  
 -۲۴۲ .  
 راه بالای رودس-۲۴۳ .  
 راه پشتکوه-۳۲۱ .  
 راه پشته (از دهکده‌های لنگرود)-۱۱۸-  
 -۲۰۱ .  
 راه پنبه رسه ( یعنی راه دروازه پنبه رسه  
 قزوین)-۲۵۹ .  
 راه پنجه علی ( یعنی راه دروازه پنجه علی  
 قزوین)-۲۵۹ .  
 راه تنهجان-۲۳۶ .  
 راه تویلا-۳۶۱ .  
 راه چنیجان-۲۴۰ .  
 راه خرزویل-۳۵۷ .  
 راه دیلمان-۴۳۸ .
- ۱۰۸-۱۱۴-۱۳۸-۱۳۹-۱۴۳-۱۴۵  
 -۱۵۶-۱۶۱-۱۶۲-۱۷۵-۱۷۶-  
 ۱۷۷-۱۹۱-۱۹۹-۲۰۰-۲۰۲-۲۰۷-  
 -۲۰۹-۲۱۰-۲۱۱-۲۲۴-۲۲۵-  
 ۲۲۶-۲۲۸-۲۲۹-۲۳۵-۲۳۷-۲۳۸-  
 -۲۳۹-۲۴۰-۲۴۱-۲۴۲-۲۵۰-  
 ۲۵۳-۲۵۷-۲۶۳-۲۷۳-۲۹۴-۲۹۸-  
 -۳۱۷-۳۴۸-۴۱۸-۴۲۰-۴۲۲-  
 ۴۲۶-۴۲۷-۴۲۹-۴۳۰-۴۳۲-۴۴۳-  
 -۴۴۶-۴۵۰-۴۵۴-۴۵۵-۴۵۷-  
 ۴۵۸-۴۶۰-۴۶۵-۴۶۹-۴۷۰-۴۷۱-  
 -۴۷۲-۴۷۶-۴۷۷ . اکابر-۱۶۹ .  
 تخت-۱۶۹-۴۱۸-۴۴۶-۴۵۵-  
 ۴۵۷-۴۷۳ . تعمیر ولایت-۱۴۰ .  
 حکومت-۱۰۶ . خلایران-۱۰۵-  
 -۲۲۷ . خلایر و رستر-۲۱۳ . راه  
 -۲۲۹ . ریاست-۸۷ . سپهسالار-۲۲۷-  
 -۲۳۵-۲۳۸-۲۸۹-۲۹۸-۳۴۸-  
 ۳۷۳ . سپهسالاری، سرداری-۱۳۰-  
 ۱۸۳-۴۵۶ . سرای-۲۴ . سرحد-  
 ۱۶۳-۱۶۴ . عساکر-۱۱۵-۱۹۵-  
 ۱۹۸-۳۰۱-۴۰۴-۴۳۵-۴۶۵-  
 ۴۶۶ . عمال-۱۹۷ . قصر-۱۴۰ .  
 کوه و گیلان-۲۲۵ . گوراب-

- راه لایچ - ۳۰۸ .  
 راه لنگرود - ۱۱۴ - ۲۱۰ .  
 راه موسله (= ماسوله) - ۲۸۸ - ۳۵۷ .  
 راه ننگ (به فتح هر دو نون) - ۴۰۴ .  
 راه نو - ۲۳۰ - ۲۳۲ - ۲۳۴ - ۲۳۶ - ۲۴۵ .  
 راه نیتل (به کسر نون و سکون یاء و فتح تاء) - ۳۲۵ .  
 رجاییش (از نواحی کوچسغان در سرحد ولایت کیس) - ۲۱۳ .  
 رحمت آباد (= رحمت آباد) - ۳۴۴ - ۴۰۴ .  
 ۴۲۵ - ۴۳۱ - ۴۳۵ - ۴۳۸ - ۴۵۹ .  
 اسپه سالار - ۴۳۴ . راه - ۳۷۹ - ۴۰۳ .  
 سپه سالاری - ۴۳۹ . سرحد - ۳۷۲ .  
 قرای - ۴۲۵ . مردم - ۴۳۶ . ولایت ۴۲۵ - ۴۳۴ - ۴۳۸ - ۴۳۹ .  
 رزگرد - ۲۵۹ .  
 رزکوه [راه ...] - ۲۶۲ .  
 رزه رود (در حوالی لوسن) - ۴۴۵ .  
 رستم بن سلطان محمد بن امیر هداج اسحتی قومنی - ۹۹ .  
 رستم (پهلوان داستانی ایران) - ۷۱ - ۳۶۲ .  
 رستم سبیل [کیا ...] (سپهسالار تمامی ممالک رستمدار) - ۱۵۷ - ۱۵۸ .  
 راه رانکو - ۲۲۹ .  
 راه رحمت آباد - ۳۷۹ - ۴۰۳ .  
 راه رزکوه - ۲۶۲ - ۳۴۴ .  
 راه ساحل بحر - ۴۶ - ۱۴۹ .  
 راه سفید گوران - ۲۶۰ .  
 راه سمنان - ۲۷۹ .  
 راه سیابیشه - ۲۸۰ .  
 راه شفت - ۴۰۴ .  
 راه شکور - ۱۴۵ .  
 راه شیروی دو هزار - ۲۴۵ .  
 راه شیم رود - ۴۱۱ - ۴۵۱ - ۴۵۴ .  
 راه طارم - ۲۴۱ .  
 راه طالقان - ۳۲۴ - ۳۲۷ .  
 راه علیا و سفلی قلعه لمر - ۲۴۹ .  
 راه قدیم کوچسغان [شارع قدیم ...] .  
 ۳۷۳ .  
 راه قریه نرکه (به فتح نون و کسر راء) - ۹۵ .  
 راه کنسان بند - ۳۰۱ .  
 راه کوچسغان (شارع اصلی است) - ۷۴ - ۲۹۱ .  
 راه کوهدم - ۴۰۴ .  
 راه کوهپایه‌ها - ۲۰ .  
 راه گیلان - ۳۱۰ .

رستم کوهدمی [ امیره... ] ( از امرای  
 انوزوند والی کوهدم) - ۲۹۳-۲۹۲-  
 ۳۴۹-۳۴۷-۳۴۶-۳۴۵-۳۴۴-۲۹۸  
 - ۳۶۸-۳۶۶-۳۶۵-۳۵۲-۳۵۱ -  
 - ۳۷۹ - ۳۷۸ -۳۷۵-۳۷۰-۳۶۹  
 ۴۳۸-۴۳۶-۴۳۳-۴۱۱-۴۱۰-۳۸۲  
 - ۴۷۰. فرزند - ۴۳۴ .  
 رستم [کیا... ] (سپهسالار رانکو) - ۴۵۵.  
 رستم‌دار - ۱۴۸-۱۴۷-۱۲۹-۶۲-۱۵-  
 ۲۷۵-۲۶۹-۲۵۳-۱۵۴-۱۵۱-۱۴۹  
 - ۲۹۵ - ۲۸۰ - ۲۷۹-۲۷۸-۲۷۷-  
 ۳۲۱-۳۱۶-۳۰۴-۳۰۳-۳۰۱-۲۹۷  
 - ۳۵۹ - ۳۵۷-۳۳۰-۳۲۸-۳۲۴ -  
 . ۳۱۷- اهالی - ۴۶۵-۴۵۲-۴۵۱  
 . پشتکوه - ۱۵۷ . پیاده‌های - ۳۰۶  
 حکومت - ۲۷۸- سرحد- ۴۵۲ . کچه  
 روی سر - ۴۶۵ . لشکر - ۱۵۰ -  
 - ۲۸۱-۴۶۶-۴۶۸ . مردم - ۱۴۸ -  
 - ۲۸۲-۳۱۷-۴۶۲ . مردم مشهور .  
 . ۳۰۶ . ملوک - ۲۷۱ - ۲۷۵-۲۷۶  
 . نواحی - ۳۱۵ . همسایگان - ۲۷۱ .  
 رستم‌داریان ( اهالی و ساکنان رستم‌دار )  
 - ۴۶۶-۴۶۲ .  
 رشاقه ( جمع رشنیق و رشنیق ) به کسی

گویند که سید نباشد) - ۹۰ .  
 رشت - ۱۰-۱۴-۴۱-۴۷-۷۱-۸۱-۸۲-  
 - ۸۳-۸۴-۸۹-۹۰-۹۱-۹۸-۹۹ -  
 ۱۰۰-۱۰۱-۱۰۳-۱۱۹-۱۲۱-۱۲۵-  
 ۲۵۴-۲۲۱-۲۱۹-۲۱۶-۲۱۲-۲۰۷  
 - ۲۹۳-۲۹۲-۲۹۰ - ۲۸۹-۲۵۶ -  
 - ۳۴۷-۳۰۰-۲۹۹-۲۹۸-۲۹۷-۲۹۴  
 - ۳۶۶-۳۶۵-۳۶۴-۳۶۲-۳۶۱-۳۵۴  
 ۳۸۰-۳۷۹-۳۷۴-۳۷۳-۳۷۱-۳۶۸  
 - ۴۰۰-۴۰۳-۴۰۴-۴۱۱ . ارکان  
 دولت - ۴۰۰-۴۷۵ . امیره - ۴۱ . اوپاش -  
 . ۴۰۲ . اهالی - ۴۰۱ . تخت - ۴۸ .  
 حکومت - ۳۴۷ . خواجه‌های - ۲۸۷ .  
 درویشان - ۲۹۲ . دیه‌های - ۸۶ .  
 سپاهی زاده‌های - ۳۴۹ . سرحد - ۸۳ -  
 . ۳۶۸ . سلطنت - ۲۹۳-۲۹۴-۳۸۵ .  
 شهدای - ۹۱-۹۵ . عساکر - ۷۸ -  
 . ۴۳۶ . گوراب - ۲۵۴ . لشکر - ۷۱ -  
 . ۱۶۹ - ۲۸۹ - ۲۹۰ - ۳۷۱ - ۳۸۰ .  
 محاربه - ۳۷۰-۳۷۱ . مردم - ۸۷ -  
 . ۳۶۲-۳۶۸-۳۶۹-۳۷۰-۳۷۱ .  
 معموره - ۳۷۸-۳۳۷ . مملکت - ۳۷۵ -  
 ۴۰۷ . ولایت - ۴۶-۴۸-۴۹-۷۰ -  
 . ۲۹۱

رستم کوهدمی [ امیره... ] ( از امرای  
 انوزوند والی کوهدم) - ۲۹۳-۲۹۲-  
 ۳۴۹-۳۴۷-۳۴۶-۳۴۵-۳۴۴-۲۹۸  
 - ۳۶۸-۳۶۶-۳۶۵-۳۵۲-۳۵۱ -  
 - ۳۷۹ - ۳۷۸ -۳۷۵-۳۷۰-۳۶۹  
 ۴۳۸-۴۳۶-۴۳۳-۴۱۱-۴۱۰-۳۸۲  
 - ۴۷۰. فرزند - ۴۳۴ .  
 رستم [کیا... ] (سپهسالار رانکو) - ۴۵۵.  
 رستم‌دار - ۱۴۸-۱۴۷-۱۲۹-۶۲-۱۵-  
 ۲۷۵-۲۶۹-۲۵۳-۱۵۴-۱۵۱-۱۴۹  
 - ۲۹۵ - ۲۸۰ - ۲۷۹-۲۷۸-۲۷۷-  
 ۳۲۱-۳۱۶-۳۰۴-۳۰۳-۳۰۱-۲۹۷  
 - ۳۵۹ - ۳۵۷-۳۳۰-۳۲۸-۳۲۴ -  
 . ۳۱۷- اهالی - ۴۶۵-۴۵۲-۴۵۱  
 . پشتکوه - ۱۵۷ . پیاده‌های - ۳۰۶  
 حکومت - ۲۷۸- سرحد- ۴۵۲ . کچه  
 روی سر - ۴۶۵ . لشکر - ۱۵۰ -  
 - ۲۸۱-۴۶۶-۴۶۸ . مردم - ۱۴۸ -  
 - ۲۸۲-۳۱۷-۴۶۲ . مردم مشهور .  
 . ۳۰۶ . ملوک - ۲۷۱ - ۲۷۵-۲۷۶  
 . نواحی - ۳۱۵ . همسایگان - ۲۷۱ .  
 رستم‌داریان ( اهالی و ساکنان رستم‌دار )  
 - ۴۶۶-۴۶۲ .  
 رشاقه ( جمع رشنیق و رشنیق ) به کسی

- روپس گیلان = بیه‌پس گیلان - ۲۷۵ .  
 روپیش گیلان = بیه‌پیش گیلان - ۱۰-۹۱  
 ۹۲-۱۰۱-۱۰۲-۱۱۹-۲۷۵-۴۰۳  
 توابع - ۹۰ . عساگر ، لشکر - ۷۹-  
 ۲۸۹-۳۴۸ . مردم - ۸۰ . ممالک -  
 ۴۵ .  
 روح‌الدین موسی [سید... ] (= سیدموسی)  
 -۲۷۶-۲۷۸ .  
 رودبار - ۸۹-۲۲۴-۲۴۸ . انگورهای  
 -۱۴۵-لشکر-۷۰-۱۳۶-۱۴۷-۲۶۰ .  
 مردم - ۵۴ .  
 رودبارات - ۴۵۳ .  
 رودبار با منصورى - ۶۷ .  
 رودبار سفلی نور - ۲۸۲-۳۰۷ .  
 رودبار علیا - ۳۸۴ .  
 رودبار علیای نور - ۲۸۵-۳۰۵ .  
 رودبارك [مسجد... ] - ۴۷۲ .  
 رودبار لمس - ۱۲۳-۱۳۰-۱۴۵-۱۷۰-  
 ۱۷۱-۲۴۷-۲۵۸-۲۷۳-۳۸۳-  
 ۳۸۴-۴۶۶-سپهسالار-۴۵۶ . سرحد-  
 ۴۶۶ . نواحی - ۴۷۳ .  
 رودبار نور = نوررودبار - ۳۰۲ .  
 رودبارین (شاید منظور رودبار با منصورى  
 و رودبار لمس باشد) - ۵۸ .

- رضاکیا [ کارگیا ... ] (= رضی کیا) بن  
 کارگیا امیر سید احمد بن کارگیا امیر  
 سید محمد - ۱۸۹-۲۳۰-۲۳۱-۲۳۴-  
 ۲۴۵-۲۵۱ . فوت و مدفن - ۲۵۲ .  
 رضاکیا [کارگیا... ] = رضی کیا بن سید  
 علی کیا ( درابتدا والی پاشیجا بود ) -  
 ۹۹-۱۰۳-۱۱۰-۱۱۱-۱۱۳-  
 ۱۱۴-۱۱۵-۱۱۶-۱۱۷-۱۲۰-۱۲۲-  
 -۱۲۶-۱۲۷-۱۳۶-۱۳۹-۱۴۶-  
 ۱۶۳-۱۶۴-۱۷۹-۲۰۱-دختر-۱۹۱ .  
 همشیره - ۱۶۹-۱۷۸ . والدۀ - ۷۵ .  
 رضی [سید... ] (از سادات بچارپس و سپه  
 سالار رانکو) - ۱۸۳-۲۳۸-۲۴۰ .  
 رضی‌الدین [ سید... ] بن سید قوام‌الدین  
 مرعشی (حاکم آمل) - ۱۶-۲۹-۲۳۷-  
 رکبزن کیای حسنی تنکابنی [ سید... ]  
 (حاکم ولایت تنکابن و سختسر) - ۱۸-  
 ۲۰-۲۱-۲۲-۲۳-۲۴-۲۵-۲۶-۲۸-  
 -۳۴ . جد - ۲۷ . فرزند - ۲۷-۲۸-  
 ۳۰-۳۱-۳۲ .  
 رکبزن کیا [سید... ] بن کارگیا امیر سید  
 محمد کیا (والی الموت) - ۱۷۷-۱۸۸-  
 ۱۸۹-۲۰۸-۲۱۵-۲۴۸-۲۴۹-۲۵۶-  
 فوت - ۳۲۷-۳۲۸ .  
 واوروار - ۳۲۲ .

- ۱۸۸-۳۵۸-۰۴۵۷-مردم-۲۳۶ .  
 روم - ۶۰-۳۵۲ . پادشاه -۳۵۲ .  
 روه سرگسکر -۳۵۴ .  
 رویان [تخت ...] -۳۵۹ .  
 رهی زاد (سپه سالار گوکه و کسیم) -۸۰ .  
 ری - ۷۷-۱۲۳ -۳۳۲-۳۳۳ . ملك  
 (بعضم میم) -۱۴۹ .
- ز
- زانوس رستاق -۳۰۵ .  
 زاویه محمد گالش (بر سر راه دیلمان) -۴۳۹ .  
 زدل پرده سر (راه موسله) -۴۳۶-۴۴۰ .  
 زردآباد -۴۷۳  
 زلکی [رودخانه ...] -۴۲۵ .  
 زنگی کلاته (از دهکده های رستم دار) -۱۵۱  
 -۱۵۳ . صحرائی -۱۵۳ .  
 زیاز ( جزء ناحیه سبجیران اشکور ) -  
 ۱۴۵ .
- زیدبن علی [مذهب ...] -۴۱ .  
 زین المابدین [ امیره ... ] بن میر حسین  
 طارمی -۳۳۹-۳۵۱-۳۵۲ .  
 زین المابدین ساری [ میر . . . ] (والی  
 مازندران) -۴۲۷-۴۵۱-۴۵۲-۴۵۷ .  
 ۴۶۰-۴۶۴ .
- زینل بیگ بن حسن بیگ ترکمان -۳۵۲ .
- رودخانه پلام رود (بعضم) - ۱۴۳  
 رودخانه پلورود -۴۷۲ .  
 رودخانه تلار (به فتح تاء تلار امروزی)  
 -۴۶۴ .  
 رودخانه چالوس -۳۱۲-۳۱۳ .  
 رودخانه زلکی -۴۲۵ .  
 رودخانه سفیدرود = سفیدرود -۴۳۵ .  
 رودخانه شلمان رود -۱۰۲ .  
 رودخانه شیرارود -۱۴۴-۲۴۱ .  
 رودخانه گوارود -۱۴۳-۱۴۴-۲۴۱ -  
 ۲۴۴ .  
 رودخانه نور -۳۰۶ .  
 رودخانه ولیسارود ( ولیسه رود امروزی)  
 -۱۴۳-۲۴۲-۲۴۳ .  
 رودخانه هرهمز (هراز امروزی) -۴۶۳ .  
 رودسر = هوسم -۱۴۳-۲۲۲-۲۲۷ -  
 ۲۲۹-۲۳۰-۲۳۱-۲۳۲-۲۳۴ -  
 ۲۳۵-۲۳۶-۲۳۸-۲۳۹-۲۴۱ -  
 ۲۴۲-۲۴۳-۲۵۳-۲۵۷-۴۲۹ -  
 ۴۵۸ . اصحاب -۲۲۷ . بازار -۲۲۷  
 ۲۲۸ . راه بالای -۲۴۳ . روز بازار -  
 ۲۲۶ . سپه سالار -۲۰۸-۲۳۶ .  
 سرپل -۲۴۳ . شهر -۱۴۴ . شیروی -  
 ۴۵۸ . عساکر -۲۲۷ . فرضه -۱۷۸



اهالی- ۴۶۳ . لشکر- ۱۴۹- ۳۰۹  
 مردم ولایت- ۴۶۴ . ولایت- ۳۹ .  
 ساسان شفتی [امیره . . .] (سالار لشکر  
 امیره دباچ بن امیره علاءالدین اسحق  
 فومنی) - ۹۸-۴۰۳-۴۰۵ .  
 ساسان گسگری [امیره . . .] - ۷۹-۹۷ .  
 ساسه لزور [صحرای . . .] - ۳۰۵ .  
 ساسی کلام [ناحیه . . .] (حوالی ساری) -  
 ۳۰۹ .  
 سالار [امیره . . .] بن امیره رستم کوه‌دمی  
 از امیران انوزود - ۷۹-۱۷۰-۳۵۰  
 -۳۸۵-۳۸۳-۳۸۲-۳۶۷-۳۵۱-  
 ۴۳۴-۴۰۴ .  
 سالوک [امیره . . .] = صلوک [امیره . . .]  
 (حاکم شفت) - ۴۳۲ .  
 سالوک کوچسفانی (از طایفه اسمعیل ود، از  
 امیران کوچسفان) - ۲۳-۴۵ .  
 سالوک مرداویج [از تائبان سید علی کیا و  
 سپه‌سالار رانکو] - ۱۷-۲۹-۴۹-۶۰  
 -۱۰۳-۹۴-۹۲-۸۹-۸۸-۸۷-۸۱-  
 ۱۰۴ .  
 سام نریمان - ۸۰ .  
 ساوه - ۶۵-۸۹-۱۲۱-۳۰۰ .  
 سیاهی‌تل‌دشت (موضعی است در سیاکله‌رود) -

## س

ساحل بحر = سواحل بحر- ۴۶-۳۰۱-  
 ۳۰۴-۳۵۴-۴۵۲-۴۶۶ . رام- ۳۱۱  
 -۳۳۷ . مردم- ۴۴۰ .  
 سادات- ۷-۱۷-۱۹-۲۱-۲۷-۲۹-۳۳-  
 ۳۵-۴۸-۴۹-۶۵-۷۸-۷۹-۸۰-۸۱-  
 ۸۲-۸۴-۸۵-۸۶-۸۷-۸۸-۸۹-  
 ۹۰-۹۱-۹۲-۹۵-۱۰۰-۱۱۹-  
 ۱۲۰-۱۲۱-۱۲۶-۱۲۹-۱۳۱-  
 ۱۳۲-۱۵۱-۱۶۰-۱۶۴-۲۰۷-  
 ۲۱۶-۲۱۷-۲۳۵-۲۴۶-۲۶۴-  
 ۲۸۷-۲۹۷-۳۵۷-۳۶۵-۳۹۸-  
 ۴۱۹ . خروج- ۹-۱۰-۱۳ .  
 سادات اسمعیل بن جعفر- ۶۷ .  
 سادات فومن - ۹۲ .  
 سادات گرجیان- ۱۴۸ .  
 سادات گیلان- ۱۲۰-۱۴۷ .  
 سادات مازندران- ۳۶-۵۷-۱۹۰ . خروج-  
 ۱۶۳ .  
 سادات هارونی حسینی - ۶۰ .  
 ساره سران تیمه‌جان - ۲۴۶ .  
 ساری - ۲۸-۱۴۸-۱۵۵-۳۰۱-۴۴۳  
 -۴۵۷-۴۶۱-۴۶۳-۴۶۴-۴۶۶ .  
 ارباب - ۴۶۳ . ارباب‌زاده‌های - ۲۹ .

- سرلیل (به کسر لام و سکون یاء) - ۴۲۶-۴۲۷  
 ۴۴۶-۴۵۵-۴۵۷ .  
 سرمیج علیا (از دهکده‌های ناحیه جورسی)  
 ۳۰۳-۳۲۸-۴۵۸ .  
 سروان کوهدم (به فتح سین و راء) = سروان  
 ۴۱۱-  
 سروش (دهکده‌ای نزدیک کیاوا) - ۴۳۷ .  
 سطل اکته (به فتح سین و طاء و الف و کاف)  
 ۱۶۷-  
 سعادت یار [امیر ...] - ۳۴۳ .  
 سعید آباد - ۳۶۰ .  
 سعیدالدین فرخ‌زاد = فرخ‌زاد بن دباغ  
 شبه‌سالار - ۲۹۰ .  
 سعید شفتی [امیره ...] - ۳۶۵-۴۰۱-  
 ۴۰۲-۴۰۴-۴۰۵-۴۳۲ .  
 سفیدرود [آب ...] - ۷۳-۱۱۴-۱۲۹  
 ۱۳۱-۱۶۷-۱۷۰-۱۷۲-۱۹۳  
 ۱۹۵-۲۰۸-۲۱۵-۲۱۹-۳۴۴-  
 ۳۷۲ . پل - ۲۱۴ . کنار، لب، وادی -  
 ۲۶-۴۴-۵۷-۱۱۸-۱۲۷-۱۷۳  
 ۲۱۴-۲۲۱-۳۴۱-۳۵۷-۴۷۵ .  
 سفیدگوران - ۲۶۰ .  
 سلارکیه (میان آردوی سامان و وارکو)  
 ۴۴۸ .
- ۹۲-۱۰۶ .  
 سپهبد بن امیره انوز کوهدمی - ۱۷۶-  
 ۱۷۷ .  
 سپهسالاران = سپهبدان = اسفهاالاران -  
 ۴۲-۵۲-۱۲۷-۱۵۳-۱۵۹-۱۷۵-  
 ۱۸۱-۲۴۹ .  
 سجیران اشکور (به کسر سین) = سی‌جیران  
 ۴۶۹-قریه-۴۷۳ . ناحیه-۴۰۳-۴۷۲ .  
 سختسر - ۲۰-۸۸ . سرحد - ۲۲ .  
 عساکر - ۴۳۵ . گوزاب - ۳۸۱ .  
 ولایت - ۱۸ .  
 سروان = سروان (به فتح سین و راء، از  
 دهکده‌های کوهدم) - ۱۳۱ .  
 سرای سیانوپاشا محمد - ۱۹ .  
 سرتیز (از قبایل ساکن لیل که به قول‌سید  
 ظهیرالدین اصل ایشان عرب است) -  
 ۱۱۷ .  
 سرحد کوه گیلان - ۱۴۷ .  
 سرحد نشینان - ۲۰۶-۴۶۶ .  
 سرخ‌کمر (باغی در رودبار سفلی نور) -  
 ۲۸۲ .  
 سرداب رود کلارستا ق - ۴۶۱ .  
 سرداسر (میان راه کلینادان و دیلمان) -  
 ۴۴۶ .

- ۳۶۴-۳۷۲-۳۷۵-۳۸۳-۳۹۱-  
 ۳۹۶-۳۹۸-۴۰۰-۴۰۸-۴۰۹-  
 ۴۱۱-۴۱۴.  
 سلطان محمد (پادشاہ روم) - ۳۵۲.  
 سلطان محمد [کار گیا ...] بن کار گیا ناصر  
 کیا-۸-۱۱-۱۴۶-۲۵۷-۲۶۸.  
 سلطان محمد = محمد بن امیرہ دباچ بن امیرہ  
 علاء الدین اسحقی فومنی .  
 سلطان ہاشم کیا بن کار گیا سلطان محمد کیا  
 (والی تنکابن) -۳۸۴-۳۹۰-۴۰۸-  
 ۴۴۷-۴۵۲-۴۵۶-۴۶۶-۴۶۸.  
 سلطانہ -۶۳-۶۵-۷۰-۸۲-۳۳۲-  
 ۳۳۳-۳۳۵-۳۴۲-۴۱۱-۴۷۰.  
 سرحد - ۳۴۰.  
 سلمان ساوجی -۴۱۲-۴۵۶.  
 سلیمان بیگ -۴۶۶-۴۶۷.  
 سلیمان (بیغمیر) - ۲۰۴.  
 سمام (بہضم سین، درنا حیثہ شہوک) -۱۴۵-  
 ۱۷۹-۱۸۳-۱۸۴-۲۱۲-۲۲۰-  
 ۲۲۲-۲۲۹-۲۳۰-۲۳۱-۲۳۴-  
 ۲۳۶-۲۳۷-۲۳۸-۲۳۹-۲۴۵-  
 ۲۴۷-۲۶۳-۲۷۴-۲۹۸-۳۰۴-  
 ۳۱۷-۳۳۰-۳۳۳-۳۴۲-۳۵۸-  
 ۳۶۱-۳۷۱-۳۷۵-۳۸۴-۳۹۰-
- سلطان حسن کیا بن کار گیا سلطان محمد کیا  
 (والی کوچسغان و لشتنشاہ) - ۳۶۴-  
 ۳۸۴-۳۹۱-۴۰۸-۴۰۹-۴۱۶-  
 ۴۳۳-۴۳۴-۴۳۵-۴۵۶-۴۷۵-  
 ۴۷۶.  
 سلطان حسین برادرزادہ سید حسین کیا  
 (حاکم لاهجان) -۱۷۵-۱۸۱-۱۹۴-  
 ۱۹۵-۱۹۶-۱۹۷-۱۹۸-۱۹۹-  
 ۲۰۱-۲۴۱-۲۴۳-۲۵۱.  
 سلطان حسین بن کار گیا امیر کیا ی گوکہ -  
 ۳۵۳-۳۵۷.  
 سلطان حسین [سید ...] (والی کوچسغان  
 برادرزادہ سید رضی کیا) -۱۰۰-۱۰۱-  
 ۲۱۸-۲۱۹-۲۲۰-۲۲۲.  
 سلطان حسین کیا بن کار گیا سلطان محمد کیا  
 (حاکم گرجیان) -۳۸۴-۴۰۸-۴۲۴-  
 فوت -۴۲۹-۴۴۱.  
 سلطان حمزہ بن کار گیا سلطان محمد کیا -  
 ۴۴۳-۴۰۹.  
 سلطان عباس بن کار گیا سلطان محمد کیا -  
 ۴۴۳-۴۰۹.  
 سلطان علی میرزا [کار گیا ...] بن کار گیا  
 سلطان محمد کیا -۸-۲۵۷-۲۷۲-  
 ۲۹۴-۳۰۰-۳۱۷-۳۵۸-۳۶۱-

گیلان که قشلاق دیالمه است) -۹۲-  
 ۱۰۵-۱۰۶-۱۰۷-۲۷۹-۲۸۰-  
 مردم- ۱۰۵ . ناحیه -۳۷-۱۳۲-  
 ۲۷۹-۴۵۷ . ولایت- ۲۹۸-۴۴۴ .  
 سیامحمد بهادر = سیامحمد حاجی محمد  
 (سپهسالار فومن)-۱۶۳-۱۷۳ .  
 سیامحمد حاجی محمد (سپهسالار بیه پس)  
 سیامحمد بهادر- ۱۷۰-۱۷۵-۲۴۱  
 . ۲۴۴  
 سیامرد جلال لیلی = جلال بن سیا مرد  
 لیلی (سپهسالار سما) -۱۸۲-۱۹۵ .  
 سیاوش [ امیره . . . ] (از والیان گسکر)  
 . ۴۳۰-۴۳۱ .  
 سیاهند بهادر (سپهسالار امیره علاءالدین  
 فومنی) = سیاهند حاجی محمد-۱۶۹-  
 . ۱۷۴  
 سیاهند حاجی محمد = سیاهند بهادر (سپه  
 سالار فومن)- ۱۷۳ .  
 سی جبران = سجیران اشکور-۵۶ . ناحیه  
 . ۱۴۰-۱۴۵  
 سیحون- ۴۱۷ .  
 سی خوانی (موضع درسام قریب به دامن کوه)  
 . ۲۳۹  
 سیدلین ( موضعی در دیورود ) - ۴۳۹ .

۳۹۱-۴۱۲-۴۱۳-۴۱۷-۴۲۰-  
 ۴۲۵-۴۳۲ - پره نشینان - ۲۰۶ .  
 تخت- ۳۲۳- ۴۰۷ . تخت بیلاق -  
 ۱۸۸-۲۰۴ . سپهسالار- ۱۹۵ . سپه  
 سالاری . ۱۸۳-۴۵۶ . عساکر-۴۳۴  
 قصر- ۲۶۳ . لشکر - ۲۳۸-۴۳۴ .  
 مردم- ۲۰۶ . ناحیه -۴۵۵ . بیلاق-  
 ۱۴۷-۱۷۹-۱۸۳-۲۳۴-۲۵۸ .  
 سمرقند [ باغ نو . . . ] - ۴۲۸ .  
 سمنان- ۳۳۱ . راه - ۲۷۹ .  
 سمنگان (از دهکده های چالوس) - ۲۸۱ .  
 سنگسرود (در وادی پلورود) - ۴۴۵ .  
 سواحل بحر = ساحل بحر- ۴۴۰ .  
 سوغ بلاغ [ صحرای . . . ] - ۳۲۳ .  
 سولش- ۳۶ .  
 سولقان- ۶۴ .  
 سیابیشه- ۱۵۹ . راه - ۲۸۰ .  
 سیاحاجی محمد = سیامحمد حاجی محمد  
 (سپهسالار رشت) - ۲۴۱ .  
 سیارستانق (ناحیه ای جزء اشکور)- ۸۸ .  
 سیارود = سیاهرود [ کنار ، لب ، وادی . . . ]  
 (در حوالی رشت) ۴۱-۷۱-۲۹۹-  
 . ۴۵۱  
 سیاکله رود (= سیاه کله رود) (از نواحی

شاهمیر ولعی [ کیا ... ] ( از مخصوصان  
 کار گیا میر سید احمد ) - ۱۹۲ -  
 ۲۴۸-۲۴۹-۲۵۰ .  
 شاه یحیی بن کار گیا امیر سید احمد (والی  
 گرجیان و گلیجان ) - ۲۱۱ - ۲۳۵ -  
 ۲۳۶ - ۲۴۱ - ۲۹۴ - ۴۱۹ - ۴۲۳ .  
 شرابه کلایه ( از دهکده‌های تنکابن ) - ۲۷ .  
 شریپاشای کوشیج ( از کیایان کوشیج دیلمان )  
 . ۲۵۰  
 شرف‌الدوله [ امیره ... ] - ۱۹ .  
 شرف‌الدوله بن کار گیا ناصر کیا بن امیر سید  
 محمد - ۱۸۸ - ۲۶۴ - ۲۷۳ .  
 شرف‌الدین [ علی ] یزدی [ مولانا ... ] - ۴۲۸ .  
 شفت - ۳۷۱ - ۳۷۲ - ۴۰۴ - ۴۳۲ .  
 اهالی - ۴۰۵ . تخت - ۴۰۵ . حکومت  
 ۴۰۳ - ۴۳۳ . رام - ۴۰۴ . طرفداران  
 . ۴۰۰ . کوه - ۴۰۵ . گوراب - ۴۰۴ .  
 لشکر - ۷۸ . کوه طوالش - ۴۰۴ .  
 شکور ( نام طایفه ای ساکن در شکور ) -  
 . ۱۳۷  
 شکور (= اشکور یکی از نواحی کوهستانی  
 گیلان ) - ۳۷ - ۵۳ - ۵۵ - ۵۹ - ۶۲ -  
 ۶۳ - ۷۳ - ۸۹ - ۱۱۹ - ۱۲۲ - ۱۲۳ -  
 ۱۳۰ - ۱۳۱ - ۱۳۲ - ۱۳۸ - ۱۴۰ -

سیران رود [ ولایت ... ] - ۱۳۲ .  
 سی سنگان [ نواحی ... ] - ۴۶۲ .  
 سیف‌الدین [ کیا ... ] ( از کیایان کوشیج  
 که در خرگام حاکم بوده اند ) - ۶۶ -  
 ۶۷ - ۶۸ .  
 سیمه رود ( شاید : شیم رود ) - ۱۷۴ - ۱۷۵ -  
 . ۱۷۶  
 سیه سر گرجیان - ۴۲۴ .

ش

شال ( از دهکده‌های شاهرود خلخال )  
 . ۳۵۷  
 شام - ۶۰ .  
 شاهان گوراب - ۱۰۷ - ۱۰۸ - ۲۴۳ .  
 شاهرخ [ ملک ... ] (= ملک شهرخ ) بن  
 ملک کاوس بن ملک کیومرث - ۳۱۷ -  
 ۳۲۲ - ۳۲۴ - قتل - ۳۲۵ - ۳۲۶ .  
 شاه‌رود = شه‌رود - ۱۳۵ .  
 شاه‌رود ( از دهکده‌های شاهرود خلخال )  
 . ۳۵۷ -  
 شاهزاده علی میرزا = سلطان علی میرزا  
 شاه شجاع بن کار گیا شاه یحیی ( والی  
 گرجیان ) - ۴۲۴  
 شاه‌ملک [ تائب ... ] - ۲۹ .  
 شاه منصور بن شاه یحیی - ۴۱۹ - ۴۲۴ -

سید ناصر کیا) - ۲۰۲ .  
 شمس الدین [میر... ] (برادر میرزین العابدین  
 ساری) - ۴۶۳ - ۴۶۴ - ۴۶۶ .  
 شمس الدین محمد [خواجه... ] (نایب امیره  
 علاء الدین قومنی) - ۳۶۵ .  
 شمس الدین محمد بن نظام الدین یحیی (سپه  
 سالار لاهجان) - ۲۹۴ - ۲۹۹ - ۳۷۲ -  
 ۳۷۳ - ۳۷۴ - ۳۷۵ - ۳۷۹ .  
 شمیران [قلعه... ] = قلعه شمع ایران (از  
 دزهای طارم) - ۳۵۱ .  
 شوراب [قریه... ] - ۴۶۴ .  
 شهر اکیم [ملک... ] - ۳۱۰ - ۳۱۱ - ۳۱۳ .  
 شهرخ [میرزا... ] بن کار کیا امیر کیا  
 گوکه حاکم دیلمان - ۲۸۶ - ۳۰۰ .  
 شهرخ میرزا جد میرزا محمد بایسنغر -  
 ۲۵۸ - ۳۳۶ .  
 شهرستان (از دهکده های رودبار لمس)  
 ۳۲۳ .  
 شهرستان علیا - ۲۵۹ .  
 شهرود = شاه رود - ۲۶۰ .  
 شهوک (به فتح شین و واو، از نواحی دیلمستان)  
 ۱۴۵ - ۱۸۸ .  
 شیا (دهکده ای که سرحد سماس است) - ۲۶۳ .  
 شیرارود (نهری که از پلام رود جدا کرده اند)

۱۷۱ - ۲۱۲ - ۲۱۴ - ۲۲۴ - ۲۵۸ -  
 ۴۲۳ - ۴۳۳ - ۴۴۲ . تخت - ۶۰ -  
 ۱۳۴ - ۴۴۵ . تعمیر ولایت - ۱۴۰ .  
 حکومت - ۵۶ - ۵۷ - ۱۲۶ - ۱۳۲ .  
 دیالمه - ۴۴۱ . راه - ۱۴۵ . سپه سالار  
 ۲۸۹ - ۴۱۰ . سپه سالاری - ۱۳۴ -  
 ۱۸۳ - سحیران - ۴۶۹ . فتح - ۵۷ -  
 گوراب - ۳۸۱ . عساکر ، لشکر ،  
 لشکریان - ۸۳ - ۸۶ - ۱۳۶ - ۱۵۵ -  
 ۱۷۰ - ۳۳۰ - ۳۴۰ - ۳۷۹ . متجند  
 ۴۱۰ . مردم - ۱۲۶ - ۱۳۱ - ۱۸۰ -  
 ۲۴۰ . مملکت - ۱۴۵ . ناحیه - ۲۱۶ -  
 ۲۴۷ - ۴۵۳ . ناحیه جبر کشایه - ۱۴۵  
 ۲۴۵ . ناحیه جبر ولایت - ۲۴۷ . ناحیه  
 سیارستانی - ۸۸ . نواحی - ۵۴ . ولایت  
 ۳۱ - ۵۸ - ۱۲۶ - ۱۳۴ - ۱۷۸ . بیلاق  
 ۴۴۴ .  
 شکوریان (ساکنان اشکور) - ۱۳۸ - ۱۳۹ -  
 ۱۸۰ .  
 شلمان رود (از دهکده های روپیش گیلان  
 رانکو) - ۱۰۲ . رودخانه - ۱۰۲ .  
 شمیران [قلعه... ] (از دزهای رستمدر  
 بر سرحد ری) - ۱۴۷ - ۱۵۷ .  
 شمس الدین [خواجه... ] (نایب کار کیا

صحرای لار- ۳۲۲ .  
 صحرای لاشه لزور- ۲۸۱- ۳۶۰ .  
 صحرای مال امال (۶) سوغ بلاغ- ۳۳۴ .  
 صلکوک [ امیره ... ] = امیره سالوک  
 (حاکم شفت)- ۴۳۲ .

## ط

طارم- ۵۱- ۵۲- ۷۸- ۱۳۴- ۱۷۶  
 ۲۴۶- ۲۴۷- ۲۵۱- ۲۵۲- ۲۵۳-  
 ۲۵۹- ۲۶۰- ۲۶۲- ۲۸۸- ۳۳۸-  
 ۳۴۰- ۳۴۱- ۳۵۱- ۳۶۸-  
 ۳۳۹- ۳۳۵- حاکم- ۴۴۱- ۴۳۳  
 . راه- ۲۴۱- سرحد- ۳۴۶- سواران  
 ۲۴۴- قلعه- ۷۸- ۳۳۸- ۳۴۱-  
 ۳۴۶- لشکر- ۲۴۳- مردم- ۲۶۰-  
 . والی و داروغه- ۵۰- ولایت- ۱۷۰-  
 - ۲۳۹- ۳۷۱- ۴۰۵- ۴۰۶-  
 طارم علیا- ۳۳۹- ۳۴۰- ۳۴۱-  
 طارمیان- ۲۴۵ .

طاس حسین ( به کسر سین ) = حسین  
 [ طاس... ]

طالش دیلمانی ( از تائبان سید علی کیا )  
 . ۱۷

طالقان ( جزء پشتکوه گیلان یا پشتکوه  
 رستم‌دار بوده است)- ۱۴۷- ۱۵۷- ۱۵۸

۰۱۴۴

شیراز- ۲۰۳ . حاکم- ۳۵۳ .  
 شیروان- ۳۳۵- ۴۴۳ .  
 شیروان‌شاه- ۳۳۵ .  
 شیرود (پاره‌ای از خاک دیلمستان)- ۲۸-  
 . ۳۲  
 شیروی دوهزار- ۲۴۵ .

شیعه زیدی- ۴۵ .

شیم‌رود [ پل ... ] . ۴۴۲ . راه- ۴۱۱-  
 ۴۵۱- ۴۵۴ . وادی- ۱۳۵ .  
 شیوه زایان (از دهکده‌های سیاه‌کله‌رود)-  
 . ۴۴۴

شیرود سرگریان = شیروی گرجیان  
 . ۴۶۱

شیرود [فرضه...]- ۲۸۱- ۲۹۸ .

شیروی گرجیان = شیرودسرگریان-  
 . ۴۶۵- ۲۴۵

## ص

صالحان (از دهکده‌های کجور)- ۲۸۴-  
 . ۳۲۴

صحرای زنگی کلاته- ۱۵۳ .

صحرای ساسه لزور- ۳۰۵ .

صحرای سوق بلاغ- ۳۲۳ .

صحرای شم دشت- ۲۶۲ .

## ع

عاقل [ امیر ... ] ( داروغه قزوین از طرف ابوسعید تیموری ) - ۳۳۲ - ۳۳۳ .

عبدالرحمن [ سید ... ] بن سید مهدی کیا - ۱۰۹ .

عبدالمعلی ( سپه سالار میرزین العابدین ساری ) - ۴۶۴ .

عبدالکریم ساری [ سید ... ] بن میرعبدالله ( از سادات مرعشی مازندران ، امیر و حاکم ساری ) - ۲۷۹ - ۳۰۱ - ۳۵۸ - ۴۴۲ - ۴۴۴ - ۴۵۱ - ۴۵۲ - ۴۵۷ - ۴۵۸ - ۴۵۹ - ۴۶۰ - ۴۶۳ - ۴۶۴ - ۴۶۶ - ۴۶۷ - ۴۶۸ .

عبدالملك [ امیر سید ... ] بن سید موسی الحسنی ( سپه سالار ولایت لمسر بعداً سپه سالار دیلمان ) - ۴۲۷ - ۴۳۰ - ۴۵۶ - ۴۶۶ - ۴۶۸ - ۴۷۳ .

عبدالله ساری [ سید ... ] بن امیرعبدالکریم ( حاکم ساری ) - ۳۰۱ - ۳۰۹ .

عبدالله کیا [ سید ... ] بن سید علی کیا - ۸۵ .

۱۵۹ - ۱۶۰ - ۱۸۸ - ۲۱۴ - ۲۷۶ - ۲۷۷ - ۲۸۰ - ۳۲۲ - ۳۵۹ - راه - ۳۲۴ - ۳۲۷ . سپهسالار - ۳۳۸ . عساکر - ۲۸۰ . قلعه پالیسن - ۱۵۷ - ۲۴۱ - ۴۵۳ . گوراب - ۳۸۱ - لشکر - ۱۷۰ - ۲۳۸ - ۲۸۱ - ۲۸۶ - ۳۳۸ - ۳۴۳ . مردم - ۳۴۳ . بیلاقهای - ۳۲۲ .

طاوس = تی تی طاوس .

طبرستان [ ممالک ... ] - ۱۶ .

طوالش - ۲۱۵ - ۲۱۸ - ۴۰۵ .

طوالش ( = مردم طالش ) - ۳۴۱ . حکام ۲۱۴ . کبرای - ۳۷۲ . کوه - ۲۸۸ - ۲۸۹ . کوهستان - ۲۱۳ .

طوالش آستارا - ۳۳۷ - ۳۵۴ .

طوالش کوهدم - ۴۰۵ .

طوس [ ملک ... ] - ۱۵۴ .

طوس [ ملک ... ] ( برادرزاده ملک جلال الدین اسکندر ) - ۳۱۴ - ۳۱۵ .

## ظ

ظهیر الدین [ سید ... ] ( مؤلف کتاب ) ۷ - ۳۳۲ . در موارد دیگر به عنوان مؤلف ، حقیر و فقیر آمده است .



- عبدالله کیا [سید ...] بن سید مهدی کیا - ۱۰۹
- عبد الوهاب مازندرانی [سید... ] [نوه سید  
کمال الدین ساری] - ۲۴۶
- عراق (منظور عراق عجم است) - ۵۹-۶۹
- ۷۷-۷۸-۸۲-۳۳۱-۳۳۲-۳۵۳
- پادشاهان - ۲۷۲. شهرهای - ۴۴۱
- ممالک - ۲۷۶
- عراق عرب [جزایر ...] - ۲۷۷
- هرنا - ۲۶۲
- عزالدین درزی - ۳۲۵-۳۲۶
- عضد [سید... ] بن سید موسی الحسنی - ۲۸۶
- ۲۹۵-۳۳۳-۳۴۲-۳۴۳-۴۶۱
- علاءالدین [امیره ...] بن امیره دباچ بن  
امیره علاءالدین اسحق فومنی - ۹۸
- ۹۹-۱۰۰-۱۰۱-۱۰۳-۱۵۶-۱۶۳
- ۱۶۸-۱۶۹-۱۹۴-۲۰۶-۲۰۷
- ۲۰۹-۲۱۱-۲۱۲-۲۱۳-۲۱۴
- ۲۱۵-۲۱۶-۲۱۸-۲۱۹-۲۲۰
- فوت - ۲۲۱-۲۲۲-۲۵۵-۲۷۵
- ۲۸۸-۲۸۹-۲۹۲-۲۹۳-۲۹۴
- ۲۹۵-۲۹۹-۳۰۰-۳۴۵-۳۴۶
- ۳۴۷-۳۴۸-۳۴۹-۳۵۰-۳۵۱
- ۳۵۳-۳۵۷-۳۶۱-۳۶۲-۳۶۴
- ۳۶۵-۳۶۶-۳۹۹-۴۰۱-۴۷۷
- فرزند - ۳۷۴
- علاءالدین محمد [خداوند... ] [از اسماعیلیان  
دیلمان] ۵۳-۱۲۹
- علی آباد (دهکده ای بر سر راه طارم) - ۳۴۶
- ولایت - ۴۶۴
- علی رذزینی [امیر ...] [حاکم دیلمان]  
- ۶۷-۶۸
- علی [خواجه... ] بن حیدر (سردار لشکر  
الموت) - ۳۴۳
- علی [خواجه ...] [داروغه قزوین از بنی  
اعمام خواجه احمد سپه سالار اشکور  
ورودبار] - ۷۰-۷۷-۷۸
- علی [خواجه ...] [نماینده امیر علاءالدین  
فومنی] - ۳۶۵-۳۶۶
- علی [خواجه شیخ ...] [از خواجگان  
رشت و نایب امیره محمد رشتی] - ۲۸۷
- ۲۸۸
- علی [سید ...] بن سید ناصر کیا بن سید  
حسین بن سید امیر کیای ملاطی (حاکم  
پاشیجا) - ۱۹۶
- علی [سید ...] [دخترزاده کارگیا سید محمد  
بن سید علی کیا] - ۳۱۷
- علی غزنوی [سید ...] - ۴۷۶

علی کیا [ سید . . . ] بن سید ناصر کیای  
کوچسفانی (والی کوچسفان، پدرش از  
سادات تنکابن است) ۷۲-۷۴-۷۵-  
. ۸۵

علی کیا [سید ...] (پدرش حاکم لاهجان  
بوده است)- ۹۶- ۲۰۳- ۲۲۵ .  
علی کیا [سید ...] بن سید رکابزن کیا بن  
امیر سید محمد - ۱۸۹ .

علی کیا [سید ...] (عم سید ناصر کیا بن امیر  
سید محمد) - ۱۸۸ .  
علی کیا [سید ...] ( نایب کار گیا امیر  
سید احمد)- ۲۰۳- ۲۰۴- ۲۰۸- ۲۲۴-  
- ۲۲۵- ۲۳۰- ۲۳۱- ۲۳۷- ۲۵۱-  
. ۲۵۶

عمارات امیران ناصروند - ۱۴۰ .  
عمارت امیره رستم وفرزندانش در گوراب  
کوهدم - ۳۸۱ .  
عمارت دیلمان ( ساخته سلطان علی میرزا)  
. ۴۲۸

عمر بیگ چاکرلو - ۴۳۶ .

عنصری - ۴۱۷ .

غ

غرغره - ۳۸۰ .

علی قاضی [خواجه شیخ ...] (از بزرگان  
بیه پس) - ۳۲۸ .

علی [کار گیا سید ...] بن سید احمد کیا  
(معروف به سید علی پاشیجائی) ۱۹۳-  
- ۱۹۴- ۱۹۵- ۱۹۶- ۲۰۰- ۲۰۹-  
- ۲۲۲- ۲۳۰ .

علی کرفستانی [فقیه ...] (از محبان سادات)  
. ۸۷- ۱۱۴

علی کیا ( از دیالمة اشکور مشرف ولایت  
گرجیان و گلیجان) ۴۴۱- ۴۴۲ .

علی کیا [سید ...] بن امیر کیای گرجیانی-  
. ۲۰۱- ۲۲۲ .

علی کیا [سید ...] بن امیر کیای ملاطی -  
- ۱۰- ۱۴- ۲۸- ۳۱- ۳۱۷ .

علی کیا [سید ...] بن سید مهدی کیا- ۸۹  
. ۱۰۹

علی کیا [ سید . . . ] بن سید ناصر کیای  
بجاده پسی (والی کوهدم معروف به علی  
کیای کوهدمی) ۵۲- ۷۸- ۷۹- ۸۰-  
. ۹۱-

علی کیا [سید ...] بن موسی الحسنی -  
- ۳۶۵- ۳۶۶- ۳۶۷- ۳۶۸- ۳۶۹-  
- ۳۷۰- ۳۷۱- ۴۰۰- ۴۰۴- ۴۰۶-  
. ۴۰۷

- فرضه تمنکا - ۴۶۵ .  
 فرضه رودسر - ۱۷۸ - ۱۸۸ - ۳۵۸ -  
 ۴۵۷ .  
 فرضه فری کنار - ۴۶۴ .  
 فرضه لنگرود - ۱۱۸ - ۱۶۳ - ۱۶۸ -  
 ۱۹۷ .  
 فرضه‌های مازندران - ۱۴۳ .  
 فرضه هوسم - ۱۴۳ .  
 فرعون بن ایملک (از قبيلة ناصرود = ملک بن  
 فرعون) - ۷۶-۸۷ .  
 فریدون [کیا . . .] بن کیا مسعود کیا -  
 ۴۷۱ .  
 فریدون [ملک . . .] بن ملک بیستون -  
 ۳۱۴ .  
 فری کنار [فرضه . . .] - ۴۶۴ .  
 فضل (کودکی لاهیجی) - ۱۱۳ .  
 فکی کول - ۴۱ .  
 فلك الدين دبلمی (سپهسالار لمرسر) - ۲۵۸ -  
 ۲۶۰-۲۷۸ .  
 فلك الدين رشتی تجاسپی [امیره . . .] (از  
 امیران تجاسپی رشت) - ۴۷ - ۴۸ - ۴۹ .  
 ۷۰-۹۸-۹۹-۱۰۰-۱۰۱-۳۴۷ -  
 ۳۴۸ . فوت - ۳۶۱ - ۳۶۲ - ۳۶۳ -  
 ۳۶۶ .

- فضنفر هزار جریبی [امیر . . .] (والی هزار  
 جریب) - ۴۶۴ .  
 غیاث‌الدین [سید . . .] نبیره سید تاج‌الدین  
 حسینی هارونی - ۱۹۰-۱۹۱ .  
 غیاث‌الدین عبدالوهاب مازندرانی [سید . . .]  
 ۳۳۶ .  
 غیاث‌الدین متطبب [مولانا . . .] - ۲۶۴ -

## ف

- فارس - ۲۷۶-۳۵۳ .  
 فتح‌الله [قاضی . . .] - ۳۶۶ - ۳۶۹ - ۳۷۴ .  
 ۳۷۵ .  
 فخرالدوله [ملک . . .] بن ملک اسکندر بن  
 ملک بیستون - ۳۲۵-۳۶۰ .  
 فرخ‌زاد بن جلال‌الدین محمد (حاکم خمam)  
 ۴۷- .  
 فرخ‌زاد بن دباچ [سپهسالار رانکو و اشکور]  
 ۲۸۹ - ۲۹۸ - ۳۰۴ - ۳۰۶ - ۳۰۹ -  
 ۳۴۴ - ۳۴۵ - ۳۴۶ .  
 فرخ‌زاد (یکی از متعینان در گاه سلطمان  
 علی میرزا) - ۴۲۹ .  
 فردوسی [حکیم . . .] - ۳۵۵ - ۴۲۸ .  
 فرسیک (بر سر راه لوسن به رحمت آباد) -  
 ۴۳۵ .

امیر سید محمد کیا۔ ۱۸۹۔  
 قاسم کیا [سید ...] بن سید علی کیا (والی  
 کوچسنان) ۷۶-۷۸۔  
 قاضی کلایہ لیل۔ ۴۱۸۔  
 قباد طارمی (والی و داروغہ طارم)۔ ۵۰-  
 ۵۱-۵۲۔  
 قبیچاق [سرحد ...]۔ ۶۹۔  
 قراباغ [راہ ...] ۳۳۵۔ بیلاق۔ ۳۳۵۔  
 قزاوہ (ساکنان قزوین) ۳۲۹-۳۳۶-  
 ۳۴۲۰۔  
 قزوین۔ ۶۸-۷۰-۷۶-۷۷-۷۸-۱۳۴-  
 ۲۴۶-۲۵۸-۲۵۹-۳۳۰-۳۳۱-  
 ۳۳۲-۳۳۳-۳۳۴-۳۳۵-۳۳۶-  
 ۳۳۷-۳۳۸-۳۴۱-۳۴۲-۳۴۳-  
 ۴۲۰-۴۲۱-۴۶۷۔ اہالی، اہل-  
 ۲۵۹-۳۳۰۔ بازار۔ ۲۵۹۔ باغات  
 ۲۵۸۔ باغستان۔ ۳۳۱۔ بزرگان۔ ۳۲۹  
 داروغگی۔ ۷۰-۳۳۲۔ داروغہ۔ ۷۷  
 سادات۔ ۲۵۹-۳۳۷۔ سرحد۔ ۲۵۸-  
 ۴۶۸۔ مال، مالہ۔ ۳۳۸-۳۴۲۔  
 مسجد جامع۔ ۲۵۹۔ مشایخ۔ ۴۷۴۔  
 ولایت۔ ۶۹-۴۶۶۔  
 قشلاق دیالہ = قشلاق دیلمان۔ ۱۳۲۔  
 قشلاق دیلمان = قشلاق دیالہ۔ ۴۲۶۔

فومن (تخت بیہ پس)۔ ۲۶-۴۱-۸۱-۸۲  
 ۸۳-۸۴-۸۹-۹۱-۹۲-۹۷-۹۸  
 ۹۹-۱۰۰-۱۰۱-۱۶۳-۲۰۷-  
 ۲۱۶-۲۱۹-۲۲۱-۲۵۵-۲۷۵-  
 ۲۸۷-۲۸۸-۲۸۹-۲۹۲-۲۹۳-  
 ۲۹۷-۳۰۰-۳۴۷-۳۴۸-۳۵۷-  
 ۳۶۵-۳۶۷-۳۶۸-۳۷۲-۳۷۶-  
 ۴۰۰-۴۰۱-۴۳۲-۴۴۰۔ ارکان  
 دولت۔ ۳۶۸-۴۰۴-۴۷۵۔ اصحاب  
 ۴۰۱-اکابر و اشراف۔ ۹۰-اعیان-  
 ۹۸۔ امیرہ۔ ۴۱۔ تخت۔ ۹۸-۲۸۹-  
 ۲۹۲-۳۶۸-۴۰۰۔ حکومت۔ ۲۵۵  
 ۳۶۸۔ سپہبد سپہ سالار سپہ سالاران-  
 ۱۶۳-۳۸۰-۴۰۵۔ سرحد۔ ۸۳-  
 ۲۹۲۔ سلطنت۔ ۲۷۰-۳۸۵۔ لشکر-  
 ۷۸-۱۶۳-۱۶۴-۱۶۹-۲۹۹-۳۴۷-  
 ۳۷۱-۳۸۰-۴۰۴۔ مردم۔ ۳۷۲۔  
 مملکت۔ ۳۷۵۔ ملک (بہض میم)۔ ۹۹۔  
 ولایت۔ ۲۸۸۔  
 فیروز کوه۔ ۲۸۴۔ داروغہ و حاکم۔ ۴۶۶۔  
 قیلقوس۔ ۳۶۳۔

ق

قاسم کیا [سید ...] بن سید رکابزن کیا بن

- قصران [قلعہ ...] ۱۴۷ - .  
 قصر رانکو - ۱۴۰ .  
 قصر زرنکار لاهجان - ۲۶۴ .  
 قصر سردا بہر گرجیان - ۴۵۴ .  
 قصر سام - ۲۶۳ .  
 قصر کنار گوارود - ۱۴۴ .  
 قصر ہشتپر لمسر - ۳۸۴ .  
 قلاع کوهستان رستمدار - ۱۵۷ .  
 قلعہ اسپ روز - ۳۰۳ - ۳۲۱ .  
 قلعہ الموت - ۱۲۳ - ۱۲۴ - ۶۳ - ۶۴ - ۸۹ .  
 - ۱۷۶ - ۱۸۳ - ۲۰۰ - ۲۳۳ .  
 قلعہ امامہ - ۱۵۷ .  
 قلعہ اندچین (قلعہ اندیچین) - ۲۵۰ . وصف  
 قلعہ - ۲۶۰ - ۳۳۸ - ۳۳۹ .  
 قلعہ براز - ۳۱۴ .  
 قلعہ پالیسن طالقان = قلعہ فالینس طالقان  
 - ۲۴۱ - ۴۵۳ .  
 قلعہ دزبن لاهجان - ۲۲۷ .  
 قلعہ سپاہی تل دشت - ۱۰۶ .  
 قلعہ شمیران ری - ۱۴۷ - ۱۵۷ .  
 قلعہ شمیران = قلعہ شمع ایران - ۲۵۱ .  
 قلعہ شمع ایران = قلعہ شمیران - ۵۰ - ۵۲ .  
 - ۲۶۱ - ۳۵۷ .  
 قلعہ طارم - ۷۸ - ۳۳۸ - ۳۴۱ - ۳۴۶ .
- قلعہ فالینس طالقان - ۱۵۷ - ۱۶۰ - ۱۸۸ -  
 ۲۷۷ .  
 قلعہ قصران - ۱۴۷ .  
 قلعہ کجور - ۳۰۳ - ۳۰۴ - ۳۱۰ - ۳۱۴ .  
 قلعہ کوهدم - ۷۹ - ۸۰ .  
 قلعہ کریمان سر - ۳۰ - ۳۱ - ۳۲ - ۴۵ -  
 ۱۰۴ .  
 قلعہ گل خندان - ۲۸۳ - ۲۸۴ .  
 قلعہ لمسر - ۶۳ - ۶۵ - ۶۶ - ۸۹ -  
 ۱۵۹ - ۱۷۶ - ۱۸۳ - ۱۸۸ - ۲۴۷ .  
 - ۲۴۸ - ۲۴۹ - ۲۵۶ - ۳۴۲ - ۳۴۴ -  
 ۴۷۴ .  
 قلعہ لورا - ۱۵۷ - ۳۲۷ .  
 قلعہ لوندر - ۲۸۳ .  
 قلعہ نور - ۱۵۸ - ۲۷۸ - ۲۸۱ - ۲۸۴ -  
 - ۳۰۵ - ۳۰۶ - ۳۱۵ - ۳۲۱ - ۳۲۴ .  
 قلعہ ہراو (تخت خلخال است) - ۳۵۶ .  
 قم - ۱۴۸ - ۲۴۶ - ۲۵۱ . لشکر -  
 ۱۴۹ .  
 قوام الدین مرعشی [سید ...] - ۱۶ - ۱۸ -  
 - ۲۹ - ۳۲ - ۳۹ - ۲۳۷ .  
 قوام الدین بن میر محمد ساری - ۴۶۳ .  
 قوشچیان گیلان - ۲۷۱ .

- ۳۵۴ .

کجور - ۱۵۶ - ۲۷۹ - ۲۸۰ - ۲۸۱

- ۲۸۴ - ۲۸۵ - ۲۸۶ - ۳۰۱ - ۳۰۴

- ۳۰۵ - ۳۱۰ - ۳۱۴ - ۳۱۵ - ۳۲۱

- ۳۰۳ - ۳۲۵ - ۳۶۰ . قلعه

. ۳۰۴ - ۳۱۰ - ۳۱۴ .

کچه‌رستاق (از نواحی رستم‌دار) - ۱۵۴

- ۱۵۵ .

کچه روی سررستم‌دار - ۴۶۲ - ۴۶۵ .

کر (بضم کاف) ۳۳۵ . پل - ۳۳۵ .

کرام (از قبایل ساکن لیل که به قول سید

ظهیرالدین اصل ایشان عرب است) -

. ۱۱۷

کران سرا (موضعی بیلاقی) - ۳۷۵ .

کرخی - ۳۸۰ .

کژین (از دهکده‌های سیاه کله رود)

. ۴۵۷ - ۴۵۸

کژین رود سیاهکله‌رود - ۴۶۵ .

کسری (شاید : انوشیروان عادل) -

. ۲۰۸

کشر (موضعی از ولایت دیلمان که مرکز

اسماعیلیان بوده است) - ۱۳۶ - ۱۳۷ .

کشر (موضعی در کنار سفید رود) - ۳۷۲ .

کشینه چاک (کشاکش امروزی) - ۴۱۳ .

ک

کاس سعید (به کسر سین) ۳۶۱ - ۳۶۲ .

کاشکو - ۱۳۳ .

کاکوان (یکی از طوایف ساکن تنکابن)

- ۳۰

کالجار [کیا... ] (از دیالمة جیرولایت

سپه سالار اشکور) ۱۵۸ - ۱۸۳ .

کالجار بین (قله کوهی مشجر در کوهدم)

- ۳۴۵ .

کامیاروند (قبیله‌ای بزرگ از دیالمة) -

. ۱۳۰

کاوس [ملک... ] بن ملک کیومرس بن

بیستون - ۱۵۰ - ۲۷۵ - ۲۷۶ - ۲۷۷

- ۲۷۸ - ۲۷۹ - ۲۸۱ - ۲۸۲ - ۲۸۳

- ۲۸۴ - ۲۹۶ - ۲۹۷ - ۳۰۱ -

۳۰۲ - ۳۰۳ - ۳۰۴ - ۳۰۵ - ۳۰۶

- ۳۰۹ - ۳۱۰ - ۳۱۱ - ۳۱۴ -

۳۱۵ - ۳۱۹ - ۳۲۱ . فوت - ۳۲۳ -

۳۲۴ - ۳۲۵ - ۳۶۲ . اولاد - ۳۲۴

باغ - ۳۰۷ . فرزندان - ۳۲۴ .

کاوس [تائب... ] (به کسر باء ، از تائبان

سید علی کیا) ۱۷ - ۳۴ - ۳۵ - ۴۰ .

کتیک داربنه (از دهکده‌های طالش نشین)

کمال‌الدین [سید ...] [بن‌سید نصیرالدین  
و برادر سید ظهیرالدین مؤلف کتاب]  
۳۱۴-۳۱۵ .

کمال‌الدین [سید ...] بن سید قوام‌الدین  
حاکم‌ساری ۱۶- ۲۹- ۲۴۶ .

کمال‌کلاته (ازدهکده‌های ناحیه ناتل‌موطن  
کیایان شیرامه) - ۳۰۳ .

کمر (بضم کاف ومیم، ازدهکده‌های کمررود  
نور) - ۲۸۱ .

کن (بفتح کاف) - ۶۴ .  
کندسر (بفتح کاف و کسر دال، ازدهکده‌های

دیلمان) ۱۷۰- ۱۷۴ .

کندلوس = بژم کندلوس .

کنسان‌بند [راه ...] - ۳۰۱ .

کنگل آب‌رجه (کوهی میان کجور و رودبار  
علیای نور) - ۲۸۵ .

کوتمک = کوه‌دمک (ازدهکده‌های نزدیک  
ملاط) ۱۰۳ .

کوچستان بیه‌پس ۳۲- ۴۷- ۴۸- ۷۲-

۷۴- ۷۵- ۷۶- ۷۸- ۸۱- ۸۳- ۸۷-

۱۰۰- ۱۰۱- ۱۰۴- ۱۲۷- ۱۲۹-

۱۶۸- ۲۰۸- ۲۱۲- ۲۱۳- ۲۱۹-

۲۲۰- ۲۹۰- ۲۹۱- ۲۹۳- ۲۹۵-

۲۹۸- ۳۰۰- ۳۴۷- ۳۶۹- ۳۷۰-

کعبه = بیت‌الحرام ۱۹- ۱۰۰ .

کلارستاق - ۱۵- ۱۶- ۲۷۹- ۳۱۰-

۳۱۱- ۳۱۴- ۳۲۱- ۳۶۰- ۴۶۶-

۴۶۸ . راه- ۲۹۷ . سرداب‌رود- ۴۶۱ .

ملوک- ۳۱۰- ۴۴۲ . ناحیه- ۱۵۵ .

والی- ۴۶۶ . ولایت- ۱۲۳- ۴۶۸ .

کلاشم = کلیشم (در کوهستان تنکا بن) (بر

سراه میان جورسی و کلارستاق که

تخت بیلاقی یحیی کیای تنکا بنی بوده

است) - ۳۲۱ .

کلور ( بضم کاف ، از دهکده‌های شاهرود

خلخال) - ۳۵۷ .

کله‌دره [قریه ...] (بفتح کاف و دال) -

۱۴۴ .

کلیشم (بکسر کاف، دهکده‌ای از دیلمان)

۶۷-

کلیشم (در کوهستان تنکا بن) ۴۴۷- ۴۴۸-

۴۵۰- ۴۵۲ . قریه- ۴۴۷ .

کلینادان گوکه ( بکسر کاف ، دهکده‌ای

بر سر راه لاهجان به دیلمان) ۴۳۲-

۴۴۶ .

کماچال (دهکده‌ای بر سمت چپ سفیدرود،

از دهکده‌های بزرگ گوکه) ۴۴- ۱۲۰-

۱۹۴- ۱۹۵ .

- ۳۴۸-۳۴۷-۳۴۴-۲۹۲-۲۰۷-  
 - ۳۶۷ - ۳۵۲ - ۳۵۱ - ۳۵۰ -  
 ۴۳۳- ۳۸۵- ۳۷۴- ۳۷۳- ۳۷۲  
 ۴۳۵- ۳۸۲- ایالت- تخریب  
 ۳۷۹- جنگل- ۳۴۷- جنگلهای  
 کوه- ۳۸۰- حاکم- ۲۹۲- راه  
 - ۴۰۴- ریاست- ۳۵۰- سامان  
 - ۴۳۶- سرحد- ۳۴۴- ۳۴۸-  
 ۳۶۸- سروان (بفتح سین و راء)-  
 ۴۱۱- طولش- ۴۰۵- قلعه- ۷۹  
 - ۸۰- کوهستان- کوههای- ۱۹۲  
 - ۳۷۹- گوراب- ۴۹- ۱۹۲-  
 - ۳۴۵- ۳۸۱- گیلان- ۴۳۵-  
 ۴۳۷- لشکر- ۲۶- ۳۷۱- محاربه  
 - ۸۹- ۹۱- مردم- ۴۹- ۳۴۷-  
 ۳۴۸- ۴۱۰- مردم ولایت- ۴۳۶-  
 مقیدان- ۳۸۳- مملکت- ۳۵۰- والی  
 - ۲۹۲- ولایت- ۱۲۹- ۱۳۱-  
 ۱۷۶- ۳۴۶- ۴۰۶- ۴۳۶-  
 کوه تنهچ (در تنهجان) - ۴۴۵-  
 کوه جشیجان (از ناحیه کوهستان طولش  
 کوهدم) - ۴۰۵-  
 کوه دمک = کوتمک (دهکدهای نزدیک  
 ملاط) - ۱۶۶-
- ۳۷۱- ۳۷۲- ۳۷۴- ۳۹۱- ۴۰۳-  
 ۴۰۴- ۴۷۵- اهالی ملک- ۴۶- بقعه-  
 ۴۰۰- حکومت- ۴۰۸- ۴۰۹- راه-  
 ۷۴- ۲۹۱- سامان- ۲۱۴- سپهبد-  
 ۴۳۶- گوراب- ۲۹۱- لشکر- ۷۱-  
 محاربه- ۳۷۳- ۳۸۱- مردم- ۷۶-  
 مملکت- ۴۶- میدان- ۳۷۳- والی-  
 ۴۷- ۷۸- وجه تسمیه- ۴۷- ولایت-  
 ۴۱۶-  
 کورشیدرستاق- ۳۰۱-  
 کورکه (دهکدهای بر کنار آب سفیدرود)-  
 ۲۱۹- ۲۹۵-  
 کوشیج (طایفه ای که در دیلمان و خرگام  
 حکومت داشته اند) ۶۸- ۶۹- ۷۰-  
 ۱۱۹- ۱۲۶- امرای- ۸۹-  
 ۱۳۵-  
 کوشیجان (از نواحی دیلمستان) - ۱۸۸-  
 جماعت- ۱۲۹- مردم- ۵۴-  
 کوله بهادر ناصرود (همشیره امیر محمد  
 رشتی را به زنی داشت) ۸۲- ۸۷-  
 ۸۹- ۹۵- ۱۰۱- دختران- ۱۷۶-  
 کوهدم (= کهدم) - ۲۷- ۴۴- ۵۰-  
 ۵۲- ۷۴- ۷۸- ۷۹- ۸۴-  
 ۱۰۰- ۱۰۱- ۱۱۶- ۱۶۹- ۱۷۷- ۱۹۲-



عسا کر لشکر-۶۷-۱۵۷-۱۷۰-۳۰۴

-۴۰۳-۴۶۶ .

کوه‌هماون - ۳۵۵ .

کیا پرد (بضم پ ، پلی برودخانه پلورود)

. ۴۷۳

کیا جلال مازندرانى = جلال مازندرانى

[کیا ...] کیا جو - ۷۳ .

کیا رمش [قریه ...] (به سکون راء و کسر

میم) - ۴۷۲ .

کیاسه (بر سر راه لوسن به چاکرود) - ۴۴۱ .

کیا کلایه (از دهکده‌های ترتیه رستاق)

. ۳۰۸

کیا کلایه (از دهکده‌های کلارستاق یا کجور)

. ۳۶۰

کیا ملک هزار اسپى اشکوری - ۵۲ - ۵۳ -

-۵۴ - ۵۵ - ۵۶ - ۵۸ - ۵۹ - ۶۰ - ۶۱ -

۶۲ - ۶۴ - ۶۵ - ۸۹ - ۹۵ - ۱۰۳ - ۱۲۱ -

-۱۲۲ - ۲۳۲ .

کیاوا (از دهکده‌های رحمت آباد) - ۴۲۵ -

. ۴۳۵ . پشتۀ - ۴۳۷ - ۴۳۸ .

کیا هزار اسپ = هزار اسپ [کیا ...]

کیا همایون شاه = همایون شاه [کیا ...]

کیایان جلال (فرزندان جلال ارزق که در

کوه‌دمیان - ۲۹۲ .

کوه دوهزار - ۴۴۷ .

کوه ریگ - ۳۵۵ .

کوهستان دیالمه - ۲۱۳ .

کوهستان رستمدار - ۱۵۷ .

کوهستان طبرستان = کوهستان مازندران

- ۳۵۹ .

کوهستان کوه‌دم - ۳۷۹ .

کوهستان طوالش = کوه طوالش - ۲۱۳ -

. ۳۶۸ - ۳۷۲ .

کوهستان طوالش کوه‌دم - ۴۰۵ .

کوهستان مازندران = کوهستان طبرستان

- ۱۶ .

کوه طوالش = کوهستان طوالش - ۴۰۵ .

کوه طوالش شفت - ۴۰۴ .

کوه کونه (دهکده‌ای در حوالی رحمت آباد)

. ۳۴۴ - ۳۴۵ - ۴۴۰ . مردم - ۴۳۶ .

ناحیه - ۳۴۵ .

کوه گرجی (در گرجیان) - ۴۴۵ .

کوه گیلان - ۲۴۹ .

کوه موسله - ۳۷۲ .

کوه و گیلان - ۲۰۷ - ۲۲۵ . اشجار - ۲۷۲ .

توابع - ۲۰۲ . سپهسالاران - ۳۷۲ .

سرحد - ۵۳ . طرق‌های - ۲۳۴ .

اطفال- ۱۵۹. متعلقان- ۱۵۸. نوکران  
- ۱۵۷.

کیومرس [ملك...] بن ملك مظفر- ۳۱۱-  
۳۱۲.

## فی

گاو باره (سلسله ای که در کلارستاق و نور و  
کجور حکمروا بوده اند)- ۱۲۳.

کاورد [لشکر...]- ۲۴۶.

گاوزنه کلایه [قریه...]- ۴۶۵.

گرچی (طایفه ساکن در گرچیان)- ۱۳۱-  
۲۸۳. عساکر- ۴۶۵. مردم- ۱۳۷.

ولایت- ۲۹۴.

گرچیان- ۱۳۴- ۱۳۷- ۱۳۹- ۲۰۰-

۲۳۵- ۲۳۶- ۲۹۴- ۴۱۹- ۴۲۴-

۴۴۶- ۴۵۳- ۴۵۴- ۴۵۵- ۴۶۸.

امیران- ۳۰- ۱۳۷. تخت- ۴۲۴. دیالمه

- ۱۳۰. ریاست- ۴۲۴. سادات- ۱۴۸.

شیره و دسر- ۴۶۱. عساکر- ۴۶۶. فرضه

شیره روی- ۲۴۵. قصر سردابه سر- ۴۵۴.

گوراب- ۳۸۱. لشکر- ۲۳۶- ۳۰۱-

۴۶۵. مردم- ۱۳۴- ۱۳۸- ۲۳۶-

۲۹۱. ملك (بضم میم) ۲۱۱. ولایت-

مازندران حاکم بوده اند)- ۱۶۳.  
کیایان شیرامه (مرکزشان کمال کلاته نائل

است)- ۳۰۳.

کیایان کوشیج (خاندان امیران دیلمان)-  
۱۶۹- ۱۷۱.

کیایان هزار اسپه ۶۶- ۱۲۱- ۱۳۲.

کیخسرو [ملك...] بن ملك بیستون بن  
ملك اویس، از نبیره زاده های ملك جلال  
الدوله (؟) اسکندر- ۳۱۰- ۳۱۱.

کیخسرو [ملك...] بن ملك کاوس بن ملك  
کیومرس- ۳۱۵- ۳۲۶.

کیسم (بضم سین) ۴۶- ۷۳- ۸۷- ۹۶- ۹۹-  
۱۰۲- ۲۰۶- ۲۰۷- ۲۱۰- ۲۱۳-

۲۲۱- ۲۲۲- ۴۵۴- ۴۷۶- ۴۷۷.

حاکم- ۴۷۷. راه- ۴۶. حکومت-

۲۶. گذر- ۴۰۳. لشکر- ۴۳۵. مملکت

- ۴۴. والی- ۹۹. ولایت- ۱۰۲- ۲۱۳-

- ۲۹۰. هشتپور- ۴۷۷.

کیش سنگ (محلّی نزدیک سطل اکتھ)- ۱۶۷.

کیشمک! میر علی دیلمی- ۱۳۷- ۱۶۶.

کیومرس [ملك...] بن بیستون (امیر  
رستم دار)- ۱۲۳- ۱۴۷- ۱۴۸- ۱۴۹-

- ۱۵۰- ۱۵۵- ۱۵۶- ۱۶۰- ۲۴۱-

- ۲۷۵- ۲۷۶- ۲۷۸- ۲۸۱. عیال و

- گوراب ( مرکز و میدان و محل اجتماع  
 اهالی‌ده وشهر) ۱۴۱-۱۴۲ .  
 گوراب الموت- ۳۸۱ .  
 گوراب بالای رانکو- ۱۴۰ .  
 گوراب پاشیجا- ۹۶ .  
 گوراب تنکابن- ۳۸۱-۴۶۸ .  
 گوراب دزدبن- ۱۶۷ .  
 گوراب دیلمان- ۲۴۷ .  
 گوراب رانکو- ۱۸۰-۳۸۱ .  
 گوراب رشت- ۲۵۴ .  
 گوراب رودسر- ۲۲۷ .  
 گوراب سختر- ۳۸۱ .  
 گوراب سفلاي رانکو- ۱۴۰-۲۳۹-  
 ۲۴۰-۲۸۹ .  
 گوراب شفت- ۴۰۴ .  
 گوراب شکور- ۳۸۱ .  
 گوراب طالقان- ۳۸۱ .  
 گوراب کوچسغان- ۲۹۱ .  
 گوراب کوهدم- ۴۹-۱۹۲ .  
 گوراب گرگیان- ۳۸۱ .  
 گوراب گسکر- ۹۷ .  
 گوراب گوکه- ۴۲۵ .  
 گوراب لاهجان- ۱۶۷-۱۷۳-۲۵۶-  
 ۲۹۰ .
- ۱۳۴-۲۴۱-۴۲۴-۴۴۱-۴۵۴ .  
 گرزمان سر [قلعه ...] ۳۰-۳۱-۳۲-  
 ۴۵-۱۰۴ . موضع- ۳۰ . محاربه  
 ۱۱۹-  
 گرمه‌رود سختر (تخت‌حاکم‌تنکابن) ۱۷-  
 ۱۸-۱۹-۲۰-۲۱-۲۷ .  
 گزارود ( بفتح کاف ، امروز گزارود به  
 سکون واو و گزارف‌رود گویند) ۹۴ .  
 ولایت- ۱۰۶ .  
 گستهه [ملك ...] بن ملك اویس- ۳۶۰ .  
 گسکر- ۹۷-۳۵۴-۴۳۰-۴۳۱ .  
 بزرگان- ۳۹۹-راه-۲۹۷-طرفداران-  
 ۴۰۰ . گوراب- ۹۷ . لشکر- ۷۸ .  
 ملك (بضم میم)- ۴۳۱ . واقعه- ۹۹ .  
 والیان- ۴۳۰ .  
 گلیج (طایفه ساکن گلیجان)- ۱۳۱-۱۳۷-  
 ولایت- ۲۹۴ .  
 گلیجان- ۱۳۴-۱۳۹-۲۹۴-۴۵۳ .  
 دیالمة- ۱۳۰ . دیمرون- ۴۴۸ . مردم-  
 ۲۳۴ . ملك (بضم میم)- ۲۱۱ . ولایت-  
 ۱۳۴-۲۴۱-۴۴۱ .  
 گزارود- ۱۴۴ . رودخانه- ۱۴۳-۱۴۴-  
 ۲۴۱-۲۴۴ . قصر کنار- ۱۴۴ . مسجد  
 جامع کنار- ۱۴۴ .

۱۲۸-۲۴۸ . سرداران-۱۲۸. سوار-  
 ۱۵۸. شجاعان-۱۳۳. عساکر-۱۲۷-  
 ۱۵۵-۱۵۶-۲۲۱-۲۴۰-۲۴۵-  
 ۲۸۶-۳۳۲-۳۴۴-۴۳۱-۴۳۸ .  
 کبرای-۲۱۶ . گوان-۳۰۹. لشکر-  
 ۸۱-۱۲۷-۱۴۸-۲۳۶-۲۳۸-  
 ۲۳۹-۲۵۸-۲۶۰-۲۷۵-۲۸۹-  
 ۲۹۶-۲۹۸-۳۱۱-۳۴۸-۳۵۲-  
 ۳۵۳-۳۷۰-۳۷۲-۴۰۳ . مردم-  
 ۶۸-۸۹-۱۳۲-۱۳۴-۲۲۳-۳۰۶ .  
 ممالک-۶۳-۸۶ . والی-۱۳. ولایت-  
 ۴۱۸ .  
 گیلانکجان [مسجد ...] -۳۷ .  
 گیلان-۵۹-۶۰-۱۰۴-۱۲۱-۱۳۰-  
 ۱۳۲-۱۳۷-۱۴۷-۱۴۸-۱۴۹-  
 ۱۵۱-۱۵۴-۱۶۳-۱۷۹-۱۸۳-  
 ۱۸۴-۲۰۳-۲۱۳-۲۱۴-۲۱۹-  
 ۲۳۰-۲۳۲-۲۳۵-۲۳۷-۲۴۷-  
 ۲۵۲-۲۷۹-۲۸۴-۳۰۳-۳۱۰-  
 ۳۳۷-۳۵۸-۳۷۹-۴۲۱-۴۴۰-  
 ۴۵۷-۴۶۴-۴۶۶ . بلاد-۱۱۳ .  
 بهادران-۸۰ . حدود و رسوم-۱۰-  
 ۱۳ . حکام و سلاطین-۱۰-۱۳ . حکومت  
 ۲۸- رانکوی-۴۰۳ . راه-۳۱۰-

گوراب لمسر-۳۸۱ .  
 گوراب نو-۱۷۴ .  
 گوراب نورانکو-۱۴۱ .  
 گوران دشت-۲۶۰ .  
 گوکه-۴۲-۷۹-۸۷-۹۶-۱۰۲-  
 ۱۰۴-۱۱۹-۱۲۰-۱۲۷-۱۷۲-  
 ۱۷۳-۱۷۷-۲۰۵-۲۰۷-۲۱۲-  
 ۲۱۳-۲۱۴-۲۲۱-۲۲۲-۲۴۶-  
 ۴۵۴ . اسواران-۸۰- ایالت-۲۵۴ .  
 حاکم-۴۷۷ . حکومت-۲۸۶. سرحد-  
 ۲۱۲- گوراب-۴۲۵. گیلان-۲۰۶-  
 لشکر-۱۲۸-۱۹۲-۲۰۶-۲۶۱-  
 ۴۳۵ . مردم-۱۹۲ . مملکت-۴۴ .  
 ولایت-۴۴۰ .  
 گوله رودبار-۲۶ .  
 گیشبر احمد = احمد [گیشبر ...]  
 گیل = جیل-۸-۱۰-۱۲-۵۹-۷۳-۱۲۷-  
 ۱۲۸-۱۲۹-۱۳۱-۱۴۵-۱۵۳-۱۵۴-  
 ۲۱۵-۲۲۴-۲۵۰-۲۵۷-۲۶۶-  
 ۲۶۷-۲۷۰-۲۷۶-۲۷۷-۲۸۳-  
 ۲۹۲-۳۱۸-۳۵۸-۴۳۶ . برنجار-  
 ۲۱۳ . بزرگان-۳۹۸ . پیاده-۱۵۰-  
 ۱۵۸ . تیرافکنان-۱۲۹ . حکام-۹-  
 ۲۱۴ . دیار-۶۴ . سپه سالاران-

- لاویج [ راه ... ] ۳۰۸ . قریه - ۳۰۸ .  
 ناحیه - ۳۰۲ .
- لاهیجان (تخت روپیش کیلان) - ۱۰ - ۲۲ -  
 ۲۴ - ۲۵ - ۲۶ - ۲۷ - ۲۸ - ۳۵ - ۴۱ -  
 ۴۹ - ۵۰ - ۵۱ - ۵۴ - ۵۶ - ۶۱ - ۶۲ -  
 ۶۳ - ۶۶ - ۶۸ - ۷۲ - ۷۳ - ۷۴ - ۷۶ -  
 ۷۸ - ۸۷ - ۸۹ - ۹۰ - ۹۱ - ۹۵ - ۹۶ -  
 ۹۹ - ۱۰۰ - ۱۰۱ - ۱۰۳ - ۱۰۴ -  
 ۱۰۵ - ۱۰۷ - ۱۰۸ - ۱۱۰ - ۱۱۳ -  
 ۱۱۴ - ۱۱۵ - ۱۱۶ - ۱۱۷ - ۱۱۸ -  
 ۱۱۹ - ۱۳۵ - ۱۴۷ - ۱۶۹ - ۱۷۰ -  
 ۱۷۴ - ۱۷۵ - ۱۷۹ - ۱۸۱ - ۱۹۱ -  
 ۱۹۴ - ۱۹۵ - ۱۹۸ - ۱۹۹ - ۲۰۰ -  
 ۲۰۱ - ۲۰۲ - ۲۰۳ - ۲۰۵ - ۲۰۷ -  
 ۲۰۸ - ۲۰۹ - ۲۱۰ - ۲۱۱ - ۲۱۲ -  
 ۲۱۳ - ۲۱۴ - ۲۱۷ - ۲۲۰ - ۲۲۱ -  
 ۲۲۶ - ۲۲۷ - ۲۲۹ - ۲۳۰ - ۲۳۱ -  
 ۲۳۳ - ۲۳۵ - ۲۴۰ - ۲۴۱ - ۲۴۳ -  
 ۲۴۶ - ۲۴۹ - ۲۵۰ - ۲۵۳ - ۲۵۷ -  
 ۲۶۳ - ۲۷۳ - ۲۹۴ - ۲۹۵ - ۲۹۸ -  
 ۳۰۰ - ۳۴۸ - ۳۶۱ - ۳۶۲ - ۳۶۴ -  
 ۳۶۹ - ۳۷۰ - ۳۷۲ - ۳۷۴ - ۴۲۲ -  
 ۴۲۳ - ۴۲۶ - ۴۳۱ - ۴۳۲ - ۴۴۰ -  
 ۴۴۲ - ۴۵۴ - ۴۵۶ - ۴۵۷ - ۴۷۰
- روپس - ۲۷۵ . روپیش - ۱۰ - ۴۱ -  
 ۴۵ - ۷۹ - ۲۱۵ - ۲۱۹ - ۲۷۵ . سادات  
 - ۱۲۰ . سپهسالار - ۲۳۴ - ۲۳۶ . سلاطین  
 - ۲۳۹ . شاه - ۱۵۳ . عساکر، لشکر -  
 متجنده - ۵۵ - ۵۸ - ۵۹ - ۱۳۶ - ۱۴۷ -  
 ۱۵۰ - ۲۷۸ - ۲۷۹ - ۳۱۰ - ۳۱۲ -  
 ۳۵۷ - ۴۱۱ - ۴۳۵ . عمارات - ۱۴۴ .  
 مردم - ۱۳۱ . ممالک - ۳۲ - ۳۹ -  
 ۳۶۶ . هوای - ۱۷۹ - ۱۸۳ .  
 کیلان کوهدم - ۴۳۵ .  
 کیلانه ریگ (دعکده‌ای از بخش خواجه  
 کری) - ۳۵۴ .  
 کیلانیان - ۳۵۷ .
- ل  
 لار - ۳۲۲ . صحرای - ۳۲۲ .  
 لار بژم (بکسرراء) = لاره بژم - ۱۳۴ -  
 ۲۵۸ - ۲۵۹ .  
 لارجان [مردم...]- [۲۸۳ . ولایت - ۲۷۸ -  
 ۲۸۳ .  
 لاشه‌ل‌زور [صحرای...]- [۲۸۱ - ۳۶۰ .  
 لاون (؟) - ۳۵۵ .  
 لاوندان سفلی (از مواضع طالقان) - ۳۲۲ .  
 النگ - ۳۵۹ .

۱۱۴ - ۱۱۵ - ۱۲۰ - ۱۹۵ - ۱۹۸  
 - ۲۰۱ - ۲۰۲ - ۲۰۸ - ۲۰۹ -  
 ۴۱۸ . ملك (بضم ميم) - ۱۶۸ . ممالك  
 - ۴۰ . نوكران - ۲۹۴ . ولايت -  
 . ۵۷ - ۲۴۱ - ۴۵۴ . هشتپر - ۱۷۴ .  
 لچه گوراب (از دهكده‌های اطراف رشت)  
 . ۳۷۳ - ۷۱ - ۸۳ - ۲۹۰ - ۲۹۱ . راه -  
 - لسبو (از دهكده‌های اشكور) ۱۳۲ -  
 . ۴۲۵ - ۴۳۳ - ۴۴۵ - ۴۵۸ .  
 لشتنشاھ (در سال ۷۸۲ داخل حكومت پاشيجا  
 بود و تخت آن ملك گوراب پاشيجا بود)  
 ۹۶ - ۹۶ - ۱۱۹ - ۱۸۱ - ۱۹۳ - ۱۹۴  
 - ۱۹۵ - ۱۹۶ - ۲۰۶ - ۲۰۷ - ۲۰۹ -  
 - ۲۱۰ - ۲۱۲ - ۲۱۷ - ۲۱۹ - ۲۲۰ -  
 . ۲۲۲ - ۲۷۳ - ۳۷۴ - ۴۵۴ - ۴۵۶ .  
 اكابر - ۲۰۰ . حاكم - ۱۹۷ . حكومت  
 - ۴۱۶ . لشكر - ۲۶۱ - ۲۹۱ - ۳۷۹ -  
 . ۴۳۵ . مبارزان - ۴۶ - متجنده - ۲۰۰ .  
 مردم - ۴۵ - ۴۶ - ۱۹۳ - ۱۹۴ - ۱۹۶  
 - ۲۰۰ - ۲۱۳ . ولايت - ۴۵ - ۱۹۳ -  
 . ۳۱۶ - ۳۷۲ .  
 لشكر گاه - ۲۶۰ .  
 لكميچان (لاكمه جان امروزی) ۹۵ .  
 لكتر [ناحيه ...] ۳۶۰ .

۴۷۶ - ۴۷۷ . اشراف - ۲۰۱ . اكابر -  
 ۲۰۱ - ۲۰۵ . اعيان - ۲۰۱ . اهالي ،  
 اهل ملك - ۱۱۵ - ۱۷۵ . بازار - ۲۶ -  
 ۹۶ . بزرگان - ۷۲ - ۱۶۴ . تخت -  
 - ۲۵ - ۴۴ - ۱۶۹ - ۲۰۱ - ۲۲۲ - ۲۹۴ -  
 . ۴۳۲ . حاصلات - ۲۰۲ . حصه - ۲۰۵ .  
 حاكم - ۱۹۶ . حكومت - ۱۱۵ - ۱۶۳ .  
 حمام سيدحسن درب - ۵۰ . خلابران -  
 - ۲۰۰ . خواجگان ، خواجه‌های - ۶۲ -  
 . ۹۵ - ۲۶۴ . دارالسلطنة - ۴۷۷ .  
 دولت - ۲۶ . ديوان - ۱۶۸ . سپهسالار  
 ۱۶۳ - ۲۰۸ - ۲۱۵ - ۳۷۲ . سرحد مملكت  
 . ۱۶۳ . سلطنت - ۱۹ - ۲۰ - ۲۲۷ .  
 شهر - ۲۶ - ۵۰ - ۲۶۴ - ۴۴۲ .  
 شهریان - ۹۶ . صلحای - ۹۵ - ۹۶ . عساكر  
 ولشكر - ۲۱ - ۴۰ - ۵۲ - ۷۱ - ۹۶ -  
 - ۱۶۳ - ۱۷۶ - ۱۹۵ - ۱۹۶ - ۲۰۸ -  
 ۲۱۲ - ۲۱۳ - ۲۴۱ - ۲۹۰ - ۳۰۱ -  
 - ۳۷۹ - ۴۳۵ - ۴۳۶ - ۴۶۵ . علمای  
 - ۹۵ . فقهای - ۹۵ - ۹۶ . قسرزنگار  
 - ۲۶۴ . قلعه دزبن - ۲۲۷ . گوراب  
 - ۱۶۷ - ۱۷۳ - ۲۵۶ - ۲۹۰ . ليل  
 - ۱۰۴ - ۱۱۵ . محاربه - ۱۹۳ .  
 مردم - ۴۶ - ۹۶ - ۱۰۴ - ۱۰۵ -

- ۱۶۸-۱۹۷ .  
 لواسان- ۲۸۳ . نواحی- ۳۲۲ .  
 لورا [قلعه ...] (جزء پشتکوه رستم‌دار)-  
 ۱۵۷-۳۲۷ .  
 لوسن ( جزء ناحیه جیرکشایه اشکور و  
 تخت این ناحیه) ۵۶-۶۲-۶۳-۱۳۲  
 ۱۳۴-۱۴۵-۱۸۸-۲۵۸-۲۷۷-  
 ۳۲۸-۳۵۴-۳۶۱-۳۶۴-۴۲۳-  
 ۴۳۳-۴۳۴-۴۳۵-۴۴۱-۴۴۵-  
 ۴۵۳-۴۷۱ . آفتاب‌رود- ۵۹ . هوای-  
 ۴۲۴ .  
 لوشان (از دهکده‌های طارم) ۲۶۰-۳۵۷ .  
 لیاما (تلطف محلی لیمه با یاء مجهول ، از  
 دهکده‌های ناحیه جیرولایت اشکور)-  
 ۲۴۷ .  
 لیل- ۱۱۶-۱۱۷-۱۸۰-۱۸۲-۴۷۷ .  
 آتش‌زدن- ۱۱۶ . قاضی کلایه- ۴۱۸ .  
 مردم- ۱۱۶ . ناحیه- ۱۰۴-۱۱۵ .  
 لیلجان (مردم وساکنان لیل)- ۱۱۶ .

## م

- مؤید بالله [کیا ابوالحسین ...] - ۲۷ .  
 مازندران - ۱۶ - ۱۷ - ۱۹ - ۲۱ - ۳۷ -  
 ۸۲-۱۴۸-۱۵۱-۱۵۳-۱۹۸-

- لمسر- ۱۲۳-۱۳۰-۱۳۶-۱۴۵-۱۴۷  
 ۲۰۵-۲۴۱-۲۴۵-۲۴۶-۲۴۷-  
 ۲۵۰-۳۸۴-۳۸۷-۳۹۱-۳۹۸ ،  
 اشراف واعیان - ۳۸۴-۳۸۶ . تخت  
 هشتر- ۳۹۱ . رودبار- ۱۲۳-۱۳۰-  
 ۱۴۵-۱۷۰-۱۷۱-۲۴۷-۲۵۸-  
 ۲۷۳-۳۲۳-۳۸۳-۳۸۴ . سپه‌سالار  
 ۲۴۵-۲۴۸-۲۵۸-۳۳۰-۳۷۲-  
 ۳۸۴ . سپه سالاری- ۳۳۶ . عساکر-  
 لشکر، منجنده- ۲۳۸-۲۴۵-۲۵۸-  
 ۲۷۸-۳۳۰-۳۳۳-۳۳۷-۳۴۶-  
 ۳۷۲-۳۷۹-۴۱۰ . قصر هشتر-  
 ۳۸۴-۳۸۶ . قلعه- ۶۳-۶۵-۱۴۶  
 ۱۵۹-۱۷۶-۱۸۳-۱۸۸-۲۴۷-  
 ۲۴۸-۲۴۹-۲۵۶-۳۴۲-۳۴۴-  
 ۴۷۴ . گوراب- ۳۸۱ . ملاحظه- ۵۸ .  
 ولایت- ۶۶-۱۷۸-۲۵۱-۲۷۸-۳۲۳-  
 ۴۷۴ .  
 لنجا (= لنگای امروزی ، از دهکده‌های  
 تنکابن) ۲۸۱-۲۹۷ .  
 لنگرود- ۱۹۷-۱۹۸-۲۳۷-۲۴۰-  
 ۴۴۳-۴۵۷ . پره‌نشینی- ۱۶۳ . راه  
 ۱۱۴-۲۱۰ . فرضه- ۱۱۸-۱۶۳-

۲۷۳-۲۷۴-۲۷۵-۲۸۷-۲۸۹-  
 ۲۹۰-۲۹۱-۲۹۲-۲۹۳-۲۹۷-  
 ۲۹۸-۲۹۹-۳۰۰-۳۴۷-۴۰۲ .  
 دختر-۳۶۴ . فرزند-۴۰۳ . والده-

. ۹۱

محمد بای سنغر [میرزا...]-۲۴۶-۲۵۱

. ۲۵۸

محمد بن تاج‌الدین دیلمی (سپه سالار ناحیه  
 اشکور بعداً سپه سالار رحمت آباد) -

۲۱۶-۳۳۲-۳۳۳-۴۳۴-۴۳۵

-۴۳۶-۴۳۹-۴۴۰-۴۷۱ .

محمد بن تاج‌الدین (سپهسالار امیر جهان  
 شایدهمان محمد بن جلال‌الدین سپهسالار

باشد) - ۲۵ .

محمد بن تاج‌الدین ( سردار قلعه شمران

ری ) ۱۵۸ .

محمد بن جلال‌الدین [ امیره ... ] ( سپه

سالار امیره جهان ) = محمد جلال

الدین سپه سالار = جلال‌الدین محمد

سپه سالار-۲۴-۴۰-۴۳ .

محمد بن کیا حسین ( سپه سالار لمسر از

جانب میرسید احمد) -۲۴۵ .

محمد تاج‌الدین برفجانی = تاج‌الدین

محمد(از تأیید سید علی کیا)-۱۷-۱۸

۲۱۸-۲۱۹-۲۲۲-۲۴۱-۲۶۹

-۲۷۹-۴۴۶-۴۵۱-۴۵۷-۴۶۰-

۴۶۱-۴۶۶ . بزرگان-۴۵۲ . حاکم

-۳۰۹ . حکومت - ۴۵۱ . سادات

-۳۶-۵۷-۱۹۰-۴۶۱ . شاه-

۱۵۳ . عساکر-۳۹-۱۵۵ . فرضه‌های

-۱۴۳ . لشکر-۳۱-۵۷-۴۵۱

-۴۵۲-۴۶۶ . مردم-۳۰-۵۷

-۴۴۴ . مملکت-۳۶-والی-۴۲۷ .

مألفجان - ۴۵۴ .

ماهین - ۲۶۰ - ۲۶۲ .

محمد آباد الموت - ۳۲۸ .

محمد علیه السلام - ۶۴ - ۶۷ .

محمد [امیره...] ناصرودین امیره پهلوان،

برادر امیره شرف‌الدوله -۱۹-۲۰ .

محمد [امیره...] بن امیره جهان بن امیره

شرف‌الدوله بن امیره پهلوان - ۲۵ .

محمد [ امیره ... ] بن امیره فلک‌الدین

تجاسبی‌دشتی (از امیران رشت) -۳۵

۴۱-۷۰-۷۱-۷۲-۷۴-۷۵-۷۶-

۷۸-۷۹-۸۰-۸۱-۸۲-۸۶-۸۷-

۹۰-۹۱-۹۷-۹۸-۹۹-۱۰۰-۱۰۱

-۱۹۷-۲۱۲-۲۱۳-۲۱۹-۲۳۷-

۲۴۱-۲۵۴-۲۵۵-۲۶۴-۲۷۰-



- محمدتجن گوکه [امیره...][پره نشین  
تجن گوکه) - ۲۹۵ .
- محمد تواجی [میرزا...]- ۳۵۳ - ۳۵۶ .
- محمد جلال الدین سپه سالار = محمد بن  
جلال الدین [ امیره ... ] ( سپه سالار  
امیره جهان )
- محمد چاکرلو - ۳۵۳ - ۳۵۶ .
- محمد سپه سالار [ حاجی ... ] ( برادر  
سیاهند بهادر سپه سالار فومن) - ۱۶۹
- ۱۷۰ .
- محمد [ خداوند ... ] ( از نبیره‌های  
علاءالدین محمد از اسماعیلیان دیلمان) -
- ۵۴ - ۵۵ - ۵۷ - ۵۸ - ۵۹ - ۶۰
- ۶۲ - ۶۳ - ۶۵ - ۱۲۳ - ۱۶۹
- ۱۷۱ - ۲۴۷ .
- محمد [خواجه حاجی... ] (نایب کارگیا  
سید احمد) ۲۰۲ .
- محمد دولش [ امیر ... ] ( سردار قلعه  
اندچین) - ۲۵۰
- محمد [ سلطان ... ] بن امیره دباچ بن  
امیره علاءالدین اسحق فومنی (داماد  
امیره فلک‌الدین رشتی) - ۹۸ - ۹۹ .
- محمد [سلطان ... ] بن کارگیا ناصر کیا بن  
امیرسید محمد (درلمسر به دنیا آمد) -
- ۱۸۸ - ۲۰۵ - ۲۲۴ - ۲۳۵ .
- محمد سیامحمد [حاجی... ] = حاجی محمد  
سپه سالار - ۱۷۰ .
- محمد [سید... ] بن سیدمرتضی ساری - ۱۵۴
- ۱۵۵ .
- محمد [سید... ] بن کارگیا سید حسین کیا  
(معروف به سیدمحمد لشتن‌شاه) - ۱۸۱ -
- ۱۹۳ - ۱۹۴ - ۱۹۵ - ۱۹۶ - ۱۹۹ -
- ۲۰۰ - ۲۲۵ - ۲۲۶ - ۲۲۷ - ۲۲۸ .
- محمد شاهی [ خواجه ... ] (از بزرگان  
قزوین) - ۳۲۹ .
- محمد شفتی [ امیره ... ] - ۷۹ .
- محمد [ کیا... ] بن حسین (سپه سالار لمسر  
و کوتوال قلعه لمسر) - ۲۴۸ .
- محمد [ کیا ... ] بن شاه ملک دیلم (= کیا  
محمد دیلمی = کیا محمد سپه سالار  
اشکور) - ۲۳۶ - ۲۴۴ - ۲۴۹ - ۲۶۰ -
- ۲۶۲ - ۳۱۱ - ۳۱۴ .
- محمد [ کیا ... ] بن نوپاشا (= محمدنو  
پاشا سپه سالار اشکور) - ۱۳۶ - ۱۳۸ -
- ۱۴۷ - ۱۵۷ - ۱۵۸ - ۱۸۰ - ۱۸۱ -
- ۱۸۲ - ۱۹۵ .
- محمد کیا [سید ... ] بن بازی کیا (معروف  
به پاشیجائی، حاکم پاشیجا) - ۸۰ - ۹۱ -

۱۵۲-۱۵۳-۱۵۴-۱۵۵-۱۵۹-

۱۶۰-۱۶۱-۱۶۳-۱۶۴-۱۶۵-

۱۶۷-۱۶۹-۱۷۰-۱۷۱-۱۷۲-

۱۷۳-۱۷۶-۱۸۱-۱۸۲-۱۸۴-

۱۸۸-۱۸۹-۱۹۳-۱۹۴-۱۹۵-

۱۹۷-۲۵۰-۳۹۶.

محمد کیای تنکابنی [کارگیا ...] -۲۴۱-

۲۴۳-۲۴۵-۲۷۴-۲۸۰-۲۹۸-

۳۱۶-۴۴۶.

محمد [میر...] بن قوام الدین بن میرمحمد

ساری-۴۶۳.

محمد وزیر [نظام الدین ...] = نظام الدین

محمد وزیر.

محمد هزاراسپی [کیا ...] -۱۳۲.

محمود بن سبکتکین غزنوی [سلطان غازی ...]

۳۶۳-۴۱۷-

محمود بن علی بن ازدها (ازبزرگان لشتنشاہ)

-۲۹۱.

مداوا-۴۳۶.

مدرسه فقیه یحیی در تنهجان-۱۱۷.

مدرسه ملاط-۳۶.

مدینه کیا [سید...]-۱۵.

مربو (با میم مضموم و راء مشدد مفتوح)

-۴۷۴.

۹۶-۹۷-۹۸-۹۹.

محمد کیا [سید ...] بن سید مهدی کیا

(حاکم رانکو، فوت ۸۳۷)-۱۹۷-۱۹۸-

۲۰۳-۲۰۶-۲۰۹.

محمد کیا [سید ...] بن سیدهادی کیای

تنکابنی (والی تنکابن)-۹۳-۹۶-۱۰۵-

۱۰۶-۱۰۷-۱۰۸-۱۰۹-۱۱۰-

۱۱۱-۱۱۲-۱۱۳-۱۱۴-۱۱۵-

محمد کیا [سید...] بن سید یحیی کیا-۱۹۰.

-۱۹۱.

محمد کیا [سید...] دبیر صالحانی (مزارش

در صالحان کجوراست)-۳۲۴.

محمد [کارگیا ...] (خنده و رستر لاهجان)

۴۳۶.

محمد کیا [کارگیا ...] بن کارگیا سید علی

کیا-۱۱۹-۳۱۷.

محمد کیا [کارگیا ...] بن سید مهدی کیا

(= کارگیا سید محمد = امیر سید محمد

= کارگیا میر سید محمد متوفی ۸۳۷)

۱۰۰-۱۰۱-۱۰۲-۱۰۳-۱۰۴-

۱۰۵-۱۰۶-۱۰۷-۱۰۸-۱۰۹-

۱۱۰-۱۱۱-۱۱۲-۱۱۳-۱۱۴-

۱۱۵-۱۱۶-۱۱۷-۱۱۸-۱۱۹-

۱۲۰-۱۲۱-۱۲۲-۱۲۳-۱۲۴-

۱۲۵-۱۲۶-۱۲۷-۱۲۸-۱۲۹-

۱۳۰-۱۳۱-۱۳۲-۱۳۳-۱۳۴-

- مرتضی [سید ...] بن سیدرضی الدین بن سید  
قوام الدین مرعشی (حاکم ساری) - ۱۴۸  
۱۴۹ - ۱۵۱ - ۱۵۲ - ۱۵۳ - ۱۵۴ -  
۱۵۵ - ۱۹۸ - ۲۳۷ - ۲۳۹ .  
مرجکولی (دهکده‌ای در دیلمان مرکز  
کیاسیف الدین کوشیج) - ۶۶ .  
مرداویج = سالوک مرداویج .  
مرداویج فریدون (سپه سالار لاهجان) - ۱۶۳ .  
مرزان (از دهکده‌های طارم) - ۳۴۱ .  
مرزبان چاک - ۲۶۰ .  
مزار سادات اهلیم (در اهلیم آمل) - ۴۶۲ .  
مزیدارغون [امیر سید ...] (سردار انتقالی  
لشکر ابوسعید تیموری) - ۳۳۱ - ۳۳۲ -  
۳۳۳ - ۳۳۵ - ۳۳۶ .  
مسجد اسپه شوران (در لاهجان) - ۲۶ .  
مسجد پاس کیا (در رشت) - ۸۱ .  
مسجد جامع قزوین - ۲۵۹ .  
مسجد جامع کنار گوارود - ۱۴۴ .  
مسجد جامع لاهجان - ۳۲۴ - ۴۷۶ .  
مسجد رودبارک (از بناهای امام ناصر کبیر) -  
۴۷۲ .  
مسجد گوراب بالای رانکو - ۱۴۰ .  
مسجد گیلاکجان (از مستعدنات ناصر کبیر)  
- ۳۷ .
- مسعود سالوک دواج (از اکابر لشتن‌شاه) -  
۱۹۳ .  
مسعود کوچسفانی [امیره ...] بن امیره  
نوپاشا بن سالوک اسمعیل ود (از امیران  
کوچسفان) - ۴۵ - ۴۶ - ۴۹ .  
مسعود کیا [کیا ...] (حاکم ناحیه خرگام)  
- ۶۹ - ۴۷۱ .  
مسعود محمد اسواری - ۱۰۴ .  
مسعود ناصرد [امیره ...] (والی کیسم)  
- ۸۷ .  
مشهد جمنو - ۴۶۴ .  
مظفر [ملک ...] بن ملک کیومرث بن ملک  
بیستون - ۳۵۸ . والده - ۱۵۸ - ۱۵۹ .  
مغول - ۶۹ - ۷۸ .  
مقصود بیگ بن میرزا محمد تواجی - ۳۵۳ -  
۳۵۶ .  
ملاحده - ۵۹ - ۶۹ - ۷۰ - ۱۲۳ - ۲۴۷ -  
۳۲۷ .  
ملاحده اسماعیلیه - ۶۶ - ۱۳۵ - ۱۶۹ -  
۲۰۵ .  
ملاحده الموت - ۵۸ - ۶۱ - ۱۲۳ .  
ملاحده دیلمان - ۱۳۷ .  
ملاحده لمرس - ۵۸ .  
ملاط (دهکده‌ای بر سرحد مملکت لاهجان) -

- موریدان - ۴۷۶ .
- موسله [ راه ... ] ۲۸۸ - ۳۵۷ - ۴۳۶
- کوه - ۳۷۲ .
- موسی آباد جشیجان (قشلاق کوهپایه کوهدم  
مقابل توکه بن) ۳۴۵ - ۴۱۱ - ۴۳۵
- ۴۳۷ .
- موسی الحسنی قزوینی [ امیر... ] - ۲۵۸ .
- مدفن - ۴۰۸ .
- موسی علیه السلام - ۱۲۲ .
- مهدی کیا [ سید ... ] [ حاکم اشکور ] -
- ۱۰ - ۳۹ - ۴۰ - ۴۸ - ۵۵ - ۵۷
- ۵۸ - ۵۹ - ۶۰ - ۶۱ - ۶۲ - ۶۳
- ۸۲ - ۸۵ - ۸۷ - ۸۸ - ۱۰۲ -
- ۱۰۵ . اطفال - ۸۸ . فرزندان - ۸۷
- ۹۶ .
- مهدی کیای کامیارود ( سپه سالار رانکو  
در زمان کارگیا امیر سید محمد ) - ۱۳۰
- ۱۳۳ - ۱۳۴ - ۱۳۵ . برادر - ۱۳۴ .
- میانرود [ ناحیه ... ] ( در حوالی آمل ) -
- ۳۰۸ . ولایت - ۳۰۳ .
- میران آباد ( در حوالی آمل ) - ۳۰۸ .
- میرزا علی = سلطان علی میرزا .
- میرزا علی سلطان = سلطان علی میرزا .
- میرسید [ کارگیا ... ] [ بن کارگیا ناصر
- ۲۱ - ۲۳ - ۲۴ - ۳۵ - ۱۰۳ - ۱۰۵ -
- ۱۱۵ - ۱۴۱ - ۱۶۳ - ۱۶۵ - ۱۷۰ -
- ۱۸۸ - ۴۳۲ - ۴۴۹ . باغ - ۱۴۲ .
- خانقاه - ۱۴۲ - قریه کوه دمک - ۱۶۶ .
- قصر - ۱۴۲ . گوراب . ۱۴۲ .
- گوراب دیگر - ۱۴۲ . مدرسه - ۳۶ .
- مدفن امیر سید محمد و همسرش در -
- ۱۴۲ - ۱۸۵ . مسجد جامع - ۱۴۲ .
- ملك بن فرعون = فرعون بن ایملک ( سپه  
سالار کوچفان از قبيله ناصرود ) - ۷۶ -
- ۸۷ .
- ملك شاه غازی بن ملك بیستون ( والی  
كلارستان ) - ۳۶۰ - ۴۶۶ - ۴۶۸ .
- ملوك گاو باره - ۱۲۳ .
- منجیل - ۴۹ - ۲۶۱ - ۳۵۷ - ۴۱۰ .
- صحرای - ۴۳۴ . گذر - ۴۳۵ . مردم
- ۴۳۶ .
- منصور بیگ [ امیر ... ] ( از امرای حسن
- بیگ ترکمان ) ۳۴۱ - ۳۵۱ - ۳۵۲ .
- منصور [ شاه ... ] = شاه منصور .
- منگلو س - ۳۶۳ .
- مو خداوند جلال = جلال مازندرانی
- [ کیا ... ]
- مورسه - ۳۸۴ .

احمدلشتن‌شاه - ۲۱۲ .  
 ناصر کیا بن کار گیا میرسید احمد - ۲۴۸ .  
 ناصر کیا [ سید ... ] بن سید حسین کیا  
 (پدرش در قلمه گر زمان سر کشته شد و  
 خود او والی پاشیجا و والی کیسم بوده  
 است) - ۴۵ - ۹۶ - ۱۰۴ - ۱۱۹ - ۱۶۹ -  
 ۱۷۰ - ۱۹۶ - ۱۹۷ . همشیره بزرگ -  
 ۲۰۱ .  
 ناصر کیا [ سید ... ] ( یکی از  
 سادات عظام تنکابن است که پس از والی  
 شدن در کوچسغان به سید ناصر کیسای  
 کوچسغانی معروف شد) - ۳۰ - ۳۲ -  
 ۴۶ - ۴۷ - ۴۹ - ۷۰ - ۷۱ - ۸۵ .  
 ناصر کیا [ کار گیا ... ] بن کار گیا امیرسید  
 محمد کیا (سلطان ولایت اشکورولمسر) -  
 ۱۰ - ۷۴ - ۱۳۸ - ۱۴۵ - ۱۵۴ -  
 ۱۷۸ - ۱۷۹ - ۱۸۰ - ۱۸۲ - ۱۸۴ -  
 ۲۲۵ - ۲۲۷ - ۲۲۸ - ۲۲۹ .  
 ناصر کیا [ میر سید ... ] بن کار گیا میرسید  
 - ۴۴۸ .  
 ناصر کیسای بچاره پسی [ سید ... ] (والی  
 کوهدم است و همشیره سید علی کیا همسر  
 اوست) - ۵۰ - ۸۰ .  
 ناصر کیسای توپلا [ کیا ... ] (سپه سالار

کیا بن امیر سید محمد - ۱۸۸  
 میرسید [ کار گیا ... ] بن محمد کیا  
 تنکابنی (والی تنکابن) - ۴۳۱ - ۴۳۲ -  
 ۴۴۶ - ۴۴۷ - ۴۴۸ - ۴۴۹ .  
 میرسید محمد [ کار گیا ... ] = امیرسید محمد  
 = سید محمد کیا بن سید مهدی کیا .  
 میسر - ۲۸۱ .  
 مینک (به فتح نون ، از قرای رودبار علیای  
 نور ، امروز میناک گویند) - ۲۸۵ -  
 ۳۰۵ .

## ن

ناتل (به کسرتاء ، تخت دشت رستم دار است)  
 - ۳۱۰ - ۳۱۱ - ۳۱۲ - ۳۱۳ - ۳۱۴ -  
 ۳۱۵ - ۳۵۲ . ناحیه - ۳۰۳ .  
 ناتل رستاق (از نواحی رستم دار) - ۱۵۲ -  
 ۳۱۳ - ۳۱۴ . دشت - ۳۰۸ . ناحیه -  
 ۱۵۴ . نواحی - ۳۰۸ . والی - ۴۵۲ .  
 ولایت - ۱۵۱ .  
 ناصر الحق = ناصر کبیر = حسین ناصر -  
 ۴۷۲ .  
 ناصر کبیر = ناصر الحق = حسین ناصر -  
 ۱۳۲ .  
 ناصر کیا بن امیر کیسای گرجیانی و برادر سید

نظام الدین یحیی [مولانا...]. بن قاضی القضاة  
احمد - ۳۶۶ .

نظام الدین یحیی [خواجه ...] ( نایب  
کارگیا ناصر کیا و سلطان محمد کیا) -  
۲۵۹ - ۲۶۶ - ۲۶۹ - ۲۸۶ - ۲۸۹ -  
۲۹۰ - ۲۹۲ - ۲۹۴ - ۲۹۶ - ۲۹۸ - ۳۰۹ -  
۳۱۶ - ۳۱۹ - ۳۴۸ - ۳۷۱ - ۳۷۲ - ۳۷۵

نظامی [ شیخ ... ] - ۴۵۵ .

نعمت الله طبیب [مولانا...]. ۴۱۲ - ۴۴۲ .  
نفطچاک (به کسر طاء) - ۲۴۹ - ۲۵۰ -

۴۳۶ - ۴۵۳ - ۴۵۸ - ۴۷۱ . بیلاق

۲۴۹ - ۴۲۴ - ۴۳۳ - ۴۴۵ - ۴۵۸ .

نمازستاق [ ولایت ... ] - ۲۸۳ - ۲۸۴ .

نماور دیلمی [ کیا ... ] = نام آور دیلمی

[ کیا ... ] (سپهسالار طالقان) ۲۸۰ -

۳۳۸ - ۳۴۲ - ۳۴۳ .

نمکابجار [ قریه ... ] ( در ناحیه بجاره

پس) - ۱۰۶ .

نمکاوہ رود ( = نمکاوہ رودسر ، سرحد

رستمدر و تنکابن) - ۲۹ - ۱۴۹ - ۱۵۵ .

۳۰۳ - ۴۶۵ - ۴۶۸ . سرحد - ۴۶۶ .

تنک (به فتح هر دونون، امروز ناناک گویند،

بر سرحد رشت و کوهدم است ) -

۴۷ - ۴۸ - ۸۳ - ۳۴۸ - ۳۶۹ -

رانکو) - ۲۲۷ - ۲۲۸ - ۲۲۹ .

ناصرود (از خاندانهای امیران گیلان که قبل

از سادات کیائی حکمرانی داشته اند) -

۲۰ - ۴۲ - ۴۳ - ۵۲ - ۸۷ - ۸۹ - ۱۰۳ .

- ۱۲۰ - ۱۲۱ . عمارات امیران - ۱۴۰ .

نام آور دیلمی [ کیا ... ] = کیا نماور دیلمی

- ۲۸۱ .

ناوک [ النک ... ] - ۳۸۴ .

ناوه (از دهکده های رودبار به شمار بوده

است) - ۶۸ .

نرکه (به فتح نون و راء) - ۹۵ .

نسپی (امروز : نصفی) - ۴۳۵ .

نصر الدین [ سید ... ] (سپهسالار لمسر) -

۳۷۲ .

نصیر الدین [ سید ... ] بن سید ظهیر الدین

مرعشی (مؤلف این کتاب) - ۴۶۵ .

نصیر الدین [ سید ... ] ( از بنو اعمام و

همشیره زاده سید ظهیر الدین مؤلف کتاب)

- ۴۶۲ .

نصیر الدین [ سید ... ] (پدر سید ظهیر الدین

مؤلف کتاب) - ۱۶۴ - ۱۶۵ - ۱۶۶ .

نظام الدین محمد وزیر = محمد وزیر [ نظام

الدین ... ] ( نایب امیر سید محمد) -

۲۰۳ .

هراو [قلعه ...] [تخت خلخال] - ۳۵۶.  
 هرز [رودخانه ...] [هراز امروزی] -  
 ۴۶۳

هزار (پاره‌ای از خاک دیلمستان) - ۲۸ -  
 ۳۲

هزار اسپه = هزار اسپه - ۱۲۳

هزار اسپ [کیا ...] [ازامرای هزار

اسپی دیلمان و حاکم اشکور] - ۱۲۶ -

۱۳۲

هزار اسپ [امرای ...] [سلسله امرای اشکور]

= هزار اسپه - ۱۱۹ - ۱۲۵ - ۱۲۶ -

۱۳۳ - ۱۴۰ . کیا یان - ۶۶ - ۱۲۱ -

۱۳۲

هزار خال (از دهکده‌های کجور) - ۲۹۶

- ۳۰۱ - ۳۰۲

هزار جریب [ولایت ...] - ۴۶۴

هشتر امیره مسعود بن امیره نوپاشا - ۴۵

هشتر تنکابن - ۴۵۰

هشتر رانکو - ۲۴۲

هشتر کیسم - ۴۷۷

هشتر لاهجان - ۱۷۴

هشتر لمسر - ۳۸۴ - ۳۸۶ - ۳۹۱

هماون [کوه ...] - ۳۵۵

همایون شاه [کیا ...] - ۱۳۸ - ۱۳۹

ولیسارود (امروز : ولیسه رود) - ۱۴۰ -

۱۴۱ - ۱۴۳ - ۱۸۸ - ۲۳۷ - ۲۴۲ -

۲۴۳

ولیکان (از دهکده‌های ناحیه لویج) - ۳۰۲

ویار - ۴۷۲

ویه (از دهکده‌های رود باربه شمار می‌آمده

است) - ۶۸

ه

هادی کیا [سید ...] [برادر کار گیا سید

علی کیا] - ۱۰ - ۲۹ - ۴۸ - ۶۵ -

۸۳ - ۸۶ - ۸۷ - ۸۸ - ۸۹ - ۹۲ - ۹۵ -

۹۶ - ۹۷ - ۹۹ - ۱۰۱ - ۱۰۲ - ۱۰۳ -

۱۰۵ - ۱۰۶ - ۱۰۷ - ۱۰۸ - ۱۱۷ -

۱۳۹ - ۱۸۹ - ۲۱۵ . برادر زادگان

- ۹۵ - ۱۰۱ . فرزندان . ۱۰۴

- ۹۵

هادی کیا [سید ...] [بنای چهار پادشاه از

مستحقات اوست] - ۹۶

هادی کیا [سید ...] [بن کار گیا امیر سید

محمد - ۱۸۴

هادی کیا [کار گیا ...] [برادر کار گیا میر

سید احمد] - ۲۵۵ - ۲۵۶

هرات - ۱۵۶ - ۲۴۶ - ۲۵۱ - ۲۵۸

- ۳۷۰- امرای- ۲۴۸- راه- ۴۰۴-  
 ناحیه- ۳۶۸-  
 نوپاشا [ امیره ... ] بن امیره سالوک  
 کوچسغانی از طایفه اسمعیل ود- ۳۳-  
 ۳۴- ۴۵-  
 نوپاشا [ امیره ... ] بن امیره محمد ناصر و دین  
 امیره پهلوان ( حاکم رانکو )- ۱۹-  
 ۲۰- ۲۱- ۲۲- ۲۳- ۲۴- ۲۵- ۲۶-  
 ۲۷- ۲۸- ۳۱- ۳۲- ۳۳- ۳۴-  
 ۳۵- ۳۶- ۳۷- ۳۸- ۳۹- ۴۰-  
 نوپاشا کوه‌دمی [ امیره ... ] ( والی کوه‌دم )-  
 ۲۶۱- ۲۶۲- ۲۶۳-  
 نوپاشا [ کیا ... ] ( سپهسالار لشکر رودبار )-  
 ۱۳۶-  
 نوپاشا محمد ( برادرزاده بهادر علی )- ۱۱۵-  
 نوذر [ ملک ... ] بن ملک جهانگیر ( برادر زاده ملک کیومرس بیستون )  
 ۱۵۰- ۱۵۴- ۱۵۵-  
 نور- ۳۰۴- ۳۱۴- ۳۲۱- ۳۲۲-  
 ۳۲۵- بزم- ۳۰۶- رودبار سفلی  
 ۲۸۲- رودبار علیای- ۲۸۵-  
 رودخانه- ۳۰۶- قلعه- ۱۵۸- ۲۷۸-  
 ۲۸۱- ۲۸۴- ۳۰۵- ۳۰۶- ۳۱۵-  
 ۳۲۱- ۳۲۴- ولایت- ۲۸۰-
- نور رودبار ( = رودبار نور )- ۲۷۹-  
 ۲۸۰-  
 نوشا ( دهکده‌ای نزدیک کلیشم )- ۴۴۸-  
 نوگوراب ( میدان کوچسغان )- ۳۷۳-  
 نیتل ( به کسر نون و سکون یاء و فتح تاء ،  
 از دهکده‌های کجور )- ۲۸۱- ۳۲۵- راه-  
 ۳۲۵-  
 نیرک ( از دهکده‌های معتبر طارم علیا )-  
 ۳۴۰-  
 و  
 واتل ( دهکده‌ای بر سر راه لوسن به رحمت  
 آباد )- ۴۳۵-  
 وارکو ( به کسر راء = واره کوه )- ۴۴۷-  
 ۴۴۸-  
 ورزل ( به فتح و اووزاء )- ۴۰۴- سرحد- ۲۹۹-  
 ناحیه- ۲۹۹-  
 ورناباد [ جنگل ... ]- ۳۰۴-  
 وستاسر ( از محلات رشت ، امروز : اه  
 سراگویند )- ۲۵۶-  
 وسکو [ ناحیه ... ]- ۴۴۵-  
 ولامجان- ۲۹۷-  
 ولک‌رستم [ حاجی ... ] ( = رسته  
 سپاهیان رانکو )- ۲۲۶- ۲۲۸-



- ۳۸۶ - ۴۲۰ - ۴۲۱ - ۴۲۲ .  
 یحیی [ سید ... ] بن کارگیا سید حسین  
 کیا و داماد امیر سید محمد - ۱۶۱ -  
 ۱۶۲ - ۱۶۳ - ۱۷۶ - ۲۴۱ .  
 یحیی [ شاہ ... ] (برادر بزرگ کارگیا  
 سلطان محمد) - ۲۷۳ .  
 یحیی [ شاہ ... ] بن کارگیا امیر سید احمد  
 = شاہ یحیی .  
 یحیی کیا بن سید علی کیا (والی کوچستان)  
 . ۷۶ .  
 یحیی کیا بن سید ہادی کیا ( والی تنکا بن )  
 ۹۶ - ۱۱۷ - ۱۱۸ . دختر - ۱۸۸ .  
 یحیی کیا بن کارگیا محمد کیا بن تنکا بنی  
 ۲۸۰ - ۲۸۱ - ۳۱۶ - ۳۲۱ - ۴۳۱ -  
 . ۴۳۲ -  
 یحیی کیا بن کارگیا ناصر کیا بن امیر  
 سید محمد - ۱۸۸ .  
 یحیی کیا [ سید ... ] (برادر کارگیا داود  
 کیا) - ۱۹۰ - ۱۹۱ .  
 یحیی [ مولانا قاضی ... ] - ۳۷۰ - ۳۷۵ -  
 . ۴۳۶ -  
 یعقوب بنای رویانی [ استاد ... ] - ۴۴۲ -  
 . ۴۷۳ -

- ہند بہادر [ سپہ سالار امیر علاء الدین  
 فومنی ] = سیاہند بہادر .  
 ہندویا یا ( از تاجمان سید علی کیا ) - ۱۷ .  
 ہندو شاگر جیانی [ امیرہ ... ] ( والی  
 گرجیان و گلہجان ) - ۱۳۰ - ۱۳۷ -  
 . ۱۳۸ -  
 ہندوہ چم ( از مواضع طارم ) - ۳۵۷ .  
 ہوسم = رودسر - ۱۴۳ .  
 ہوشنگ [ ملک ... ] بن ملک بہمن بن  
 ملک کیومرث بیستون - ۳۲۷ .  
 ہیر ( از دہکدہ های رودبار ) - ۲۵۸ - ۲۵۹ .

## ی

- یادگار محمد ( فرزند زادۂ شاہ رخ میرزای  
 تیموری ) - ۳۳۶ .  
 یارہ رود [ قریۂ ... ] - ۴۷۳ .  
 یازن [ قریۂ ... ] - ۴۷۲ ،  
 یالو ( از دہکدہ های یالورود نور ) - ۲۸۱ .  
 یجن ( ۶ ) - ۲۴ .  
 یحیی بن محمد صالحی [ فقیہ ... ] - ۴۱ -  
 . ۹۱ - ۱۱۷ -  
 یحیی جان [ کارگیا سید ... ] بن سید  
 رکابزن کیا بن امیر سید محمد ( حاکم  
 الموت ) - ۱۸۹ - ۳۲۸ - ۳۳۰ - ۳۸۵ -

یوسف خواجه [آقا ...] (سپه سالار سام)

۴۵۶-

یونان - ۶ .

یهودیان - ۲۴۵ .

یعقوب [پادشاه ...] بن ازون حسن - ۴۳۳

۴۴۱- ۴۴۳- ۴۵۱- ۴۵۷- ۴۶۰

- ۴۶۶ .

یوسف بیگ - ۴۳۳ . فرزند - ۴۳۴-